



بتوفیق الملک العلیم

مظفر الدین شاه | لا زال مؤیداً بنصر الله

در عهد دولت
سلطان عادل نامدار و
خاقان با بخت کامکار السلطان
ابن السلطان بن السلطان و الخاقان
ابن الخاقان بن الخاقان السلطان (قاجار)
بسعی و اهتمام عالیجناب محمد کریم آقا ابن مرحوم
آمیرزا علی اکبر کتابفروش ادام الله توفیقه بر حسب
سند خطی اقل الکتاب یحیی بن محمد
باقر التفرشی الطالقانی تاریخ یوم الاربعاء
رابع شهر ذی القعدة الحرام
سنه یکهزار و سیصد و
چهارم

در کارخانه استاد | الماهر مشهدی خداداد
طبع گردید



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين اما بعد چنين گويد اقل
خلق الله محمد باقر بن محمد تقی حشره الله مع الائمة الابرار صلوات الله عليهم اجمعين بدانکه اين چند کلمه
ايست در بيان معرفت تعبير خواب آنچه از آيات و احاديث معتبر ظاهر میشود خواب زنان اصلی ندارد
مگر زنيکه مؤمنه باشد و پارسا فضل او بر زنان ديگر که سليطه و فاحشه باشد و خواب توانگر فقير را
فضل است بر خواب درويشان زيراکه بروايت خبرها صادر و بخيل کسی نبود خواب او بکار نيايد و خبر
نبوی صلی الله عليه وآله فرموده (البخيل لا يدخل الجنة) زيراکه هميشه در غم و درويشی و در غم
فرزند و عيال و هرچه در بيداری ببيند در خواب هم ببيند آنچه خواب بد ببيند زود تاثير کند و آنچه
خواب نيک است دير نتيجه بخشد و خواب مرد ضعيف بود زيراکه انديشه در کار جماع و طعام
بسيار خوردن و خواب کودک را دو قولست برآنکه دل او را غبار کرفته است و خوبتر دوست باشد آنچه
ديده است زود تاثير ميکند قول ديگر آنستکه خود را و راه نبود خواب او را اعتبار نتوان کردن و کودک
مراهق خواب که ببيند خير و شر او بپای مادر و پدر او بود اما بدی از خواب ايشان هيچ زيادتی ندارد و اما
جهود و مشرک و حايض و جنب همه را است و درست دليل ميکند که صفيه دختر حيی ابن اخطب که
زن امير خيبر بود در خواب ديد که آفتاب و ماه در کنار او افتاده بيدار شد بشوهر گفت طپانچه بروی

دیباچه کتاب

اوزد چنانکه رنکش کبود شد کفت لعنت خدا بر تو باد اکر این خواب تو راست بود محمد این قلعه را بکیرد
و ترا باسیری برند و ترا زن خود کند روز سیم قلعه را کرفتند و صفیه را اسیر کردند بخدمت
حضرت رسول آوردند حضرت فرمود که چرا روی تو کبود است صفیه قصه خود را کفت پیغمبر فرمود
تعبیر بر ما نسب کرد پس دانستن خواب دروغ بدانکه چنانکه مردان مختلف اند در طبایع و مزاج
و احوال به الا سخن کفتن هیچ یکی بدیکر نماند و چند کروه خون غالب کردد و از خوردن دواها و کوشت
و شراب و چیزها مانند عنبر و اینچنین او را انبساط ببیند و فربه بود از سرخ در خواب بیند و قوی و فربه
بدانکه آن خوابها از زیادتی خون نشست ظاهر اصلی ندارد و او را تعبیر نکنند و دیکر کروهی را صفرا غالب کردد
از خوردن و آشامیدن مثل سیر فلفل پیاز خام و باقله و ماش و آنچه مانند اینها بخواب بیند مثل شمع و
چراغ قندیل مشعل و آتش و اکر رنک او زرد و بدن لاغر داند آن خواب اصلی ندارد و تعبیر نکنند و دیکر
کروهی که سودا غالب شود از خوردن چیزهای ترش و سرد و شور و کوشت شکار و کاو و بز و آنچه بدین ماند
سیاه و سیاه چاه و مکان تنک چون بیند از جانب هی فرو افتاد چون معتبر از بیند سیاه و متفکر
و متحیر با غم و اندوه پس بدانکه خواب از زیادتی سودا است اصلی ندارد و چهارم کروه را بلغم او و باشد با
از خوردن دوغ و غیره و آنچه بدین ماند سپاه بخوب از در دریا و حوضها آنچه از این نوع و برف
و شراب بیند معتبر اوجون بروی نکاه کند او را با غم و تفکر نکاه و بیند و هم از زیادتی بلغم است
انهم اصلی ندارد اما کسانی که صاحب همت اند مثل عاشق و معشوق و در خواب بیند با کسی خصومت
دارد خصم خویش را ببیند یا عمل دارد مشتبه در خواب بیند یا کسی غمی دارد و بخواب بیند که در دنیا
ایستاده سرها هی باید چون بیدار شود از جامه برهنه بود انهم اصلی ندارد و آب نکاه داشتن حرمت معبران
در وقت سؤال تعبیر خواب که چون بشاید نزد معبران باید سلام کند و بنشیند و خداوند عز و جل را یاد کند
و رسول خدا و اصحاب او فرستند بر ائمه طاهرین درود کوید از حقیقت الی سبحانه جو بید بر بسمله بعد از
خواب خود را بدون کم و زیاد به معبر عرض کند اما باید داشت کوید زیاد و نقصان بسیار زیاد در دو خواب

دیباچهٔ کتاب

از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اصدقکم کلاماً اصدقکم رؤیا یعنی راست گوترین شما خواب او راست‌تر
شود و تعبیر نیز زود حاصل شود اما آنکه داشتن معبران بود که صبر و خرد خورد و فهم و عقل و تمیز بجا
آورد و با سخن سائل تمام شود و بشنود همه سخنهای او را و نام پدر او را بپرسد که بر چند سال اصحاب سلطان است
یا کسبه یا عالم یا جاهل یا مقصد شغلی یا مومن یا فاسق باشد یا آزاد است یا غریب است یا شهری و نیز یا مرد
خواب را شب دیده یا روز در وقت غمناک بوده یا شادی امت بود یا غافل یا ... بود یا جنب است چه خورده
چون معبر بر همه مطلع شود پس خواب او را تعبیر کند چنانکه بوده است بدون نقصان بلکه برای خوش آمد سائل نگوید
و بدانکه بر هر مسلمان واجب است که با طهارت باشد و از ذکر خدا تعالی غافل نباشد و صلوات بر پیغمبر و آل
او بفرستد و شهادتین بگوید بر طرف راست به پهلو بخوابد و دست راست خود را بگذارد بر روی راست و سوره
بقره را و اخلاص و معوذتین بخواند و استغفار بگوید و بعد از آیة الکرسی و آمن الرسول و شهد الله و قل اللهم
را بخواند و آیه قل انما انا بشر و بعد از آن استغفار بخواند بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی
السماء و هو السمیع العلیم اللهم انی اسئلک العفو والعافیة والمعافات فی الدین والدنیا والآخرة اللهم
انی توکلت علیک و تعقلت بکتابک و اسلمت نفسی الیک تبارکت ربنا و تعالیت انت الغنی و نحن الفقراء الیک
استغفرک و اتوب الیک و ربنا هارب منک الیک اللهم انی اسئلک یا الله ان تریني في منامي رؤیای
صالحة غیر ضارة پس دست را بگشاید و رو بسوی قبله کند چون از خواب بیدار شود ایزد تبارک و تعالی
یاد کند اگر خواب نیکو دیده باشد خدا را شکر کند و صدقه بدهد اگر بد دیده باشد پس معبر دانا ببیند
از خواب خود سؤال کند بی زیادت و نقصان تا معبر خوب تعبیر کند بدانکه احمد کاتب از تعبیر خواب بیان میشود
امید است هر کرا از این رساله مستفیض شود مؤلف و کاتب را بطلب مغفرت یاد و شاد فرمایند

بابهائی مذکور اینست

فهرست کتاب

فهرست ابواب

باب اول بدانکه خواب در وقت بر آمدن آفتاب به صحت نزدیکتر باشد تا آفتاب تمام فرو شود در وقت فریضه کار دن
برسند تا تمام بکرد در وقت زوال نیز بسیار زوال بکند و باد بوانیز و سحر در باطل و دشمن چون خواب بیند باید
کتمان کند قوله تعالی لا تقصص رؤیاک علی اخوتک فیکیدوا لک کیدا اما اگر خواب نیک دیده باشد نیک
اگر از خواب بترسد سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و باید دست چپ خود در مده بگوید یا رب تو ای از آن
من توانم و تو دانائی که من عاجزم و تو بر همه چیز آشنائی وفاداری اگر خواب نیک بیند تو نیکی او بیند و نیکی و داد
دارا گر بد است از او دور گردان و دانستن فضل خواب نامشته و در اول کتاب یاد کردیم که اصل خواب از چهار
نوع بیرون نیست که از شور و طبع باشد نباید تعبیر کرد آنچه از شهوت بود چنان بود چیزی بماند در دل
بود و همه روزه اشارت اندیشه بود و کند آنکه در شب خواب بیند الرا اصلی ندارد یا تشنه باشد آب در خواب
بیند یا گرسنه طعام اینها اصلی ندارد و دیگر آنکه ذهن مشغول ندارد و چیزی بر طبع او تابد باشد چون بخواند
کنهرا و کتاب یاد کردیم خواب که بیند درست و راست بود او را صد سال بهتر است او را اول بها نیل بهتر از آخر بها
و لیکن شب بهتر است از اول که راو دنا بر کند اگر در اول دو ز بیند بهتر است از آخر و دیگر که نحو بار ساز شب
خوابش راست نیست زود اثر کند باب دویم در دانستن خواب که بیند نوع است و بچه طور سبب تعبیر کردن
بدانکه خواب مسلمانان بهتر است از خواب جهودان و خواب عالم بهتر است از خواب جاهل و خواب مرد بهتر است
از خواب زن صالحه و خواب زن صالحه بهتر است از خواب مردم و خواب خواص بهتر است از خواب عوام و
خواب قضیه بهتر است از خواب اهل بازار و خواب آزاد بهتر است از خواب بنده و خواب جوانان بهتر است

دیدن فرشتگان

از خواب مست و خواب اصحاب سلطان بهتر است از خواب بادیه یکی محمد سیرین را گفت در خواب دیدم بانک نماز میکفتند
کفت خدای تعالی ترا حج روزی کند دیگری همین خوابرا دیدم از او پرسیدم کفت ترا بدزدی متهم کنند چون
کفتند یک خوابرا دو تعبیر مختلف کردی کفت تعبیر را بحال سائل باید کفت که یکی صالح و متقی بود تعبیر کردم
چنانکه حق تعالی فرموده و اذان فی الناس یوم الحج الاکبر یعنی خبر داد مر خدا مردم را بحج و آنکه شبه مفسدان
داشت تعبیر چنان کردیم چنانکه حق تعالی فرموده ثم اذن مؤذن ایتها العیر انکم لسارقون و شاگردان
نگاه داشتند از هر دو تعبیر او چه درست افتاد چنانچه معبر گفته بود بی زیاد و نقصان باب سیم در
بیان دیدن فرشتگان و کروبیان و مقربان و ملایک حضرت و پیغمبران و دوزخ و عرش و کرسی و صراط و غیره
اگر کسی فرشتگان را در خواب ببیند رحمت و نعمت بود از او و چه است فرشتگان امینان خدایند عدل و داد
در جهان عدل و راحت و انصاف و راحت و فرح و او را نیز خیر و مال حلال و فرزند و بهشت روزی شود
اگر کسی حور العین در خواب ببیند مال و فرزند و عزت و شرف و امر نیز شود کما قال تعالی الذین یحملون العرش
تا آخر و اگر کسی جبرئیل را در خواب ببیند بمراد برسد کارها بشود و ظفر یابد و بعضی گویند علم آموزد
و قوله تعالی علمه شدید القوی اگر کسی میکائیل را در خواب ببیند عمرش دراز شود و اگر درویش باشد غنی شود
و دراز سال رحمت بود و کارها سامان حال نمایان گردد و بسیار باران بیارد و اگر کسی اسرافیل را در خواب
ببیند که صور میدمد عدل گسترده شود و در آن شهر که آن خواب دیده فاسقان ذلیل شوند و مردم در خیر
راغب شوند اگر عزرائیل در خواب ببیند مرگش نزدیک شود و توبه روزی او گردد و اگر خشم آلود ببیند تعبیرش
بر عکس بود و اگر ببیند که جان او را بستاند زندگانی او را بخوشی صرف کند و اگر ببیند که کسی بروی سلام
کرد اندر جهان ایمن گردد و در بهشت رود قوله تعالی و تسری فی الجنة و جای دیگر پیغمبر فرماید طبتم فادخلوها
خالدین اگر کسی فرشته در خواب ببیند تعبیر رحمت بود و اگر ببیند که فرشتگان از آسمان نزول میکنند کافر ایزد لک
ظفر یابد و مسلمانانرا نصرت و عزت و غنیمت بود قوله تعالی یمددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائکة
مسومین اگر کسی رضوان در خواب ببیند در اتصال راحت و شادی و ایمن باشد اگر کسی ... ایزد در خواب

ببیند

در بیان دیدن انبیا و فرشتگان

ببیند آزاده و جبرئیل است رحمت و عزت و نعمت و عشرت و دولت و ظفر یابد و دشمنان زبر باشد و قوت
و راحت یابد اگر کسی رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب ببیند آنکس در هر دو جهان عزیز باشد
و کاری میکند که مستوجب بهشت باشد لیکن برنجی چیزی مبتلا گردد و بسبب آن غرامت یابد از خوار بجانب
خدا در آنجا که محله و آن شهر که او را در خواب ببیند آن ولایت بلاها اصلاح در آیند مؤمن و پارسا گردند
آنچه خدا تعالی فرموده بجای آورده از شریعت بدانکه او بشارت نامه است از آنجا عز و شرف و نعمت
پدید آید او مردم شاد کردند اگر کسی غمگین شود شادمان شود اگر محبوس باشد آزاد گردد و اگر درویش
بود توانگر گردد و اگر در دل مطلبی و مرادی دارد بزودی بمطلب برسد و اگر غریب بود بخانه خود رسد
و اگر قرض دار باشد قرض او ادا شود و اگر بیمار باشد شفا یابد اگر کافر باشد مسلمان شود اگر فاسق باشد
توبه اش قبول شود و روزی او زیاد گردد و اگر سلطان ببیند روزی او و ولایت زیاد گردد و اگر بنده
ببیند آزاد گردد و اگر کهتر ببیند مهتر شود و مردم آن ولایت از گناهان توبه کنند بلا بر ایشان نازل شود قوله
تعالی (و ما نرسل المرسلین الا مبشرین و منذرین) و اگر کسی رسول خدا را بشناسد دلیل نیکوئی
و اگر او را ترش روی و غضبناک نعوذ بالله در آنجا فساد میشود و او را از آن کدورت برسد زود
صدقه باید داد که تا بخشم خدا مستحق نگردد زیرا که هر آن از رسول و پیغمبران و فرشتگان او در خواب
ببیند خواب راست باشد که شیاطین بصورت انبیا و ائمه و اولیاء و اوصیاء و فرشتگان نتوانند متمثل
شد و اگر کسی آدم را در خواب ببیند حضرت انبیا فرموده است حضرت را در خواب دیدن تعبیرش این است
که آنکس مهتر بود که قوم گردد قوله تعالی انی جاعل فی الارض خلیفة اگر کسی هابیل را در خواب ببیند
مؤمن و متقی و باورع باشد اما ستمکش و مصیبت زده میگردد قوله تعالی واتل علیهم نبأ آدم
اگر کسی شیث را در خواب ببیند حق تعالی علم و دانش و حکمت و فرزند بسیار دهد و از برخورداری
کرامت فرماید اگر کسی نوح را در خواب ببیند عمرش دراز بود شاد گردد و لیکن رنج افتد قوله تعالی
انه کان عبدا شکورا اگر کسی بر کشتی نشسته بیند دلیل بر نفع است اگر کسی ابراهیم را در خواب ببیند نعمت

در بیان ذکر فرشتگان

۹ و بزرگی یابد قوله تعالی و رفعناه مکانا علیا اگر کسی ابراهیم را در خواب بیند قضای حاجات بیند
و بر کارهای خیر راغب گردد و حج کند قوله تعالی و اذن فی الناس یوم الحج الاکبر اگر کسی اسمعیل را در خواب
بیند صاحب مال باشد شاید مسجد بسازد قوله تعالی یا ابت افعل ما تومر ستجدنی ان شاء الله من الصابرین
اگر کسی هود را در خواب بیند دشمن قوی بر او مسلط شود و از ایشان برهد قوله تعالی من عذاب غلیظ
اگر کسی صالح را در خواب بیند بفتنه افتد و دشمن را هلاک کند قوله تعالی انا مرسلوا الناقة فتنة
لهم اگر کسی یعقوب را در خواب بیند زن و فرزند طفل یا و کرامت فرماید از برای یک فرزند بسیار غمناک شود با
و در آخر شاد شود قوله تعالی و ابیضت عیناه من الحزن و اگر کسی یوسف را در خواب بیند افترا بر بندند
بار سبب درد و رنج افتد آخر الامر از آن برهد اگر کسی زکریا را در خواب بیند فرزند خداوند با و عطا
فرماید دعاش مستجاب شود قوله تعالی و زکریا اذ نادی ربه انی اگر کسی یحیی را در خواب بیند پرهیزگار شود
قوله تعالی لم نجعل له من قبل سمیا اگر کسی یونس را در خواب بیند او در کار خود شتاب کند و در تنگی افتد
خدا او را نجات دهد قوله تعالی و ذا النون اذ ذهب مغاضبا اگر کسی ایوب را در خواب بیند بدردی مبتلا
گردد و مالش برود اگر کسی داود را در خواب بیند دولت و قوت یابد و مهتر و بزرگ شود قوله تعالی
انا جعلناک خلیفة فی الارض اگر کسی سلیمان را در خواب بیند مملکت و بزرگی یابد قوله تعالی و حشر لسلیمان
جنوده من الجن و الانس اگر کسی داود را در خواب بیند بهتان و ظفر یابد و همه را هلاک کند و از دشمنان
ایمن گردد قوله تعالی لا تخف انک من الآمنین اگر کسی عیسی را در خواب بیند مبارک باشد خداوند او را
فرزندی کرامت فرماید و او را منفعت برساند قوله تعالی و ابرئ الاکمه و الابرص اگر کسی عزیر را در خواب
بیند پنج وجه بود سلطنت و ریاست و نعمت و زینت و شرف و اگر بر او مهتری بود مهتر گردد و بر دشمنان
ظفر یابد و مراد خود را تمام یابد از هر چیز که میترسد ایمن گردد و مالش بسیار بود اگر کسی کرسی را در خواب بیند
تعبیرش بر ده وجه است عالم و انصاف علم و عزت و شرف و زینت نعمت و ولایت جاه امیر پادشاهی
اگر بر کرسی نشیند کارش بالا گیرد و غریبد و جهان گیرد و خیر و برکت بسیار یابد اگر ببیند از کرسی افتاد

عملیکه

دیدن آدم و فرشتگان

۲ عملیکه دارد معزول شود اگر بیند بر کرسی نشسته پادشاه شود اگر بهشت را در خواب بیند که داخل شده
بود همه مرادها برسد و از غم رهائی یابد نعمت فراخ گردد قوله تعالی ادخلوها بسلام آمنین اگر بیند از بهشت
طعام خورد میراث از حلال یابد و عالم شود و اگر کسی حور العین را در خواب بیند مرد بینا پادشاه شود قوله
تعالی و یطوف علیهم ولدان مخلدون اگر بیند که در یکی از کوشکهای بهشت بود به بزرگی برسد اگر بیند که او را
از بهشت بیرون کردند یا خود بیرون آید زوال نعمت گردد فاخرجنا منها اگر کسی دوزخ را خواب بیند خشم
خدا بر وی رسد اگر در وی باید توبه تا بجاه بزرگ مبتلا نگردد اگر مستی بیند که در وی دود و خشم و آتش او را
نسوزاند سلطان جبار و غم بود اگر بیند طعام خورد مال حرام بدست آورد اگر بیند از دوزخ بیرون
آید از غمها خلاص شود اگر کسی صراط خواب بیند که او ضعیف بود بار است بخطر و فرغ اگر بیند که راه راست
بود قوله تعالی و یهدیک صراطا مستقیما اگر بیند از صراط گذشت از همه بلاها ایمن گردد اگر بیند بدوزخ
افتاد از غم مال و عیال و سلطان جابر افتد و بکارهای بزرگ مبتلا گردد و اگر کسی میزان را در خواب بیند
قاضی شهر گردد عالم متوسط در راستین گردد اگر ترازو را راست بیند قاضی آن شهر شود اگر ترازو دیگر
دیگر بیند کشته شود قاضی شهر میل بجای دیگر کند قوله تعالی و نضع الموازین القسط لیوم القیامة اگر
کسی حساب را در خواب بیند که با وی حساب کنند یا خواهند که حساب گیرند و را در زندگانی فرغ افتد اگر کسی
قیامت را در خواب بیند خداوندگار را بالا کرد اگر عتاب باشند بگیرد و با نیکان صحبت بدارد و بمطلب برسد
باب چهارم در دیدن آسمان و آفتاب و ماه و ستارگان و رعد و برق اگر کسی آسمان را در خواب بیند
که به آسمان رفت یا آسمان را دید به بزرگی برسد و روزی او فراخ گردد قوله تعالی و رفعناه مکانا علیا اگر
کسی دید که بر آسمان رفت و روزی حرام بود اگر بیند که از آسمان افتاد از جمله تسبیح کنندگان است اگر کسی لوح
محفوظ را در خواب بیند از شخص عالم و دانا گردد اگر آفتاب را در خواب بیند بر تعبیر گردد سلطان
را ببیند اگر کسی بیند که با آفتاب سجده کرد اگر از وی فرزند نشود اگر بیند آفتاب را در آغوش گرفت
در کنار او افتاد چنین باشد که مهر بزرگ بیاد کرد اگر بیند که دشمنی همی یافت گرمی از وی کسی زبان نداشت

دلیل

دیدن آفتاب و ماه و ستاره

دلیل ظلم پادشاه است بر رعیت اگر کسی ماه را در خواب بیند بر شانزده وجه است وزیر خلیفه ندیم
مرد شریف غلام کنیز کبیر دکان باطل عالم مفسد سلطان حاجب پدر و مادر شوهر پسر دختر اگر کسی ببیند که
ماه او را سجده کرد باد رکار کرفتار کردد اگر کمر ابن مهتری بود مهتر شود و اگر غریب بود بوطن رسد اگر بزن نشت
زن بگیرد اگر آفتاب و ماه را منکسف بیند دلیل بسیار بد باشد اگر بیند آفتاب و ماه را منازعت افتند البته
دو بزرگ باهم منازعت کنند اگر کسی ستاره کان را در خواب بیند آنچه بیند چه تعبیر کنند دوست
و قبیله و برادر و فرزند و شاگرد فقها اگر بیند که ستاره کان در کنار او باد رود و در خانه او دولت
او زیاد کردد بزرگی رسد خداوند باو بسیری دهد زحل صاحب حد سلطان بود مشتری وزیر کدخدا
مریخ سپه سالار زهره مطرب بود عطارد دبیر صاحب اگر بروج را در خواب بیند منجم شود اگر حمل را
در خواب بیند غنیمت یابد اگر ثور در خواب کار او رواج کیرد جوزا را در خواب بیند علامت [illegible] بود اگر سرطان
بیند دبیر بود اگر اسد را بیند سلطان شود سنبله صاحب مال بود میزان [illegible] عقرب دشمن بود جدی خزانه
دار شود حوت حرد حکیم شود برف را در خواب بیند عذاب بیند قحط و غلا و فتنه در آن شهر پیدا شود ابر
سیاه بیند غم است ابر سفید او را نیکو خیر باران هم همین است باد بر دوازده وجهست رحمت کمر
رد بلا کشتن قحط بیماری کفر دروغ اگر بیند در شهری باران بارد دبلا [illegible] رحمت اگر شنید بارد شکر
سلطان شود اگر باد را بیند بشارت و لابد مال عزت راحت کشتن اگر بیند بر باد نشسته پادشاهی
یابد بزرگ قبیله شود بهمه مرادها بش برسد اگر بیند باد خوش میاید در خانه اش روزی فراوان شود
اگر بیند باد در خانه او میکند اندر ناحیه مرگ فتند و زراعت کم شود اگر باد صبا را در خواب بیند
قوت و دولت و نصرت یابد اگر صباح را نادیده بیند باعث هلاک او است اگر باد شمال را در خواب بیند
راحت و صحت و برکت یابد اگر باد و باران در خواب قوت و دولت عیش خوشی بود روزی اگر ژاله بر تو
ابیخته بیند بیماری بود بلا کران بیند اگر برف و یخ جمع میکرد مال حلال جمع کند اگر طوفان باد بکی کرد
باد در خواب بیند در آن شهر فتنه و قحطی افتد مرگ مفاجات و وبا و طاعون در آن موضع پدید آید باب [illegible]

دریاها

دیدن دریا و غرق دریاها

دریاها و رودهای عظیم چاه چشمه ها کشتیها اگر کسی دریاها در خواب بیند سلطانی و بزرگی یابد اگر بخواب بیند از دریا آب خورد مرادش حاصل شود رئیس قوم شود اگر لایق باشد سلطنت یابد اگر بیند از دریا چیزی یافت از در و صدف و ماهی یا غسل کرد دلیل دولت و غرق شد از آب تلخ و شور از دریا خورد مبتلا و بخیل شود اگر رود عظیم خوش گوار در خواب بیند کارش ترقی کند اگر غسل کرد از غمها خلاص شود اگر بیمار بود شفا یابد اگر از آب برداشت مال و دولت بدست آورد اگر رودخانه خشک در خاک بیند بیچ [illegible] قوله تعالی الم تر انهم فی کل واد یهیمون اگر کوی جوی آب در خواب بیند بهره یابد اگر از آن آب خورد مال یابد فی الحال کارش نیکو شود اگر با آن آب طهارت نمود از گناهان توبه کند اگر آب تیره در خواب بیند مال حرام بدست آید اگر روشن باشد مال حلال بدست آید اگر از آب حوض بخورد مطلبش روا شود اگر از آب مهر نوشید بر دشمن ظفر یابد اگر کسی آب نیل و جیحون در خواب بیند یا فرات اجلش نزدیک است اگر غرق شد بنعمت غرق شود و از غم نجات یابد قوله تعالی فانجیناه واصحاب السفینة اگر کسی از کشتی بیرون آید از غمها کدورتها بیرون آید اگر از مرتبه‌اش ترک کرده در بوستان [illegible] اگر چاه در خواب بیند [illegible] علیه السلام عادل شود قوله تعالی فی غیابت الجب اگر کاریز یا چشمه در خواب بیند روزی حلال یابد اگر در آنها افتد با حیله بازان با مکر وهمی مقید شود اگر کسی از چاه آب کشد بجور کد بی نصیب از علم از علم شود اگر بیند خود را در چاه نشسته از محنت فرج یابد بارگشته شود در دولت عمارت بوستان مسجد ستاره محراب اگر کسی شهرستان را در خواب بیند شادی بیند اگر کسی قصرها در خواب بیند مرتبه اش بلند شود دین او پاک شود اگر دید در قصرها داخل شد بر دشمنان ظفر یابد اگر کسی از قصر بزیر آید از رتبه اش عزل شود اگر کسی قلعه یا حصار بالا شد بمرتبه برسد از مهتران نیکویی بیند اگر بیند قلعه یا حصاری در شهر خراب شد مصیبت [illegible] محنت کند و رنج اگر کسی مسجد جامع را در خواب بیند مهتر رئیس شود یا سلطان و قاضی اگر بیند مسجد جامع رفت علامت برگشت اگر بیند مسجد آباد شد خیر باشد کارش اگر بیند که خراب شد خواری و ذلت بیند اگر بیند مسجد میساخت در بهشت عمارت یابد قوله تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر اگر محراب و مسجد ها در خواب بیند که نشسته بمحراب

دریا
رودخانه
چشمه
کشتی
چاه
قلعه
قصر
مسجد
منبر

دیدن عمارت و دربها

کرده است توکل دارد از همه آفتها ایمن گردد و من دخله کان امنا و نیز فرموده انما المساجد لله اگر منبر و
محراب زاد در خواب بیند رئیس و قاضی شود و اگر بر مناره شود آنکس لایق بزرگی است اگر بزرگ است قدرش
زیاد شود اگر عوام بود کارش بالا گیرد اگر عالم باشد عامل شود اگر کسی امام یا مؤذن در خواب بیند مؤمن
و پرهیزکار و متقی شود اگر کسی بیند که مناره بشکست یا فرو رفت ضرر بر پادشاه یا حاکم و حال
حکام مضمحل گردد باب هفتم دیدن عمارت کوشک بوستان دروازه تعبیرش بهشت و نجات
زن و غنیمت عیش و مال و ولایت و گشایش کارها روشنائی راحت اگر مرد باشد زن میگیرد اگر
زن است شوهر میگیرد اگر کسی عمارت در خواب بیند بهتر و بزرگ شود اگر امید فرزند داشته باشد
فرزند یابد اگر غم دارد غمش زایل گردد اگر حمام در خواب بیند تعبیرش عزت یابد اگر بیند که غسل کرد از حمام
بیرون آمد از قرض بیرون آید اگر کسی در جائی حمام بیند که پیش از آن حمام نبوده اند آنجا زن میگیرد اگر حمام بسیار
گرم باشد بغم افتد اگر سرد باشد خوب است اگر بوستان در خواب بیند بهشت و جا است زن
و کنیز عیش خوشی مال از غم برهد صاحب پسر شود اگر بالاخانه در خواب بیند دولت برسد از غم
ایمن باشد قوله تعالی (فی الغرفات آمنون) اگر ناودان بیند بزرگ گردد اگر دید از ناودان جاری است
دوستی یابد اگر نردبان زاد در خواب بیند یار موافق درخواهد اگر آسیاب در خواب بیند نام او بزرگ گردد
اگر بیند که آسیاب کار میکند رفاهیت یابد اگر بیند از کار افتاده است اگر کسی صفه را در خواب بیند
مهتر و رئیس گردد از خزانه صاحب مال یابد اگر بیند دولاب میگردد دولت میرسد اگر بیند دولاب بشکست
خزینه دار ولایت بمیرد اگر کسی دهلیز خانه در خواب بیند مهتر سرای گردد اگر عمارت زرنگار خوب
در خواب بیند بمرتبه اعلا برسد اگر کسی تنور در خواب بیند که میسوزد مال بسیار بدست آید اگر
کنار بخت در آنخانه فراخی و وسعت میشود اگر کسی چاه و کندابه در خواب بیند زن سلیطه یا و چادر شود
آزار از دست بیند اگر اوجاق سوزانده در خواب بیند دولت یابد اگر حوا موش بیند دولت بود اگر بیند بالا در
خواب بیند یا آنکه در او افتاده است روزی حرام یابد و برسد اگر بیند آلوده بنجاست شد حرام

میکند

تعبیر خوابهای کوچک

۴ میل کند اگر کسی دید از خانه تاریک بیرون آمد بعد از بیماری صحت یابد اگر کسی دید او در بام سلب بر سرش
نهد دولت حرام میرسد آلوده میشود اگر بر سر نشا شیره مالد دولتش از دستش برود والله اعلم باب
هشتم در بیان دیدن عطریات از مشک و زعفران و عنبر و غیره اگر کسی مشک در خواب بیند مال حلال یابد
اما برای مرد شوهر زن و کنیز اگر کسی کالای با عطر در خواب بیند دولت حلال یابد و زن نیکو بدست آید اگر
کسی زعفران در خواب بیند مالش بدست بیمار بستاکرد طعام دیده نعمت یابد اگر کسی کافور بیند
دولت و راحت اگر کسی عود و عنبر صندل گل خوشبوی بیند بعزت رسد و نصرت یابد اگر کسی بیند
که گل چید و بو شنید اندک بیماری بیند اما اگر سرخ گل باشد مال و دولت است اگر کسی گل سفید در خواب
دید عزت بود اگر جو بادام در خواب بیند در خصومت ماند اگر کسی بوی نفس در خواب بید بهبان افتد
باب نهم در بیان مردان پیر و جوان و غلام و کنیز و غیره اگر کسی پیر مرد در خواب بیند بخت
کشایش کارها و فراخی نعمت بود اگر کسی پیره زن زاد در خواب بیند بدولت برسد اگر کسی جوان بیند او را
مکر و حیله و غیره بود اگر خواب بیند که پیر بخانه وی آمد سلام کرد یا برابر او آمد از غیب یابد و میرسد
و دولت شاد شود و در کارها بیش با الاکبر اگر کسی غلام و کنیز در خواب بیند تعبیرش اشاره به دولت
ذکر دید کنیز و غلامش بمرد چیزی از غایب یابد و میرسد اگر کسی که با غلام خود در العمر شد دولت از دستش
میرود والله اعلم باب دهم در بیان غسل و وضو و تیمم و دست و پا شستن و بانگ نماز و رکوع و سجود و حج
و غیره و زکوة و صدقه و توبه اگر کسی غسل در خواب بیند از غم برهد از قرض خلاص شود و توبه شفا یابد اگر
کسی در خواب بیند نماز کند از گناهان بیرون آید کارش بالا گیرد اگر نماز را تمام کند کارش با تمام رسد اگر
نماز را تمام نکرد کارهایش ناتمام میماند اگر کسی در خواب ناخن چیدن بیند کارش خوش و شجاعت بود
فرزند فرزندزاده برخوردار و بهره مند گردد اگر کسی در خواب سبیل چید قرض دار شود در محنت
و رنج دور گردد اگر کسی سر بفرود در خواب بیند عز و جاه و علم و شجاعت و معرفت یابد اگر کسی موی بغل در
خواب بیند از محنت و رنج هدایت خلاص گردد اگر کسی موی در خواب بیند عز و جاه و گشایش کارها یابد

در بیان غسل و وضو و تیمم

اگر ببیند از بینی خون آمد غم بوی رسد یا ملامت برسد اگر دندان در خواب ببیند که دندانها یا پیش آماده بد زبون
بد دهی او بمیرد اگر کسی ببیند که دندان بدست افتاد و نگهداشت که بر زمین نیفتاد خوب باشد پسر
شود اما معنی آرد و بمیرد اما تصدق باید کرد اگر کسی ببیند که بلغم انداخت بر روی افتاد
یا انداخت فرح و شادی و از غم و نقصان هم میگویند اگر کسی دهان در خواب ببیند عیش برادر شود اگر کسی
در خواب عطسه کند یا عطسه اش بیاید کارش گشاده شود و از غم خلاص شود اگر کسی پوست و گوشت
در خواب ببیند اگر پخته باشد خوب اگر کسی استخوان و جگر و قلوه در خواب ببیند اعضا و اشغال سرگین
در شکم است در خواب ببیند مال حلال و قوت و توانگری از این چیزها بود اگر کسی خون و ریم و زعفران ببیند
مخالف بود بهر نوع که دیده است نسبت بدهد اگر کسی محاسن را در خواب ببیند درازی بود عزتش بیفزاید اگر موی
سر خود را در خواب ببیند و امثال آن که کل و غیره که بافتن اند اگر در وی بیند عزت اگر عنبر سپید است خوب نیست
و محنت اگر کسی کبود در خواب ببیند علو یابد و زنان را عزت و شرفست اگر زن گیسوی خود را بریده ببیند
شوهرش بمیرد اگر خواجه سرائی در خواب ببیند در همه حال شادی شادی است اگر کسی خود را هند اسلش بیند شود
باب یازدهم در بیان سر تراشیدن و ناخن گرفتن اگر کسی سر تراشد از محنت و ذلت بدر آید زگناهان توبه کند
اگر موی سر را بچیند با عزت گردد اگر تراشیده شود و ببیند رسوا گردد در پیش هم بی تغییر دارد اگر
ببیند بچه بر سد اگر کسی نو د در خواب ببیند از مذلت بیرون آید موی زهار در خواب ببیند مصیبت گرفتار
شود توبه کار صد قربانی باید داد اگر کسی بدن خود را پر از مو ببیند مصیبت گرفتار شود اگر موی سرش را
ببیند خاطرش پریشان شود والله اعلم باب دوازدهم در بیان قفل و کلید و غیره اگر کسی چیز راست در خواب
ببیند کار او نیک بود اگر کج باشد کارش بد باشد اگر چوب شکسته ببیند با مردم در و عکو مضطرب
اگر کسی درخت میوه دار در خواب ببیند کارش گشاده شود اگر کسی قفل و کلید در خواب ببیند که کلید را
گم کرده است سر رشته کار خود را گم کند اگر دید که کلید را یافت کار بسته او گشاده گردد یا اگر
روان در خواب ببیند که مرا از مردمان بزرگ شود و عمرش دراز شود و عزت و جاه یابد و هر چه بیند

و ببیند

زبیند بهتر بود اما اگر پاره و کهنه بیند مال و عمرش نقصان پذیرد اما اگر کسی در خواب بالش بیند خرم
و شادمان بود اگر کسی رختخواب در خواب بیند بمرتبه برسد صاحب طالع شود بسیار باشد اگر کسی تخت
یا کرسی در خواب بیند یا نشیند مرتبه اش بالا گردد و اگر کسی گهواره در خواب بیند مطلب یابد قوله
تعالی (ونمارق مصفوفة وزرابی مبثوثة) اگر کسی جامه سرخ در خواب بیند دو تعبیر دارد یکی
آنکه سپاه است سلطان بود اگر کسی جامه سفید در خواب بیند مؤمن شود اگر زرد بیند بیمار گردد
اگر کسی سبز پوشد صاحب صلاح گردد اگر جامه سیاه بیند مال او زیاد گردد اگر جامه آسمانی بیند
صاحب اقتدار شود اگر کسی بالین زنانه در خواب بیند عمرش دراز شود اگر زینت در خواب بیند بر دشمن
ظفر یابد اگر کسی بر تخت نشیند بدولت و عزت برسد قوله تعالی علی الارائک متکئون اگر کسی بر تخت
روان نشیند عمرش زود بگذرد اگر کسی بر کرسی نشیند انگشتر مال و دولت یابد چنین گویند حضرت یوسف بر کرسی
نشست به پیش عزیز مصر و صاحب مرتبه اگر کسی بهودج نشیند بر ایالت و حکومت برسد و اگر کسی
سراپرده یا خیمه در خواب بیند بسلطنت برسد اگر ستون در خواب بیند که بنا یار بیش طایفه اگر عود در
خواب بیند صاحب قدرت شود همچنین سایر چیزها که شبیه است والله اعلم بالصواب باب سیزدهم در تعبیر دیک
و دیگدان و تنور و خاکستر و غیره اگر کسی دیک را در خواب بیند زن [illegible] اگر کسی تنور را در خواب بیند
مهتر سرای بود اگر کسی دیگدان را در خواب بیند حاجت او روا گردد اگر خاکستر بیند مال حرام بدست
آرد اگر کسی شعله آتش بیند ضرر میکشد اگر انگشت در خواب بیند تعبیرش مال حرام است و خصومت
و رسوائی افتد باید توبه کند عاقبت بخیر و خوبی گردد و الا ذلیل و رسوا و سیاه مبتلی والله اعلم بالصواب
باب چهاردهم در بیان دیدن مردمان برهنه و زمین گیر و سباع اگر کسی دیده در خواب برهنه بود
مرد مؤمن و پارسا شود از همه غمها راحت یابد و خیر و برکت بیند دست از دنیا بردارد اگر کسی بیند
که زمین گرفته است یا سباع او را اسیر دارد انکه در بیم و رنج و محنت افتد [illegible] والله اعلم بالصواب
باب پانزدهم در بیان رگ زدن و حجامت کردن و موی و ریش ستردن اگر حجامت در خواب مشهور

باشد

باشد کارش نیکو بود از غم و فرح یابد و مستوره بباشد بدیستا اگر کسی بند زرد زرد در خواب بیند خون همی زرد
یا خون سیاه دولت سیاه بدبستا ورد و در گفتن اگر کفتار زرد کم خون میان هفت دولتش همی رود اگر کسی دید
در خواب اینقدر خون از بدنش رفت تمام شد اجلش نزدیک باشد توبه کند اگر کسی خواب دید که تا بت مستور
یا بخواند دوست شاد و پیدا کند سنت رسول خدا ص بجا آورد اگر جوان بیند نیکست برا حسرت رسید
شاد ماز کردد اگر کسی در خواب بیند دندانش درد میکند غمی بوی برسد از جهت خویش یا فرزندان اگر
کسی ریش بیند در تن مردم یا در جائیکه عادت نبود نیکو بود اگر کسی موی سر زند در خواب بیند اهل
کرده در تن خود یا در جای دیگر منصب و مرتبه و ریاست رسد قوله تعالی وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ
وَالْجِسْمِ اما نقصان بدن او بود اگر کسی خود را لاغر دیده در خواب اگر مکشوف و مستور باشد عزت
یابد کارش بالا گیرد و اگر مستوره بباشد عیال مندی فقری روی دهد آخرش نعمت بدبستا و دولت اعلی
باب شانزدهم در بیان دیدن آزار پیسی و خوره و جذام و زرد آب و آبلهای و ریشهای و جوشها
و غیره اگر کسی بیند در بدن خود مال حرام است اگر کسی پیسی و خوره و برص در خواب بیند باز تعبیرش
همان است اگر کسی ریم و زرد آب در خواب بیند مالی منفعت اگر جوشش یابد اخراجها هم بدیا و نا خوش
صدقه باید داد اگر آبله بیند مال حرام است باب هفدهم در دیدن بول و غایط اگر کسی در خواب بیند
بول میکرد از غم نجات یابد و کار وی گشاده گردد اگر کسی دید بول میکرد از غم نجات یابد بر وی جامه
و غیره همه نیکست اگر خواب دید که درویش بود توانگر گردد اگر بنده بود آزاد گردد و اگر غمگین بود شاد
گردد اگر بیمار بود شفا یابد اگر اسیر بود خلاص بود اگر غایط در خواب بیند که کرد از همه غمها برهد
و دیشاد شود با سر لذت افتد اگر غایط دیگری را خواب بیند که آلوده شده مال حرام بدستش افتد اگر
کسی سرگین چهار پایان را بیند تعبیرش همین است اگر کسی فرو باد را در خواب بیند چون از موضع بر آید گشایش
کارها بود اگر از جای دیگر بیند شفا بود در میان مردمان سخنان زشت توان بولی زنان اما حیوانات آخر
مال حرام است حاجات مال و موضع گنج و زن و حرمت و خادم و غیر اگر آب با کسی در خواب بیند

 ۸

بوزینگان خرلج طبیب بتعبیر ترمال اسیراست بود و منافع اگر بیند مردی و دختی اگر زن باشد ابن این
خوش خبری باشد اگر بیند که میکند فرزند ذکور بیند اگر دختر را ابین بیند بهتر و بزرگ قوم خود گردد
والله اعلم باب هیجدهم در دیدن میوه و درختان و دیگر چیزها مانند اگر کسی درخت در خواب بیند بخورد
بار بود باشد بد و منسوب بعدد و بلندی و میوه جدا و مثل آن درخت بود اگر کسی بر کسی با کندن
یا شکستن بیند غم و مصیبت برای منصوب وامیا درخت شاید در خواب ثمر فرزند ادنیا
و دولت و فکا اگر مرغ زرد در خواب بیند آب روان و زکات بعض حویش بدکند اگر
در خواب بیند مرده ان منافق باشند خاصه درخت خرما قوله تعالی کانهم اعجاز نخل منقعر بود عماری
دیگر باشد اگر کسی میوه تر وخشک در خواب بیند مال و روزی حلال بود اگر نارس بود بد است
اگر کسی نارنج در خواب بیند بیمار شود اگر کسی درخت خرما بیند یا خورد مال حلال است اگر زیتون بیند
شاد شود علم و فرح بود زیتون میوه مبارکست اگر کسی درخت انار در خواب بیند اگر شیرین بود دولت
اگر ترش بود رنج و مصیبت و کدورت است اگر کسی نعمت و نان خوش در خواب بیند انواع طعامهای خوب
از او بریده شود و مال و منفعت بیند و عزیز گردد اگر سور و ترش در خواب بیند از فقها بریده شود
و با رغم و کدورت است باب نوزدهم در بیان شراب و فقاع و شربتها بدانکه شربتها و شیرها مال حلال است
فکر ده و سخنان شاد و دست شربتها چون شربت سیب و بید و بنفشه و بوس و عنبر و هرچه از این جنس است همه
شفا است و هرچه شور و ترش است مکروه است اگر جوارش و معجون در خواب بیند صحت و مال
اگر کسی جام آب در دست دارد همه را بخورد عمرش کوتاه است دانیال معبر فرموده اگر نصفش را بخورد عمرش
دراز نباشد بضعف شدیدا گر نباشد نشنه باشد که حکیم آن دیگر است اگر کسی شربتها در خواب بیند
از غم او فارغ شود و دولت یابد اگر کسی شراب در خواب بیند مال حلال است بدست آورد و اگر از جهر و خمر
بیند که خورد مال حرام بود اگر مست بیند توانگر گردد بدولت و مال حریص بدان کار غافل گردد
قوله تعالی ولا تقربوا الصلوة وانتم سکاری در جای دیگر فرموده و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری

دگر بعی

در بیان دیدن شمع و چراغ

و گروهی از معبران گفته‌اند که مال دنیا بغربت و در ولایت متفرق گردد که جوشنده و فلوس در جوی آب بیند تعبیرش آنست چنانکه هیچ بجای برنگردد و اگر فقاع بیند از بخل مال وی [illegible] اگر کسی قی کند توبه کند اگر دوغ در خواب بیند دولت بدست آورد اگر کسی جلاب در خواب بیند مال حلال بدست آید اگر سکنجبین در خواب بیند تعبیرش مال و دولت است اگر گلقند در خواب بیند از برای سلطان و لایق نیکو بود اگر کسی [illegible] در خواب بیند باز دولت و نعمت بود اگر کسی سکه در خواب بیند برکت [illegible] مال او بیند اگر شیره در خواب بیند دولت بود اگر خیک شیره در خواب بیند مال بسیار بدست آورد قوله تعالی (وجئنا ببضاعة مزجاة) اگر خیک روغن بیند توانگر گردد والله اعلم

باب بیستم در بیان دیدن روشنائی شمع و چراغ و قندیل و مشعل و روشنی و تاریکی و مانند اینها اگر کسی روشنائی در خواب بیند کار او نیک بود و در دولت و نعمت فرج یابد اگر در خواب بیند که از بامی بر بامی دیگر [illegible] از کاری بکاری دیگر شود از عملی بعملی دیگر متوجه شود اگر [illegible] دید باز فرود آید [illegible] مصیبت عظیم روی دهد صدقه باید داد اگر کسی شمع و چراغ در خواب بیند یا قندیل و مشعل و فانوس [illegible] و خواری خلاص شود و کارها پیش بالا گیرد اگر دید که در دست او قندیل و مشعل و فانوس خاموش شد عمرش باخر رسید از گناهان توبه کند اگر در خواب بیند چنان [illegible] چیزی بدست [illegible] عمرش [illegible] گردد و اگر [illegible] چیزی باد [illegible]

باب بیست و یکم در بیان دیدن زر و جواهر و [illegible] و درهم و طلا و نقره [illegible] اگر کسی یاقوت در خواب بیند مال و فرزند [illegible] اگر کسی لعل بیند دولت و عزت [illegible] بیند اگر کسی مروارید در خواب بیند فرزند [illegible] اگر الماس در خواب بیند [illegible] اگر [illegible] در خواب بیند [illegible] اگر فیروزه در خواب بیند از طرف زن مال و شادی [illegible] اسلام [illegible] و حلوا [illegible] اگر کسی فیروزه شکسته در خواب بیند [illegible] مصیبت بیند اگر کسی [illegible] در خواب بیند [illegible] اگر بیند کم کرده [illegible] از غم و فرج [illegible] شفا یابد اگر کسی برنج و مس و قلع در خواب بیند کارها پیش [illegible] و مصیبت [illegible] کشد اگر سرب و آهن و هفت جوش

در خواب

در دیدن تاج و عمامه

در خواب ببیند تعبیرش غصه و کدورت و مذلت است اما اگر مؤمن باشد بعزت میرسد اگر طشت
و طاس و یا طبل در خواب ببیند دولت عزت منفعت زیاده و نقصان و مصیبت و گشایش کارها بود اگر
مؤمن باشد خوب تاثیر میکند والله اعلم باب بیست و دوم در بیان کفش و موزه و جوراب و تعبیر
و خوب اگر کسی جوراب در خواب ببیند که پوشیده زن میگیرد اگر دید کفش را گم کرد از تنگی بیرون آید
و اگر کفش از پا بیرون کند زنش طلاق میدهد اگر کفش او را دزد ببرد زنش بمیرد اگر کفش خود را پاره
کرد یا پاره شد زنش را طلاق میدهد از برای آنکه بدعمل میشود اگر کسی موزه در خواب ببیند تعبیرش
مثل کفش است والله اعلم باب بیست و سیم در دیدن تاج و عمامه و کلاه و انگشتر و حلقه و گوشواره
و نگین اگر کسی عمامه در خواب ببیند مرتبه اش بلند شود اگر در خواب سبز ببیند در دو جهان سعید باشد
و مرادهای خود را بیابد قوله تعالی واستبرق اگر در خواب ببیند عمامه بسر بپیچید سفر کند اگر دید کلاه بسر
میگذارد او مملکت یابد و بدولت رسد چنانکه مردمان در آن حیران شوند عجب کنند اگر تاج و افسر بسر گذارد تعبیرش
پادشاهی است و از اهل باشد اگر کسی حلقه و گوشواره در خواب ببیند زنان را زینت بود اگر مرد ببیند
حافظ قرآن گردد و اگر جواهر دارد پسر یابد و اگر جواهر ندارد دختر آورد اگر انگشتر در خواب ببیند ضبط
ولایت و مال باشد اگر مراد داشته باشد حاصل گردد و اگر عقیق زرد و سفید در خواب ببیند خیر یابد و
اگر انگشتر برنج یا مس در خواب ببیند محنت اگر آهنی در خواب ببیند بخت و دولت و قوی شدن کارها والله
اعلم باب بیست و چهارم در بیان جامها و رنگهای از شلوار و دستار اگر کسی دستار در خواب ببیند زن بود اگر
شلوار در خواب ببیند بهتر باشد اگر پای برهنه در خواب ببیند از مشغلها ایمن گردد اگر کمر
گرد در خواب ببیند عزت و قوت باشد اگر ببیند که کمربند بسته است بزودی کرده از حلال ببرد رسد
اگر دید که کمرش باز شد نصف عمرش گذشت اگر کسی قبا در خواب ببیند عزت و دولت است اگر چادر نو در خواب
ببیند بعزت و جاه میرسد نو بیرازد کارها کند هیچ رود اگر پیراهن در خواب ببیند که پوشیده مال یابد خوشحال
شود قوله تعالی (اذهبوا بقمیصی هذا) اگر کسی پیرجامه در خواب ببیند که پوشیده از زن میگیرد اگر

تاج
عمامه
کلاه
انگشتر
گوشواره
کمربند

چپکن

در بیان غل و زنجیر و زندان

طیلسان را در خواب بیند زیادتی بود اگر کبر اهنا اگر مقنعه با لباس در خواب بیند که سوخته است
اگر مرد باشد زنش بمیرد کار مرد بسته میشود اگر دید مقنعه در سر کرده البته زن یا کنیز میگیرد اگر زن
مقنعه کند شوهر کند اگر شوی داشته باشد کامرانی کند اگر در خواب دید که او بخته شده است غم
عزیزان باشد عزت و حرمت هم بود اگر کسی مهر کاغذ در خواب بیند نامه سربسته یا کنیز یا و رسد مردم
متوحش شوند باب بیست و پنجم در بیان غل و زنجیر و زندان و دام و چوب زدن و سوزن انداختن اگر کسی
در خواب بیند راه راست بود مهتری و بزرگی قوله تعالی واعتصموا بحبل الله جمیعا براه راست منسوبی و حکم
دین بود و بجهت [illegible] قرینه و مسافر بوطن رسد اگر کسی غل و زنجیر در خواب بیند کفر و ضلالت و بلا
و محنت قوله تعالی (انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا) اگر دو دست او را بسته اند انگشتان باید تو بر کند اگر
کنده و حلقه در خواب بیند که در پای او است یا پای او [illegible] درخت بسته اند کارش بسته گردد اگر کسی دام در خواب
مکر و حیله بود اگر در خواب بیند که در دام افتاد کارش اگر بیند گشادند باز شوند اگر زندان در خواب بیند
که در او افتاده بند بر پای او زدند یا زنجیر بگردنش نهادند مغروض و پریشان شود اگر دید که از زندان خلاص
شد فرجش اید امید شود اگر کسی بیند چوب یا تازیانه بوی زدند بعدد هر چوبی دیناری بدستش اید اگر سوزن
در خواب بیند در رفسوانت کمراه شود اگر بیند که رفو کند بیمار شود بیماریش طول کشد اگر کسی هیزم در خواب
بیند هر دو بیدین شود دروغگوی شود اگر بیند هیزم را بخانه اش اوردند مال بدستش اید اگر کسی
سوزن در خواب بیند سفر رود و رنج بسیار کشد اگر پنبه در خواب بیند مال بود اگر دید که ریسمان
میرشته غایبش از سفر اید والله اعلم باب بیست و ششم در بیان دیدن تزویج و نکاح و بوسیدن و کنار گرفتن و
جماع کردن زن و نشاط و لهو و لعب و سرور و مهمانی و ختنه و عروسی اگر دید عروسی میکند از سلطان نعمت
باو میرسد یا و بهمت کند مگر زنیکه با و منسوبست نیکی و عزت و عمر بود و توانگر نسبت باو مر حضرت تعالی
و نیکویی کردن و مراد یافتن قوله تعالی (فانکحوا ما طاب لکم من النساء) اگر کسی ختنه کند [illegible]
شادی و دولت است مگر اینکه رقص کند و پای بر زمین زدن انوقت نوحه و ماتم بود اگر بوسه

دیدن سلاح و آلات حرب

و جماع ببیند مراد خود را یابد اگر ببیند که با دختر دوشیزه جماع کند بر دشمنان ظفر یابد اگر ببیند که با مادر
یا خواهر یا کسی دیگر که حرامست جماع کردن با ایشان سلطنت کردن بود و استیلا و نیکوئی در میان اکسر اند
قوله تعالی حرمت علیکم امهاتکم و اخواتکم اگر کسی با مادر دشمنی کرده اگر ... باشد از او جدا افتد اگر
مرده باشد جماع کند بمراد خود برسد اگر کسی با بهایم جماع کند کارش خوب شود حاجتش روا گردد
اگر دید که با زن جهود یا ترسا جماع کرد مراد خود را یابد در دنیا اما در آخرت مأیوس میگردد اگر با زن خود جماع
کند بمنفعت برسد اگر ببیند با او جماع کردند بمهتری رسد ... کرده تا البته بهشت ورود والله اعلم باب ۲۷
در بیان دیدن سلاح و آلات حرب پادشاه و سوگند خوردن و طبل و بوق و کرنای سپاه ... اگر
آلات حرب ... در خواب ببیند قوت و سلطنت ... منفعت اگر کسی
شمشیر در خواب ببیند پیغمبر ... با نامه فرمان او ... اگر کسی تیر ببیند ... کرد
میکشد اگر ببیند شکسته ... اگر کسی ببیند که ... بر دشمن
یابد اگر دید که کمان میکشد بسفر رود اگر دید که زه کمان میکشد ... سفر است اگر دید کمان او
پر شود اگر کمان او شکست او را مصیبت رسد اگر دید که کمانش را فروخت او را لزوم کند ...
شود اگر ... دروغ است اگر کسی خنجر و کارد در خواب ببیند صحت بود اگر دید که کارد ...
... پادشاهی است در مرتبه خود ... اگر کرنای در خواب ببیند از جهه سلطان هولناک
باشد اگر در خانه کسی بوق ... اگر ... در خواب ببیند ...
... خصومت باشد اگر ... در خواب ببیند بر دشمن ظفر یابد اگر کسی ... در خواب
ببیند فتنه و خصومت باشد ... اگر ... در خواب ببیند ... اگر ... در خواب ببیند
و علم ... شود ... باشد اگر ... ببیند ...
... یابد اگر ... در خواب ببیند ایمن بود از دشمنان اگر کسی ... در خواب ... شود بر دشمن
غلبه اگر کسی ... اگر ... باشد اگر زن ... باشد شوهر رود اگر

ببیند

در بیان تعبیر بیماریها و امراض

ببیند که تن او بشکست و شکسته تر گردد دست او سالم ماند فرزندش بمیرد و مادرش بیمار باشد اگر کسی
و جراحت در خواب ببیند که جراحت در بدنش رسد از سلطان ایمن شود و منفعت یابد والله اعلم باب بیست و هشتم
در بیان دیدن آینه و سلطان و سرکه اگر کسی آینه ببیند آینه دیدن گشادگی کارهاست مشکل بود اگر
وان بود پیر او رد و از غم فرج یابد اگر کسی سلطان را در خواب ببیند که بشهر آید و در محله در آن خانه ناو فساد
شود قوله تعالی ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها اگر سرکه در خواب توبه کند ... مبارزت آن
توبه کند و اگر بیمار دید که سرکشد بدروغ خورد آنکس عهد و پیمان را بشکند قوله تعالی الذین ینقضون
عهد الله من بعد میثاقه اگر کسی ابریشم در خواب ببیند عزت و حرمت رسد اگر کسی قصابی و در خواب ببیند و کتاب
نوشتن ببیند شادی و فرج باشد اگر کتاب را کسی خواند امر دنیا از کف قوی غلیظ دو منا اورد اهمید
مر غلط و مکرر میکرده باب بیست و نهم در بیان دیدن بیماریها و امراض و غیره اگر کسی مرض غریب را
در خواب ببیند خوب ... که ضرر و راست کرد بدان مرض ناله میکند آنکس بتقصیر الهی راضی شود
اگر ببیند بیمار شکر میکند همانا راست نعمت یابد گر آنکه بیند صبا و در دست دارد قوت یابد
اگر دید بر عصا تکیه کرد بر وجع ... کشد اگر علتهای بیند او بدرد رسد همه کارها بر خلق
علت گشاده گردد و چیزیکه با او امید ندارد با و میرسد ایزد تعالی بر وی رحمت کند قوله تعالی لا
تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا اگر کسی ببیند که تن خود شکسته است وزیر او شد
بشود از شغلی که مبطلست عمر و ماند بر او میرسد والله اعلم باب سی ام در بیان دیدن نسا و شادی
اگر در خواب ببیند بزرگ و ولایت شود و عزت و منا و زینت یابد اگر که بهتر بود در غم و محنت افتد جمله چون ...
بود اگر کسی خود را در قعر ببیند و در او زندان بر زنان کرد دیگر بر آنچه همان تعبیر را دارد صاحب خوان
اگر خود را در زندان بیند عبرت ببیند و بیشمار از کار خان اگر ببیند که او کوه بر سر و امید از غم بزرگ گرفتار
یابد اگر کسی مرده در خواب ببیند از غایب خبرده رسد حال آنکه از وضع بر باید نباشد اگر ببیند که
زنده کار در راز شود و بیابانند سرای و براب بود اگر ببیند که مرده زنده شده اگر مهتر بود مال و جاه

او زیاد شود کارش گشاده گردد و مراد خویش یابد اگر بیند مرده همی گریست مرد آنجهان با ایمان ۲۴
رفته باشد کارش نیک بود اگر مرده می خندد و بلبلست آن مرد از عذاب الله ایمن گردد اگر بیند که مرده
بیمار است صدقه بدهد و پیش باید دهد که حقتعالی بر او رحمت کند اگر بیند مرده زنده را در آغوش گرفت
عمرش دراز شود کارش بلند شود اگر زنده مرده را در بر کشید میان هر دو ایشان خصومت شود یا که بجای
اگر کسی قبر در خواب بیند که گور کند عمارت سازد اگر بیند مرده را در گور کردی از زنده مصیبت و بلای
آمد و وبال بر او تنگ شود اگر بیند که بجای تنگ اندر آمده و همچنین اگر بیند از آن گور یا از تنگی بیرون
آمده از درد و تنگی و زحمت برهد اگر بیند که مرده کسی را چیزی داد آنچیزی که داده است رهنمای مردمان از آن
و فراوان شود اگر بیند که مرده چیزی خورد آنچه گرو و قحط بود اگر از مرده سخن یابد هر چه گفته چنان شود
اگر مرده را با لباس خوب تازه بیند کارش نیک بود اگر لباس کهنه بود از برای او ضرری بود خیر و صدقه
باید داد که حقتعالی بر او رحمت کند اگر خویش یا عزیز در جنازه بیند مرد بسیار او در آنکس مهر و برکت
گردد اگر بیند بر تخت یا بر جنازه بود افتاد از عمل و با فتد اگر کفن مرده را در خواب بیند مصیبت گرفتار
شود اگر که وصیت کرد مبارک بود اگر زیارت اهل قبور کردن در خواب بیند سنت رسول خدا را بجا آورد
اگر موت بیند بکار او بشارت دهد از محنت و غم نو از سلطان اگر در خانه جنابت بیند اجلش نزدیک است و حکم
در بیان دیدن تازیانه زدن و دست و پا بریدن و بر دشمن ظفر یابد بدانکه اگر بیند کسی را بکشد اگر آنکس مرده
باشد بر فرزندان او ستم کند اگر دوست خود را بکشد بر او بیدار کند اگر آنکس مرده باشد بر اهل و فرزندان
او ستم کند اگر کسی دست خود را بکشد بر او ظفر یابد اگر گردن و گلو بریدن در خواب بیند اگر بیند غلام
خود را گردن زند اگر مستوره بود زنده و دشمن او بود اگر سر بریده در خواب بیند میان او و مهر جدائی افتد
اگر بیند او را تازیانه زدند خون از او بیرون رفت زیان رسد همچنین سخنان ناخوش بشنود اگر خون بیرون
نرفت مهر تازیانه دیناری بوی رسد اگر مهری بدست خویش زد تعبیرش چنین است عام اگر کار نیهانی
اگر دید او را طرح زدند کار زشت بخلق آشکار شود از آن طرف زخم بر وی رسید دروغ گوید اگر از آن زخم

نه بار نه بند از جائی بجائی

تعجب بسیار دارد از سفری چیزی پیدا کردن و پا بریدن در خواب ببیند قوت دین بود و طول عمر و عیش کردن
اما او را با دوست عزیز جدائی افتد توبه نصوح کند قوله تعالی و لاقطعن ایدیکم و ارجلکم من خلاف اگر کسی
دار کشیدن را درخواب ببیند کو بنده بهتری باید کرد اگر انگشتها کسی را درخواب ببیند انگشتانش بریده کرده
کاری میکند ایزد تعالی از او بپسندد و در دام افتادن نقصان بدن و غم و مصیبت بود از جهت مشوش اگر
استخوان درد در خواب ببیند مال و قوت بود همه استخوانها در تن قوام مردم بود هر چه از او شکسته بود
هلاک گردد و بود فرومانده کی از کارها اندک مصیبت بود والله اعلم فصل دوم در بجانای طنبور
و بربط و چغانه و رباب دف و سنج و دف و نرد و شطرنج بدانکه آواز در خواب شنیدن تعبیرش ماتم است
و سخنان ناخوش و کرنای زدن و رقص کردن مصیبت است اگر دف درخواب ببیند نشاط و شادی بود و بخت و فیروزی
اگر خواننده درخواب ببیند با جوان باشد پادشاه شود جنگ کند اگر پیر باشد سخن ناخوش شنود اگر چنگ یا بربط
ببیند یا چغانه زدن یا زدن ماهی شنید تعبیرش ماتم است اگر کمانچه درخواب ببیند که زنند یا بزند شادی
و راحت اگر کسی رقص کند با ماهی گوید غم بود اگر کسی تار ببیند میزنند یا میزند مژده شنود اگر کسی سنتار
درخواب ببیند که میشنود یا میزند تعبیرش همانست اگر کسی شطرنج باختن درخواب ببیند بکار باطل افتد
اگر کسی نرد و گنجفه درخواب ببیند با ایزد تعالی عاصی شود قوله تعالی انما الخمر والمیسر والانصاب
والازلام رجس من عمل الشیطان اگر دنبک یا نی درخواب طبل شکست توبه باید کرد و تصدق بفقراء باید داد
اگر کسی پل و جسر درخواب ببیند بمردم نعمت رساند اگر ببیند از پل گذشت از غم بیرون آید جسر همچنین است
ولیکن ضعیف نوشتها کرده بد جسر پاره شد کارش مشوش است و سررشته از دستش بدر رود و معطل ماند
والله اعلم فصل سیوم در بیان جوالها و زنبیلها و انبان و غیره بدانکه اگر پر از او بخته باشد نرخ ارزان شود اگر
کسی جوال پا خم درخواب ببیند عزیز گردد اگر ببیند که میفروخت ارزان شود اگر ببیند که جو و گندم
میکنند نرخ ارزان گران میگردد اگر کسی ببیند که انبار گندم و جو فروخت اثر گرفته بدانکه از سلطان به
ضرر رسد اگر ببیند جوال میکنند یا کسی جوال میکند کار او مشوش گردد اگر کسی شعبده باز

در بیان گریستن و گریختن

نبیند امورات ستشنه گردد و از ضعیف شود فصل چهارم در باب پریدن از بامها بجائی و غیر بینی بر هوا
با جوج بر رات و بسلامت مغز اگر بیند که بر درخت پرید سفر میکند مگر بعقش کش بود اگر کسی بیند که پرید و بر کوه
نشست اندر سفر با بود کار خویش اما اگر بیند که بشب پرید سفر رنج پیش اید و رنج و تعب بسیار کشد اگر بیند که
بالا بر اسمان پرید سفر حج کند اگر کسی دید که باسمان رفت و بر نگشت توبه کند که دولت بسیار یافت اگر بیند که باز امدن
از ان سفر بسلامت بر گردد اگر بیند که از اسمان افتاد در خود را طلا و نقره دید نیکی یابد اگر بیند بر اسمان شد در اسمان
کشاده دید و فرشتگان را دید انکس حج کند و روزی وی فراخ گردد اگر بیند فرشتگان اسمان با میخ دست بیعت میکردند
از جمله متقیان و زاهدان باشد اگر بیند چون مرغ در هوا پرید ولایت و ریاست یابد و ما از کار او بیند اگر
بیند که از سرای خویش بیرون پرید سفر کند و از کارها بکاری دیگر متوجه شود اگر بیند باسمان پرید و نشست پادشاه
و ایمنه مراد او است و مراد او مسیر گردد اگر در خواب بیند که از کنج خانه بنا میکند یا با سنگ بکار دینا مرتعب شود و غم بسیار خورد
فصل پنجم در بیان سخن گفتن بهایم و حشرات اگر کسی بیند بهایم و حشرات با وی سخن گویند کار عجب بدو اید و انکه
نیک و بد باشد بهشت و اینها اگر کسی بهایم را در خواب بیند که در خون جنب شده است انکس مصیبت او بیند
اگر کسی بیند با سباع و بهائم بر وی حمله کردند دشمن بر وی مسلط شود اگر بیند که بهائم غالب شد بر دشمن غلبه کند
اگر بیند که با مرغ نزد و انکس ظلم شود اگر کسی در خواب بیند که زاغ با او حکمه بر زد و سخن گفت از مرد غریب سخن شنود
نفرین دشمنان او و عیال سراییت اگر کسی دید استاد با کلاه او را زخم بر سر زد از مسعود اگر کسی در خواب بیند
که شال کمر بسته بر وی نزدیک شد براد دشمن بر اکرد در خواب او در اهنر کرد بلا از افراد و برافتد و سکون یابد اگر کسی
در خواب بیند ستاره با کلاه بر سرش نهاده نعره بر او بلند شود بیمار شود و غم بسیار کرد فصل ششم در بیان اگر بیند
دیگر بیند که در دشمن بر سیدند اند و همه سال شاد شود فنا شکر کردن و کشتی گرفتن دارد دشمن بر سیدند
نیز همین تعبیر دارد مگر اینکه مانند سخت باشد و در بینا بها غم و اندوه و مصیبت فرخ بود بر سید
اند و جواب از سباع و بهائم بود چون خصم را ببیند زبان و سیلا و غم بیند و انکه هر بیند که کسی
در خواب بیند که او را از سباع بگرسید یا از بهائم یا از حشرات نزد وی رسید شود اینکس بیدار ملبس بود

اگر بیند

در بیان دیدن کشتن زراعت

اگر ببیند که از دشمن یا شجاعی یکی بجنگ از محنت ایمن گردد و اینچه طلب میکند ظفر یابد اگر او غلبه کرد بر خصم ظفر یابد اگر

انکه ترا بد بد نفس است اگر در خواب ببیند دشمن را بکشت از کشتن نفس برسد قوله تعالی (ومن قتل مظلوما

فقد جعلنا لولیه سلطانا) از هر چیز خوف کند از ان نفع یابد ولکن الله اعلم بنیّتهم در بیان دیدن قصاب

بدانکه مجهول در خواب دیدن ملک الموت بود اگر در خواب ببیند قصابی میکند بخطا مبتلا گردد توبه باید کرد

و حذر کند که هیچ حیوان نکشد الا در ذبح جای او باشد قوله تعالی ومن یقتل مؤمنا متعمدا اگر کسی قصاب

معروف در خواب ببیند که با او صحبت کرد مرد بیمار گردد اگر کسی قصاب معروف در خواب ببیند که او را

کرد دیگر مردم او را عذاب کنند یا بزنند او را با جلاد یا جوبک یا بکشد او ظالم که بخشم از بسیار بزند اگر

کسی با کلو برید انکس ستم کند اگر ببیند سر مرد او برید از بدی ایمن گردد اگر ندیدن فرزند اوست و عیال بیند

اگر از ان گوشت بخورد یا او عتاب کند اگر کسی در خواب ببیند که گوشت مرده میخورد از مرد از

مردم توبه کند یا مال برادری یا فرزندی رها کند اگر کسی سوال خا از در خواب ببیند با خویشان

خصومت کند و منفعت از ان برده کرد داد علما از فقها دو دیگر کسی در خواب فقیه کند از

بیند اگر از اهل باشد خوف و فرحی رسد اگر خطیب یا واعظ باشد سخن از سنت نبوی و چیزی بشنود

که اخوش بر سوال کشد اگر کسی مردی در خواب ببیند که میخواند خبر خوش یا بنویسد بخیر بوی رسد اگر کسی

مناجات در خواب ببیند با خلق شهرت میکند همه مردم او را می‌شناسد و محتشم گردد بلند گوسفند کشد

و مرد بزرگ ظفر یابد اگر کسی در خواب ببیند پوست او را کشیدند و گوشت او پاره کردند اگر کسی عیب کار ها او

کسی به پیش سوار شود مبشر فرمان برداری میکند البته بمراد برسد که مردم فرمان او ببرند اگر کسی که در

پادشاه در خواب ببیند پادشاه یا حاکم یا خلیفه گرد اگر موی و پوست پشم ببیند در زانو پا بسیار بلند

کرد و مال بدست آورد قوله تعالی ومن اوبارها واشعارها اثاثا ومتاعا الی حین اگر کار در کوه

قربانی کند از بهر عید اضحی از غم بزرگ گرد اگر هم در زندان باشد رهد اگر بیمار باشد شفا یابد اگر در

روز عید است مردم مصلی میروند از همه غمها فرج یابد ایمن گردد اگر خواب ببیند با تمام عید امام دستی ببیند

البته

در بیان دیدن آهو و خرگوش

البته از خواب رانست باشد اگر بیند روز عید روزه گشاده مردمانرا بولایت از قحطی ایمن شوند هر که این خواب بیند روزی بر او زیاد میشود اگر در خواب بیند روز جمعه استادگی و نیکوئی بود زیرا که مومنان را عید است اگر گوسفند یا رمه بیند یا باو بخشند غنیمت بود مال حلال یابد اگر بیند مال حلال یابد از طرف زن اگر بیند که گوسفند او گم شد کار او بصعب افتد چنانکه از آن غمناک شود اگر بیند الات گوسفند از دنبه و پیه و گوشت و روده و فلوه و غیره در خواب بیند همه خیر و برکت بود و نعمت و دولت اگر بیند که میش او زا فرو کشید پسر آیدش شریف و مبارک اگر کسی گوشت بزغاله در خواب بیند که میخورد مال حلال بدست آورد بعد از گفتن کوی بسیار اگر بره و بزغاله در خواب بیند پسر آیدش اگر زن دار باشد یا غلام حلال زاده بخرد بمنزله پسر او باشد اگر کسی قوچ در خواب بیند پسر آیدش که جنگ کند اگر کسی بیند خروس جنگ میکند از آن خان نفع قلیل باو میرسد اگر منبر در خواب بیند مردی با خطر گردد درست باشد اگر بیند سلطان میکند حاکم ولایت شود اگر بیند که از قصاب گوشت خرید بخانه فرستاد بخانه مصیبت رسد اگر بیند که سر گوسفند میخورد مهتری یابد اگر پاچه بیند سفر کند اگر سر گاو در خواب در خواب بیند یا بخورد دولت یابد اگر جگر گوسفند بد مال است و همچنین سایر جگرها اگر دل گوسفند در خواب بیند یا بخورد مال بسیار بدست آورد از جائیکه گمان نداشته باشد اگر روده گوسفند در خواب بیند یا پیه یا غیره همه دولت بود در بیان دیدن آهو و خرگوش و گورخر و گاو کوهی اگر بیند از این چیزها شکار را اما اندیشه کرد گوشت او را بخورد یا بکسی دهد بر دشمن ظفر یابد هر چه گوشت او لذیذ دهند آن در خواب دولت است اگر شور و ترش در خواب بیند که بخورد غم باشد اگر در خواب بیند گورخر در خانه او شد چنان داند که صید کرده و نیت کرد او را بکشد طعام ساز و بخورد و غنیمت یابد و خیر و برکت بیند اگر بیند که دو وحشی با هم نزاع کردند نفع بر او رسد باشد اگر با وحوش جنگ کرد اما غالب آمد و وحوش را کشت بر مراد غالب آید اگر وحوش بر او غلبه کردند بر خلاف مراد بر او غلبه کند اگر در خواب فیل را بیند در جنگ کند اگر فیل برهنه بود زنی را بعقد آورد اگر فیل را منحرف کند

در تعبیر گاو و غیره

انرا مسخر کند اگر بر فیل جفت شد زنش را طلاق دهد اگر خدمت فیل را کرد سلطان عجمی بود اگر
ببیند فیل از شهر بشهری همی گریزد هلاکت و سلطانی از او برود اگر فیل را بکشت مرد بزرگ از عجم
مقهور گردد اما گوشت و پوست و دندان فیل همه مال بود اگر ببیند که فیل بر او حمله کرد از سلطان
حذر باید اگر فیل ماده بود از زن سلطان حذر باید اگر سرگین فیل در خواب ببیند مال و دولت از جهت
اگر کسی گاومیش در خواب بیند مرد بزرگ باشد از اصحاب سلطان اگر ببیند بر گاومیش دست یافت بر قوم
خود دست یافت بر مردمان بزرگ که دست یابد بهتر اگر کسی گوساله در خواب ببیند ولد
یابد و گوشت و پوست و سرگین او همه مال است اگر کرگدن در خواب ببیند ولایت یابد بقدر تعبیر [illegible]
اگر کرگدن در خواب بیند که بروی سوار است تعبیرش دولت است اگر از کرگدن افتاد از مرتبه خود
عزل گردد اگر گوشت خر در خواب بیند زن گیرد اگر آهو در خواب بیند زن و دوشیزه گیرد اگر
گردن آهو را بکشت از رفقا یا از پیش یا زن جماع کند اگر آهو نر باشد با غلام جماع کند اگر ماده
گاو در خواب بیند زنی نیکو بود و هرچه بدین تفصیل در خواب بیند همان است اگر دید که دست آهو
ببرد از جهت زن غم خورد اگر ببیند ماده گاو و یا آهو را دست [illegible] رها شد کنیز خود را رها کند اگر بچه
آهو در خواب بیند یا بچه پیدا شد هر وحشی که در خواب بیند همه دلیل فرزند است اگر ماده باشد
دلیل دختر است اگر کسی آن بچه را بخورد و سیر نشود از دولت دنیا سیر نخواهد شد **باب چهلم** در دیدن
گاو و آلات و تعبیر ایشان اگر کسی گاو در خواب بیند مال بود و عمل اگر ببیند بر گاو سوار شده و با گاو
بسرای او آمد مالهای نهاد و نعمت ابد اگر ببیند که گاو شاخ زد از آنجا که بود بیشتر [illegible] عمل دارد معزول
گردد اگر ببیند که جو یا گندم بر گاو نهاد بخانه آورد روزی یابد میشی و اگر کسی در خواب با بخورد
مال بسیار از میراث بدست آورد اگر کسی شیر گاو در خواب بیند دولت یابد یا لذت بر و شفا یابد اما حلال
اگر پوست گاو در خواب بیند پوست تعبیرش مال و فرزندان است و فراخ روزی گردد اگر گوساله بخورد
با گوشت نر یا ماده بخانه برد غم و مصیبت [illegible] اگر ببیند بر گاو سنبان نشسته بزرگی و مهر [illegible]

باب چهل

در بیان دیدن فیل و سرگین فیل

باب چهل و یکم در بیان دیدن فیل و سرگین فیل و الات و غیره اگر کسی فیل در خواب بیند که سوار شده
پادشاه شود اگر از فیل بزیر افتاد از مرتبهٔ خویش تنزل کند اگر کسی فیل را از دور ببیند با بزرگان آشنا
گردد اگر بچه فیل ببیند بحکومت میرسد اگر خامیش در خواب ببیند ولد [illegible] احشا و جگر و الات و سرگین
فیل در خواب بیند او مرتبه گردد اگر دنیا ترک کند بار بمرتبهٔ دیگر برسد والله اعلم بالصواب باب ۴۲
در بیان دیدن خوک و کلاغ و گربه و موش و غیره اگر کسی خوک در خواب بیند که شبانی میکند بر مرد
بد اصل بد فعل بزرگ میشود اگر کسی بچه خوک در خواب بیند که حمله کند اگر مراد او کند بر او
غالب شود ضرر بر او برسد اگر موش در خواب بیند بر زن بد عمل مبتلا شود اگر در خواب موش بگیرد
زن فاحشه بعقد در آورد از آن ضرر باو میرسد اگر بچه موش در خواب بیند بر زن فاحشه دو چار گردد اگر
موش ماری نبیند عمر دراز یابد اگر سوسمار در خواب بیند مردم سخن چین بود اگر در خواب بیند که از یک
از چیزی بیرون آید بیمار شود اگر در خواب بیند مار را برفیق بخیل گرفتار شود اگر کشتن مار ضعیف دید
بود اگر با مار نزاع کرد غالب شد بر دشمن غالب شود اگر بکشت دشمن را بکشد اگر دید مار را در صندوق
کرد یا در کیسه در کنار یا در راست بر گذشت این همه مال و نفع است اگر دید مار در خانه او آمد مصیبت بود
اگر با گربه بازی کرد بد بیاید اگر کند باب چهل و سیم در دیدن اژدها و کژدم و خرچنگ و غیره مردم
اگر در خواب گر اژدها بوزد ببیند سلطان بزرگ بود اگر در خواب بیند بر اژدها دست یافت بر مردم
ظالم دست یابد اگر عنکبوت در خواب دید مردی زاهد بود و پوشیدن و منظر [illegible]
اگر کسی کژدم در خواب بیند دشمن ضعیف بود غماز بان سلطه اگر بیند که کژدم او را زد [illegible]
کند اگر کسی کشف در خواب بیند بدولت میرسد اگر خار پشت بیند بحسود [illegible] اگر بیند که کژدم او را
بکشت بر دشمن ظفر یابد والله اعلم باب چهل و چهارم در بیان دیدن سبع و گوشت و پوست او اگر شیر
در خواب دید سلطان بود اگر کسی با شیر مبارزت کرد [illegible] اگر غالب شد بر دشمن ظفر یابد اگر
مغلوب شد بر دشمن او مسلط گردد اگر سرگین شیر در خواب بیند از احشا و الات و سرگین پلنگ

ببیند

دیدن گرک شغال و روباه

ببیند دشمن بد بر او مسلط شود که هرگز از دست او نرهد اما اگر با پلنگ نزاع کند با دشمن جنگ کند
اگر یوز در خواب ببیند تعبیرش مثل شیر است اگر ببر در خواب ببیند دشمن ابله باشد اگر ببیند خرس را
کشت بر دشمن ظفر یابد اگر ببیند شیر خرس را خورده به قرض مبتلا گردد در میان مردم خوار گردد
اگر کسی در خواب ببیند کفتار دیدن زشت روا است اگر بر وی نشست به زیر نیش دراید دو اگر
ببیند که کفتار خورد او را جادو کنند اگر ببیند از زن مرد مال او را بخورد اگر موی و گوشت او را مال
یابد اگر کفتار بکشد بر دشمن ظفر یابد اگر با کفتار صحبت بیند با دشمن بداصل دمیز شود و با احشا
والاد او نصیب ما از حرام مست والله اعلم باب چهل و پنجم در دیدن گرگ و شغال و روباه و اسو و دبا اگر
کسی گرگ در خواب ببیند دلیل گر بود دروغگو و ستمکار و بداصل اگر ببیند با گرگ منازعت
کرد با دشمنان خود منازعت کند اگر ظفر یافت بر دشمن ظفر یابد اگر شیر گرگ را خورد از روی او دنیا
مردم زیاد کرده اما گوشت و پوست او مال گردد اگر روباه در خواب ببیند مرد مکار و عیار بود
با زن یا کنیز بد ذات اگر دید که روباه بگرفت یا دید بعد از آن البته زن یا کنیزی بر حیله بیاموزد
اگر ببیند شیر روباه خورد اگر بیمار است شفا یابد اگر قرض دارد البته ادا شود اگر غمناک بود شاد
شود و گوشت و پوست او همه مال است اگر کسی شغال در خواب ببیند مرد دزد بود دزد اگر شغال در
خانه آمد او را بگرفت دزد را ببیند اگر کسی سگ در خواب ببیند طمع کار ببیند اگر سگ را کشت
مردی صاحب مال مقهور گردد اگر گربه ببیند در خانه بود اگر ماده بود زن بود یا کنیز که در خانه
دزدی کند اگر نر باشد غلام او گربه در خانه نباشد اگر ببیند گربه را کشت بر دشمن ظفر یابد
اگر گربه او را بگزد صعب است اگر پوست و گوشت و سرگین گربه در خواب ببیند مال حرام است ابن سیرین
گوید هر کس گربه را در خواب ببیند دزد شود اگر بوزینه در خواب ببیند بیمار گردد
سر ما جراحت یابد که سعلاج بود با عیب او ببیند از غم و مصیبت در رنج بود
باب چهل و ششم در دیدن سیمرغ و مرغان و بوم و جغد اگر کسی در خواب سیمرغ ببیند

در باب دیدن مرغان وغیره

کفت یا بنام آمد او را دولت عظیم رو بدهد و کار عجب او را پیدا شود کویند تعبیرش زنی باشد
شریفه پاکیزه پارسا بوجود آید اگر ببیند سیمرغ در دست ما است و جدا و پرید زن خود را طلاق
دهد بعد از آن کار پشیمان شود اگر در خواب ببیند که او را بگرفت پادشاه پادشاهی یا پسر یابد یا معزول
سلطان کردد اگر کوشت او را بخورد یا استخوان او یابد از سلطان نیز با بدکار او یالا اگر پرها دید
او را زیان دارد اگر ببیند با آسمان رفت باز کشت سفری کند در آن سفر بمیرد و استخوان پر کوشت او
دولت اما اگر کسی عقاب در خواب ببیند سلطانی شود و بزرگ قوم کردد اگر کسی بوم در خواب ببیند
که بگرفت بیمار کردد یا کوچ و ستی کند که اهل فسق و فساد شود اما کوشت و پوست سرکین هم
مال است اگر چرخ در خواب ببیند یا بمیرد یا بگیرد وحشی اگر کوشت او خورد او را دختر پاکیزه پارسا بوجود
آید اگر وحشی باشد پسری یابد که چون داشته باشد اگر چرخ آمیخته ببیند پسری باشد که تابع
پدر باشد و لیکن ناپاک باشد اگر باز شکاری در خواب ببیند سلطان بیدادگر بود و لیکن با نفع
بود اگر ببیند باز او را بگرفت یا بخشید یا بر کنار دیوار بود یا بر دست نشست یا در دست آمد و یا پست
یابد هر کس او را در خواب ببیند بشارت اگر شاه شود و نقاره در خواب ببیند ولایت بود ظفر
یافتن بر دشمنان بود والی مملکت کردد یا حاکم یا عالم بود و کوشت و پوست او مال و منفعت
بود اگر کسی کلاغ در خواب ببیند با مرد فاسق دروغکوی و مصاحب شود اگر ببیند که کلاغ بر وی بام یا بالای
زد ضرر مالی باو رسد اگر کسی زاغ در خواب ببیند مرد غریب بود اگر او را گرفت غلام گرفته باشد اگر کسی
طاوس در خواب ببیند سلطانی بود از عجم با حشم و جاه و مال نیکو اگر ببیند طاوس را بگرفت یا یافت زن سلطان
دولت و عزت یابد اگر کسی بط در خواب ببیند سلطانی بود از عجم با مال و خدم و حشم اگر چند بط را کو
و بیافتن از کسی نفعی بوی رسد اگر چند دو کوشت بط بخورد و یا از پوست و پر او چیزی یافت و حق
با مرد عبر نیک کند اگر کبوتر در خواب ببیند زن یا کنیز است اگر ببیند او را کسی کرفت از کنیز بگیرد اگر
زن دارد دختر پدید آید اگر در خانه خود کبوتران بسیار ببیند زنان و کنیزان بسیار بود اگر کسی مرغ خانکی

در خواب

در بیان دیدن مگس ملخ و موریچه

در خواب ببیند زن بود اگر ببیند مرغابی را بگرفت یا او را زنی یا کنیزکی بگیرد اگر کسی ماکیان بسیار در
خواب ببیند زنان بسیار بگیرد اگر مصحف مرغ یابد دولت گویند زنی نزد ابن سیرین آمد گفت ای امام
شوهر من بازرگان است از فلان ولایت آمده بگاه و نیم نیست که من شوهر کرده ام گفت برو تفحص کن چنانست
که گفتم زن بخانه خود آمد از شهر خود و بشوهر خود گفت احوال پرسید شوهرش نام پدر و مادر خود گفت
بعد از آن گفت میدانم مادر من در این شهر است و تا با بت اکنون مرد و ساله بودم پدرم در آن
ولایت نقل کرده است اکنون باز آمده مادرش این سخن بشنید فریاد کرد گفت فرزند من هستی بعد از آن
رفت در میان قبرستان تبری کنند دوازده سال ساده ن کرده تا اجلش رسید اگر کسی خروس زاده بیند
مؤذن بود با مکر و حیله و جفا کار باشد اگر زن باشد تعبیرش خروس است اگر کسی دراج در خواب بیند
نیکو بود زنی بیوفا اگر کسی ببیند دراج گرفت باز نخوبروی دست یابد اگر کسی هزار دستان در خواب
ببیند قرآن بخواند و خواندن و سرود و مطرب خوش آواز اگر کسی شترمرغ در خواب ببیند مردی بود از خلق
دور اگر با کسی بیامیزد از اصل بزرگ بود گر در خواب ببیند که شترمرغ را بکشت بر مرد بزرگ ظفر یابد
اگر ماده بود زن پادشاه بود اگر کسی گنجشک در خواب ببیند یا بگرفت دولت و منفعت یابد اگر کسی
لقلق در خواب ببیند مردی بزرگ بود بیوفا غدار اگر کسی ببیند بگرفت یا بکشت بر چنین مرد دست یابد
اگر طوطی بگیرد دولت یابد اگر بلبل در خواب ببیند غلام فصیح بخرد اگر کسی قمری در خواب ببیند غلام
و کنیز و دولت بود پوست و گوشت او همه دولت بود اگر کسی فاخته در خواب ببیند زن یابد
مخالف اگر کسی موریچه در خواب ببیند زن یا کنیز بود مؤمنه و پارسا و نیکو روی اگر کسی سود در خواب
ببیند زن بود یا کنیز اگر هدهد در خواب ببیند مرد بصیر بود اگر کسی هدهد ببیند که بر درخت نشست
غایبی باو رسد اگر کسی شبپره در خواب ببیند نیکو بود اگر شب پره در خواب ببیند دشمن بوی رسد
اگر هیل در خواب ببیند نعمت و برکت اگر بسمند در خواب ببیند بمصیبت گرفتار شود فال نجهیل و
در بیان دیدن مگس ملخ و موریچه و کژدم سپش و غیره اگر کسی زنبور در خواب ببیند با زن خود صحبت کند یا کی

انگبین

در بیان ماهی و کشف و سرطان

انگبین او را بود اما مال حلال باید اگر بخورد شفاست اگر پروانه در خواب بیند با مرد ضعیف نادان صحبت کند که او را بهلاکت اندازد اگر کسی کیک و سپش در خواب بیند که در جامه خود شپش کشد و از مذلت و خرج عیال برهد اگر مگس و پشه و نیشه در خواب بیند با مرد سفله رفیق شود که از او ضرر می‌بیند اگر ملخ در خواب بیند که بیامد لشکر کشی میشود و بمردمان ضرر میرسد اگر کسی مورچه در خواب بیند تعبیرش مثل مگس است اگر افعی و مورچه در خواب بیند شاید مرگ مفاجات بود اگر حیوانات موذی در خواب بیند ضررش بیشتر است **باب چهل و هشتم** در دیدن ماهی و کشف و سرطان و آنچه در دریا است اگر کسی ماهی بزرگ در خواب بیند مال حلال است تزویج کند بمراد دل برسد اگر کسی مرغ و ماهی بیند به پادشاهی برسد اگر کسی از شکم ماهی دولت بود و غلام و کنیز بگیرد اما پیه و گوشت ماهی دولت است اگر ماهی کوچک در خواب بیند دولت ماهی تازه غنیمت قوله تعالی و انزلنا من السماء گویند بر آن خوان که برای عیسی از آسمان ماهی تازه بریان کرده آمد اگر ماهی شور کهنه خورد غم و رنج مصیبت باشد اگر مار و ماهی را در خواب بیند ضرر بوی رسد از کار خود معزول گردد اگر کسی نهنگ در خواب بیند دشمن بجا بیاید اگر بیند که او را بکام خود کشیده اجلش نزدیک است بلکه بدشمن قوی بهلاکت رسد اگر گوشت او بخورد مال یابد اگر جغر و قورباغه در خواب بیند با مرد عابد بود یا علما یا حافظ قرآن اگر کسی بیند که آنها را گرفت با چنین اصحاب مصاحب شود اگر کسی جغر در خواب بیند در محلها یا در شهرها البته عذاب خدا تعالی گردد اگر کسی کشف یا سرطان در خواب بیند که گرفت یا یافت دوستی پر طمع و نیکو خوی اگر بیند که گوشت آنها را خورد مال و دولت یابد والله اعلم **باب چهل و نهم** در بیان مار و کژدم و حشرات زهردار اینها همه دشمن بعضی بزرگی زهرش اذیت برساند اگر در خواب بکشد و منازعت کند البته دشمن خود را اگر کسی مار و کژدم و عقرب یا اژدها در خواب بیند از ظالمان باحذر باید بودن و صدقه بدهد و پشیمان باید که از گناه توبه کند اگر کسی کژدم در خواب بیند از ظالمان باحذر باید بود و مرد حلیم بود و چرب زبان

ماهی

کشف

سرطان

ولیکن

در بیان دیدن شیاطین و پریان

ولیکن دشمن ضعیف باشد و غافل نباید بود که مانند کژدم و مار اگر کسی بر ایشان اعتماد کند آخر
پشیمان شود هر چه از مار در خواب بیند همه بر این قیاس است باب پنجاهم در بیان دیدن شیاطین
و جن و پریان و جادو و [illegible] و کاهنان و امثال اینها اگر دیو دشمن [illegible] بیند از مکر او ایمن باشد که فریب ندهد
اگر پری در خواب بیند مرد فریبنده دزد و [illegible] که مال [illegible] شیاطین اگر جن و غول بیابان در
خواب بیند فتنه بود اگر جادو را در خواب بیند دشمن جان و ایمان است اگر شیطان در خواب بیند از او باطل [illegible]
پرهیز کند اگر کسی با ایشان دعوا کند و غالب آید البته در کار قائم و ایمان او [illegible] اگر [illegible] ایشان را بیند
از خود بی بهره ماند باب پنجاه و یکم در بیان اهل بازار اگر کسی آهنگر در خواب بیند که [illegible]
آویخته است بر چیزی حاکم گردد و اگر صیقلی در خواب بیند و روی او [illegible] گردد و چون [illegible] از [illegible]
تمیز دهد اگر کسی غواص بیند مردی [illegible] و چیز [illegible] دانا باید اگر کسی دلاله در خواب بیند
سخن چین است اگر سراج در خواب بیند توانگر [illegible] باشد اگر زن دلاله در خواب بیند [illegible]
آنکس فریب دهد و از راه راست ببرد اگر خرازی بود و عطار مردی که کار زنان بود [illegible]
نزدیک بود اگر خیاط بیند مردی باشد جور کننده اما مردمان او را [illegible] گویند اگر کارد زن در خواب
بیند ظالم باشد و کار داران [illegible] و دست اگر کسی دباغ در خواب بیند مردی که مال مسلمانان را [illegible]
کند اگر کسی کرباس فروش در خواب بیند مردی مسافر بود اگر کسی [illegible] در خواب بیند
سفر کند اگر کفاش در خواب بیند مرد مصلح گردد اگر کوزه گر در خواب بیند مردی با برکت است
اگر مرد غازی در خواب بیند بر صلاح مسلمانان سعی کند اگر بزاز در خواب بیند مردی [illegible]
باشد اگر دکان در خواب بیند مردی منافق باشد اگر نقاش در خواب بیند مردی محیل و حیله باز باشد اگر
کسی جولا در خواب بیند مردی [illegible] باشد اگر شعرباف در خواب بیند مردی [illegible] باشد [illegible] اگر [illegible]
در خواب بیند [illegible] باشد اگر طواف بیند مسافر است اگر زرباف در خواب بیند مردی [illegible]
باشد اگر کسی حصیرباف در خواب بیند مردی باشد [illegible] اگر نجار در خواب بیند مردی باشد

اصناف
عطار
نقاش
زرباف

در بیان بخبرها که دلیل بر راحت

پراکنده شود اگر صلح در خواب بیند مردی باشد ظالم و عزیز اگر پالوده در خواب بیند مردی
باخیر و برکت اگر حلوا در خواب بیند مردی باشد خوش خلق اگر کبوتر صباد در خواب بیند مردی با
با برکت اگر شکر زیاد در خواب بیند روزی او زیاد شود اگر آتش پرد در خواب بیند مردی باشد با برکت
اگر سفید که بیند مردی باشد منافق اگر کلاه دوزد در خواب بیند مردی باشد بدل اگر بهرچه میرد
در خواب بیند مال میراث بود اگر علاف در خواب بیند بر کسب اگر پوستین در خواب بیند قسم کند
اگر پالان دوز در خواب بیند دولت تکبیر ابدا اگر پوست فروش در خواب بیند میراث اگر انگور
در خواب بیند نعمت میرسد اگر صیاد در خواب بیند مرتبه اش بلند می شود اگر سرابی در خواب بیند
اسمش در عالم منتشر گردد اگر صباغ در خواب بیند مردی باشد سخی طبع اگر شمشیر در خواب بیند مردی
مردی با هیبت شود اگر نمود در خواب بیند فراخی نعمت باشد اگر زبان خود را بخور بیند
باب بیست و سیم در بیان دیدن خبرها که دلیل بر درازی عمر و فراخی روزی است اما بعد بدانکه
پرسیدند از استاد ابن ابراهیم بن عبد الله کرمانی که از کدام چیز که مشغول بر درازی عمر و نیکوئی و سعادت
و نحوست فی الحال ایشان فرمودند روشنی و حوض دار و کوزه انها دلیل بر درازی عمر است
اگر طعام در خواب بیند عمرش دراز شود اگر بربط در خواب بیند که در جای بلند کنار شد عمر ایشان
زیاده میشود و نیز بیند که چه دلیل میکند بر نیکوئی حال الملوک حضرت عزوجل که چنان بخواب بیند
که نماز میکند و روی بقبله نشسته و کوع و سجود بجا آرد و مصحف بدست گرفته تلاوت کند
و صلوات بر پیغمبر فرستد یا آنکه زاید او مرده است او را یاد کند و نیکوئی او را گوید و بر ایشان
سلام او باشد و یا بخواب بیند که از عقب پیغمبر این همه دلیل نیکوئی حال او بود اگر امیر المؤمنین
علی علیه السلام در خواب بیند یا فرزندان حضرت که معصومند در آنجا انصاف و عدل پدید آید اگر بیند
کسی را نام نیکو بود چون سعید و سعید و سعدان دلیل است بر سعادت و چون محمد صلی الله
علیه وآله احمد محمود حامد و یا ابو صالح و ابو الحسن و ابو الفضل ابو عبد الله بخواب بیند

در بیان اسید ...

مشنو است از نصل ابو عبد الله اطاعت و عبادات اگر جهودی را در خواب بیند سر بر آستانه نو حرص و
شتلب دکان اما اگر کار کند در خواب بیند دلیل در خواب بیند چون ابو لهب نکل و فساد و فهد حمد ابو
و مروان و معاویه یزید بدین مانند نامها اگر بخشند دلالت بر نحوست میکویند باب پنجم و شصت و نهم در بیان
دیدن نماسیل و نوشتن و تزویج و نکاح اگر بیند که در خواب بیند خواه بر جایی برد بود و همه خیر در نو
برد شمن ظفر یابد اگر کسی نوشتن بیند شفا یابد اگر عروسی بیند چون دفن و پای کوفتن بود دلیل
نیک بود اما از این چیزها غم و مصیبت و تعزیه بود اگر کسی مهمانی در خواب بیند همه خیر و خوبی
الا عروسی که مصیبت باشد اگر ختنه بیند خوب و مبارک است چرا که سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است باب
پنجاه و هفتم در بیان دیدن عبادت و شکر و تسبیح و استغفار و قرآن خواندن و نماز و روزه داشتن و صلوات
فرستادن امر و نهی اگر کسی در خواب آیات ترجمه کند تعبیرش آن است که از آن چیز است اگر تسبیح و تهلیل و
تحمید و صلوات و رکوع و سجود و استغفار در خواب بیند اسم بال خیر و برکت در عزت و شرف
رسول صلی الله علیه و آله آورد ن ایزد تعالی بر وی رحمت کند اگر کسی نماز گذارد روی بمشرق باشد آنکه حج کند
عزت و شرف یابد اگر بیند نماز کرد روی بآسمان آنکس سیل بدین جهودان کند از همه عنها ابن کرم اگر کسی
روزه میدارد در عزت و شرف یابد چرا که نعمت بود اگر روزه خود را عمدا در خواب بخورد بیمار اگر کسی
مکر سفر بود اگر فراموش روزه بکشاید عابد و زاهد نیک مرد بود اگر در خواب بیند فلوس شیز
و غیرها بخورد از گناهان توبه کند اگر توبه بر کسی دعا اماله کند با و تعلیم علم روزی شود اگر در خواب بیند
که سر کشید یعنی قلب حاصل شود اگر بیند که شانه کند از غمها رهایی یابد اگر در خواب بیند
ناخن گیرد از مذلت بیرون آید باب پنجاه و هشتم در بیان دیدن آیات مثل زلزله و خسوف و کسوف آفتاب
و دمیدن آتش نظر کردن زن طلاق داده در عده نگاه داشتن اگر زلزله در خواب بیند غم او رسد اگر کسی
در خواب بیند مصیبت اگر خسوف در خواب بیند که عود زن در بحث اگر بیند در کوه زلزله
در آن شهر بیم و فزع بود اگر در خواب بیند که زن را طلاق داده و عمل کرد او در معرفت بود

کند

در دیدن آیات مثل زلزله

کند اگر سنبل در خواب بیند زیان در منصب او رسد اگر ریشه در خواب بیند توانگر شود اگر ترش بای
در خواب بیند لشکر کسی و مال حرام باشد و ابنیه همه مال حرام باشد و هشت باب پنجاه و ششم در دیدن
کبوتر و ترسا و جهود و کلیسا در خواب بیند عبادت پرورد کار بود خیر و برکت اگر کسی ناقوس در خواب
بیند مرد منافق بود از وی هیچ چیز نیابد اگر کسی گورستان است خواب مذلت بود در دولت دیگری
شاد بود اگر کسی نعمت در خواب بیند غم و اندوه با و رسد اگر کسی لوط در خواب بیند در همه حال بکار
از آن خواب توبه کند اگر کسی فاسق در خواب بیند ضرر دنیا با و رسد که از آن غم یابد باب پنجاه و هفتم در
دیدن خانها و جایها فرود آمدن و دیدن فرشها و امثال آن اگر در خواب بیند زنی نیکو و وی چنانکه
با او عیش خوش باشد بمعاشرت لطیف زبان شیرین بود اگر کسی از دیر در خواب بیند برکت
و نعمت و سلامتی اگر بیره زنی در خواب بیند بو الفضول نافرمان باشد اگر سنجیده بیند
کنیزی بود خدمت خود را کند اگر جاروب در خواب بیند و یاروب خیر و برکت اگر کاسه چینی
در خواب بیند خادمی باشد اگر طبقی بیند کنیزی بود خدمت خود را کند هر کس جاروب کند تمام
مال از دستش برود اگر شکر در خواب بیند روزی حلال یابد اگر سبو و ظرف در خواب بیند باز
تعبیرش خادم و کنیز است اگر فرشهای خانه در خواب بیند از هر جنس که باشد کنیز یا خشم باشد که خانه
سرای باشد هر چه زیاده و نقصان بیند تعبیرش مال حلال و کنیز است پنجاه و هشتم در دیدن اسبان
گوناگون و استران و خران و شتران و پوست و گوشت و خون و استخوان اگر اسب در خواب بیند
با سوار شود دلیل عزت و مرتبت بود و دولت و ریاست مر بسد اگر بیند دم اسبش را بریدند
از اهل و عیال خود جدا شود اگر دید بر اسب سوار شد بهوا میرود عزت و مرتبت او زیاد شود
اگر بیند از اسب بزیر افتاد مرتبه اش تنزل میکند اگر ماده اسب سوار شود زن مؤمنه بعقد خود در آورد
اگر بیند گوشت اسب میخورد دولت یابد اگر بر اسب سیاه شود رفعت یابد اگر از اسب سفید فرود آید
و سوار شود مرده او میرسد اگر اسب او بخشد ندارد اگر نر بود عمل و ریاست بود اگر ماده بود زن

در بیان دیدن استر و گاو و خر

بگیرد اگر استر ماده در خواب بیند که بروی بالا رانست و بیچاره است بغم شاید و اگر ماده باشد زن بگیرد
اگر بیند استر گرفت زن بگیرد عمرش دراز شود اگر در خواب بیند خری بالای عزت و دولت یابد
خود برسد و اگر ماده بود بهره نیکی کند کارش بالا گیرد اگر خر مراد زد بیند نعوذ بالله گناه او اشغر
گردد اگر خر کره در خواب بیند مرد خوبی بجای او گردد اگر گوشت خر خورد میراث باو میرسد
اگر از خری افتاد کارش بفقر رود و ملول گشت اگر بیند خری باو رسید لگد زند دولت از او برود
ببیند که از شتر بزیر افتاد بمیرد اگر ببیند که بر شتر سوار است سفر کند اگر شتر بخفت سفرش طول کشد
اگر شتر کشد دشمن او ذلیل شود اگر شتران بیند بیماری و غم و اندوه بود اگر شتران برهنه بیند
تعبیرش بیماریست اگر شیر شتر بیند که بخورد دولت برسد اگر بیند که مجهول از پی شیر میرود غم
اگر بیند چون چهارپایان راه رفت زنده کامش دراز گردد و عزت و جاه او زیاد گردد و اگر بیند
چون ستاغان راه میروند اندر پی او نقصان یابد اگر بیند که شتران برهنه بسیار جمع آمدند لشکر
فراوان ببیند باید که از آنجا باب پنجاه و پنجم در بیان دیدن پیران و بزرگان و سرهنگ و منجم و خندید و [illegible]
مثل خوابها مشکل از هر نوع که باشد گفته شود آورده اند از اصحاب معبران نویسند بعضی خوابها که
که از آنها ماه هی باید و در ساله یکی دیدند شمشیر یا بیند و در سال چهارم دیدند و با هم
باید در میان ایشان دانائی بود صاحب فراست که بعلم تعبیر مشهور بود از او پرسیدند جواب داد
که در آن سال اول که ماه باز بیند دلیل عذابست و خصومت کند و در سال دوم که سفید باز بینی دلیل آن باشد
بوده در سال سیم دیدند شمشیر است دلیل بر حرب و کشتن و در سال چهارم دو با دیدند مکر و
حیله باشد آورده اند در روزگار حضرت دانیال علیه السلام بخت النصر در خواب دید که بتی دید [illegible]
و از آتش برنج بود و ساق او از [illegible] و از سفال سنگ بر آن بت آمد بشکست از معبران پرسیدند
که جواب نتوانستند دانیال علیه السلام پرسیدند فرمود که این بت [illegible]
مملکت او است بود از پس چون فصلها و از برای خیر بدست [illegible] از سیمست [illegible]

منجم

تعبیر حالهای بزرگان و امیران

مملکت او بود پس او خواهد شد چون برنج و مس ساق او از آهن دید بدین دلیل انکه پیغمبری
بود که نام مبارک او محمد صلی الله علیه و آله و سلم کردید او قوی بود و قدمهای او
از سفال بود از سنگ بشکست دلیل بود که مملکت تو بدست تو خواهد آمد کردید بر ایشان
ضعیف بود چون صفت سفال از سنگ حق بود که باطل را میشکند اگر در خواب بیند که سقف مکان
کند انکس از خوف و ایمن گردد قوله تعالی (ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا) اگر کسی سلطان
در خواب بیند که او را عطائی بوی برسد و ولایت بود اگر کسی سرهنگ در خواب بیند که با بزرگان
مصاحب شود اگر سلطان در خواب بیند بقهر در شهر اید یا در محله داخل شود بنا واضع
خواری رسد و فساد روی دهد قوله تعالی (ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها) اگر امیر یا حاکم
در خواب بیند خلق مطیع او گردند اگر کشتی بزرگ در خواب بیند بزرگ مردم گردد اگر کسی وزیر
در خواب بیند که شرابست بمرتبه برسد اگر کسی ندیم در خواب بیند روزی او فراخ گردد
در روزگارش خوش گردد اگر حاجب در خواب بیند بر قوم جاهل مهتر و بزرگ گردد اگر کسی منجم
در خواب بیند با مردم دروغگو رفیق شود اگر کسی شاعر در خواب بیند در میان مردم بدروغ
شهرت یابد قوله تعالی (والشعراء یتبعهم الغاوون) اگر معبر در خواب بیند کارها بر کشاده
کشاده شود و اگر ساحر کاهن در خواب بیند در امور باطل افتد بفتنه و بلاها دو چار گردد
اگر کسی اسطرلاب در خواب بیند با اصحاب سلطان رفیق شود از طرف ایشان ضرر دید بیمار باشد
اگر در خواب بیند جامه اش چرکین شده یا نجس شده مال حرام بدست آورد اگر کسی زن را در خواب بیند
زن انکر شود اگر کسی چیز زرد در خواب بیند بیمار شود اگر چیز سرخ در خواب بیند مومن و پارسا
گردد و در میان مردم مشهور گردد اگر کسی سر خود را بریده در خواب بیند در راه خدا شهید شود اگر بار
گران در خواب بیند که بر دوش دارد گناهش زیاد شود توبه باید کرد اگر کسی در خواب بیند
مجنون باید عمر دراز یابد اگر کسی خود را بکشد مال بسیار بدست آورد از طرف زن بسرا اگر خانه

خود

دیدن غواص قطران و غیره

خود بول و غایط کند مال او فزون شود و درد او را از برای عیال میگذارد و بول نجاست
مال دنیا بود اگر کسی در خواب نجاست بخورد مال حرام است اگر کسی ابریشم بخورد همه
مال حلال است و روزی او وسیع شود اگر کسی در خواب انگور سفید بخورد منفعت یابد انگور
سیاه غم است خربوزه و هندوانه و خیار در خواب ببیند شادمانی است انار شیرین
و امرود و گیلاس و زردالو و بر شیرین و سایر میوه‌های شیرین در خواب ببیند همه دولت و
عزت است اگر از میوه‌های ترش ببیند یا بخورد برادر مصیبت و غم برسد هر ترشی که
در خواب ببیند سینه یا قند و بادشاه یا لوط و مثل اینها شیرین همه شادی است و ترش اینها غم است
اگر حلوا یا نان سفید در خواب بخورد غمهای او زایل گردد و خوشحال گردد بعزت و دولت برسد
اگر از ترشیها مثل سرکه و سکنجبین در خواب ببیند یا بخورد ملامت برسد باب ششم در بیان
دیدن غواص قطران مال و غیره اگر کسی غواص در خواب ببیند طالب علم و معرفة الله باشد
اگر قطران و مازو و نیل و روغن در خواب ببیند و زن و مرد و بزرگ همه بدبخت و بلا بود
اگر کسی بچاه خون افتد بخون ناحق گرفتار شود اگر کسی خون در خواب ببیند گرد شهر
یا در محله یا در کوچه یا خانه در آمد خون ناحق بزرگی ریخته شود اگر کسی یا او را در خواب ببیند
که از او خون میاید در آن شهر خونریزی شود اگر ببیند با زن مرده جماع کند خونریزی
شود از کاری که نا امید بود و در آن بروی گشاده گردد و در آن خوشحالی اگر کسی مرده را
بوسه کند سفری از او باز آید اگر کسی مرده را در خواب ببیند شادمان گردد که خبر بد دهد
بدهد بدولت برسد اگر گوشت مرده در خواب ببیند میراث بدو رسد اگر کسی با برادر
جماع کند حذر کند بفتنه و بلا گرفتار افتد اگر کسی با عمه جماع کند کار فتح بروی افتد اگر
کسی با اولاد خود جماع کند صدقه باید داد و اینها همه بد است اگر کسی با مادر جماع
کند اگر کسی با خواهر کسی جماع کند بفتنه و بلاها گرفتار شود اگر با کنیز خود جماع کند نیکو

گوشت مرده

ود و سبلی بر وی روی دهد اگر کسی چشم کند در خواب بیند از وطن خود دور افتد ۴۲
اگر در خواب بیند که کور شده برادرش بمیرد اگر در خواب بیند که گوش او را ببرند در خانه
خواهرش خانه اش بمیرد اگر کسی ادویه با مادری در خواب بیند مثل مل و مشک و دارچین
و زعفران و زنجبیل و زردچوبه در خواب بیند از همه خوشحال گردد و دولت روی
دهد اگر کسی عاشق در خواب بیند دیوانه باشد اگر کسی نامه بیند اکند مؤمن و پرهیزکار
کار او باشد اگر در خواب گریه کند شادمان گردد اگر کسی گریبان در خواب بیند مژده باید
اگر خود را یا دیگران را در خواب خنده دید بغم و غصه مبتلا گردد و بباید دانست که
خواب عالم بهتر است از خواب جاهل خواب مؤمن بهتر است از خواب فاسق خواب مرد بهتر از خواب زنست
خواب جوان بهتر است خواب توانگر بهتر از خواب فقیر است و خواب فقیر بهتر از خواب جاهلست
و خواب دهی بهتر از خواب شهریست و خواب مسلمان بهتر از خواب کافر است و خواب حضری بهتر
از خواب سفری است و خواب پادشاه بهتر از خواب رعیتست و همه خوابها بر این قیاس است
خواب آخر شب بهتر است این خواب زود تاثیر میکند بدانکه باید معبر اصل خواب را
دانسته باشد و باید دانست هرچه در باب تعبیر خواب تعلق دارد و وقت خواب را
دانسته باشد که چه وقت تعبیر دارد و تاثیر میکند و چه وقت طول میکشد
و چه وقت تعبیر ندارد و تاثیر نمیکند اول ماه راست و درست است دوم
ماه راست است و تاثیر میکند سیم ماه باز زود تاثیر میکند چهارم و پنجم
ماه بعد از یکماه باز تاثیر میکند ششم و هفتم و هشتم و نهم ماه خوب است
همانروز تاثیر میکند دهم ماه دروغ است هرگز راست نمیشود یازدهم و دوازدهم
بعد از یکسال تاثیر میکند سیزدهم چهاردهم ماه درست پانزدهم
شانزدهم ماه زود تاثیر میکند هفدهم بعد از مدتی تاثیر میکند هیجدهم

نوزدهم

اتمام کتاب عجیب و خوب

نوزدهم ماه بسیار خوب است زود تاثیر میکند بیستم بد است بیست و یکم ماه دروغ است بیست و دوم همان روز تاثیر میکند بیست و سیم بیست و چهارم بسیار بد است بیست و پنجم بیست و ششم باز تاثیر ندارد بیست و هفتم و بیست و هشتم از آن محروم است بیست و نهم و سی ام صحیح است زود تاثیر میکند

تمت

(انما الدنیا فناء لیس للدنیا ثبوت انما الدنیا کبیت نسجته العنکبوت)

ولقد یکفیک فیها ایها الطالب

قوت ولعمری عن قلیل

کل من فیها یموت

پس بگردید بگردد روزگار دل بدنیا کم نبندد هوشیار اگر دستت رسد کاری بکن

پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

کتبه العبد الحقیر الفقیر المذنب العاصی والروی

الآثم الجانی میرزا ابوالفضل بن حاجی محمد باقر التفرشی سمت

اتمام یافت فی سنه ۱۳۱۴

هو
الحکیم [illegible]

مگر صاحبدلی | روزی به رحمت

غرض
نقشی است کز ما باز ماند
که هستی را نمی‌بینم بقائی

کتاب مستطاب
تعبیر خواب تألیف کاشف آثار حدیث و قرآن
عالم نحریر محدث خبیر مرجع اهل الخبر و معتمد ذوی
البصائر والبصر ناشر العلوم محیی الرسوم و مروج
الشریعة مبین الطریقة کاشف اسرار الحقیقة
العالم الربانی الملا محمد باقر الاصفهانی
الشهیر بالعلامة المجلسی قدس سره

کارخانهٔ استاد آقا [illegible] مشهدی
[illegible] طهرانی

کند در حق | درویشان دعائی

طبع شد
سنة ١٢٧١

هو العلیم — اوضاع کواکب در این ماه دلالت دارد بر سردی هوا و باد و بارندگی و رعد و برق و زمستان و کمی نعمت و مسرت خاطر بعضی از رجال و استفاده ایشان از پادشاه و اضطراب و تحیر بعضی از وزراء و سوالی خائنین و مفسدین و بیماری اطفال و رونق بازارها و رسیدن اخبار مملکت

موافق ابتدای روز	مجد	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نپتون
	حوت	۱۵ حمل	۲۹ حمل	۱۵ جوزا	۱۵ حوت	۸ قوس	۲۹ حوت	۲۵ اسد

ایام						موافق	وقایع	بقیه رمضان — یکی از شنبه بیست و چهارم از شب گذشته تحویل حمل	طهران
شنبه	[illegible]	۱	۳۱	۱	۱	عقرب	اول فروردین ... شب قدر	نوروز سلطانی و عید ملی	[illegible]
یکشنبه	[illegible]	۲	۳۲	۲	۲	عقرب	[illegible]	شب خوردن حضرت امیر	[illegible]
دوشنبه	[illegible]	۳	۳۳	۳	۳	قوس	شب قدر	۲ و ۳۳ دقیقه از شب پنجشنبه قمر از برج عقرب خارج	[illegible]
سه شنبه	[illegible]	۴	۳۴	۴	۴	قوس		شهادت حضرت امیر علیه السلام	[illegible]
چهارشنبه	[illegible]	۵	۳۵	۵	۵	جدی	شب قدر	از شب شنبه قمر از صورت عقرب خارج شود	[illegible]
پنجشنبه	[illegible]	۶	۳۶	۶	۶	جدی	طلوع اجنبیه [illegible]	صبح امروز زراعت بنای ابنیه مسافرت	[illegible]
جمعه	[illegible]	۷	۳۷	۷	۷	دلو	[illegible] عطارد	صبح نقل مکان ابتدای تعلیم غرس اشجار	[illegible]
شنبه	[illegible]	۸	۳۸	۸	۸	دلو		عصر امروز قبیح	[illegible]
یکشنبه	[illegible]	۹	۳۹	۹	۹	دلو	[illegible]	نقل تحویل غرس اشجار	[illegible]
دوشنبه	[illegible]	۱۰	۴۰	۱۰	۱۰	حوت		عقد نکاح سایر امور مهمه	[illegible]
سه شنبه	[illegible]	۱۱	۴۱	۱۱	۱۱	حوت	[illegible]	۵ و ۵ دقیقه از روز تحت الشعاع شود	[illegible]
چهارشنبه	[illegible]	۱۲	۱	۱۲	۱۲	حمل		۹ و ۴۳ دقیقه از شب پنجشنبه خروج الشعاع	[illegible]
پنجشنبه	[illegible]	۱۳	۲	۱۳	۱۳	حمل	سقوط [illegible]	سیزده عید نوروز	[illegible]

هو العلیم — اوضاع ستارگان در این ماه دلالت دارد بر انقلاب و سردی هوا و رعد و برق و باریدن [illegible] و حوالی بیابانات عربستان و حبشه رسیدن بعض مردم و تشویش اذهان از پاره جهات موقته و بروز بعض امراض مخصوصا در اطفال و دوام [illegible] و [illegible] و عطریات و بروز پاره حوادث در بعض نقاط و ناخوشی و مرگ حیوانات از قبیل اسب و گاو و گوسفند

طول ضبع ستارات روز غره	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نپتون
	۱۷ [illegible]	۱۵ [illegible]	۲۲ جوزا	۱۸ [illegible]	۷ [illegible]	۱۲ [illegible]	۲۴ [illegible]

شوال ۱۳۴۵

هلال [illegible]

روز	ماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	قمر	احکام نجومی	شوال ۱۳۴۵	طهران
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	عید فطر	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۱۵	۵	۱۵	۱۵	[illegible]		عقد نکاح نقل مکان [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۱۶	۶	۱۶	۱۶	[illegible]	قران [illegible]	از شیر گرفتن کودک [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۱۷	۸	۱۸	۱۸	[illegible]		نشاید	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۱۸	۸	۱۸	۱۹	ن	طلوع مقدم	اول شرف شمس شنبه ۵ عت ۳ دق	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۱۹	۹	۱۹	۱۹	[illegible]	ورود [illegible]	آخر شرف شمس یکشنبه ۵ عت ۴۴ دق از شب	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۰	۱۰	۲۰	۲۰			عقد نکاح افتتاح کار خجسته	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۱	۱۱	۲۱	۲۱	[illegible]		شرکت و فصد	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۲	۱۲	۲۲	۲۲	۱		مانند قبل	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۳	۱۳	۲۳	۲۳	[illegible]	[illegible] ۲۴۶	تجدید لباس تعلیم و مسافرت	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۴	۱۴	۲۴	۲۴	[illegible]		امور گذشته	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۵	۱۵	۲۵	۲۵			نو بریدن پوشیدن حجامت	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۶	۱۶	۲۶	۲۶	[illegible]	[illegible]	نشاید	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۷	۱۷	۲۷	۲۷	[illegible]	[illegible]	۳ عت ۴ دق بغروب قمر در عقرب	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۸	۱۸	۲۸	۲۸	[illegible]	قران عطارد [illegible]	ملاقات بزرگان بذر فشاندن	[illegible]

شکوفه اشجار در بعض بلاد و احتمال مخاطره برای یکی از بزرگان و حدوث زلزله و آبادی و عمارت املاک و ابنیه و مسافرت یکی از ملوک و رغبت عامه باستماع مسائل شرعیه و خواندن قرآن و تعلیم قرائت و میل آنها بتوبه و انابه و وقوع سیاسات سخته برای امور دین و سلامتی مسافرین و خوشحالی مردم عرب و رونق بازار حلویات

مواضع سیارات	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نبطون
روز شانزدهم	حمل ۲ درجه	جوزا ۳ درجه	سرطان ۱ درجه	حوت ۲۱ درجه	قوس ۷ درجه	حمل ۱ درجه	اسد ۲۴ درجه

ایام هفته	ایام ماه					مواضع قمر	التعلیقات	بقیهٔ شوال — تحویل آفتاب بثور بیساعت از روز پنجشنبه چهاردهم گذشته	طهران نصف النهار	ساعت غروب	طلوع آفتاب	اذان صبح									
سه شنبه	بیست و نهم	۲۹	۱۹	۱۹	۲۹	عقرب		۷ عت ۳۹ قه از شب چهارشنبه قمر از عقرب خارج میشود	[illegible]	۵۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	سلخ	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	قوس		ملاقات دوستان ارسال هدایا و صید	۳۴	۰۵	۵	۳۰	۳۴	۸	۳۰	۳۲	۲۸	۳۴	۲۲	۵	۵۴
پنجشنبه	غره	۳۱	۳۱	۱	۱	قوس	موثر شمسی اردیبهشت زدود	امور رو به قبل	۳۴		۲	۱۸	۳۸	۵	۳۰	۲۵	۲۸	۳۴	۲۱	۴	۵۰
جمعه	دوم	-	۳۲	۲	۲	جدی	طلوع موخر اردیبهشت باستانی	صبح قمر از صورت عقرب خارج میشود	۳۵	۵۹	۹	۱۵	۳۹	۲	۳۲	۳۴	۲۹	۳۲	۱۹	۴	۴۶
شنبه	سوم	۲	۳۳	۳	۳		اردیبهشت ملکی	نشاید	۳۴	۵۸	=	۱۴	۳۰	۵۹	۳۴	۳۱	۳۰	۳۰	۱۷	۳	۴۳
یکشنبه	چهارم	۳	۳۴	۴	۴	جدی		امور تجارتی و ملاقات بزرگان ۱۳۰۵ ش	۳۲	۵۸	۱۴	-	۳۰	۵۷	۳۴	۱۸	۳۰	۲۸	۱۴	۳	۴۱
دوشنبه	پنجم	۴	۳۵	۵	۵	دلو		تاجگذاری شاهنشاه پهلوی	۳۸	۵۸	۱۵	۹	۳۲	۵۴	۳۵	۱۵	۳۱	۲۵	۱۲	۱	۳۸
سه شنبه	ششم	۵	۳۶	۶	۶	دلو		ورود خانه و شهر و بنیاد کارهای مهم	۳۹		۱۷	۷	۳۴	۵۲	۳۵	۱۴	۳۱	۲۲	۱۰	۱۰	۳۵
چهارشنبه	هفتم	۶	۳۷	۷	۷	حوت		خرید باغ و بستان و روان کردن آب در انها	۴۰		۳۰	۵	۴۴	۴۹	۳۲	۱۲	۳۲	۲۲	۸	۵۹	۳۴
پنجشنبه	هشتم	۷	۳۸	۸	۸	حوت		عقد و نکاح و اکثر امور مهمه	۴۱	۵۸	۳۲	۴	۴۵	۴۷	۳۸	۹	۳۴	۳۰	۴	۵۸	۳۰
جمعه	نهم	۸	۳۹	۹	۹	حمل		تجدید لباس فصد و ختنه	۴۲	۵۷	۳۴	۵۹	۴۶	۴۷	۳۹	۷	۳۴	۱۸	۴	۵۴	۲۸
شنبه	دهم	۹	۴۰	۱۰	۱۰	حمل	۹ عت نیم از شب یکشنبه اول شرطین قمران	۵۷ قه از شب یکشنبه گذشته تحت الشعاع میشود	۴۳		۳۴	۵۴	۴۳	۴۶	۳۴	۵	۱۶	۱۴	۱	۵۵	۲۵
یکشنبه	یازدهم	۱۰	-	=	=	ثور	مدفوزنکی چهره اول ق	امور نهانی	۴۴		۳۸	۵۴	۴۹	۴۴	۳۴	۱	۱۴	۱۲	۵۹	۵۲	۲۲
دوشنبه	دوازدهم	=	۲	۱۲	۱۲	ثور		۵ عت ۵۲ قه بغروب مانده خروج الشعاع میشود	۴۵	۵۷	[illegible]	۵۲	[illegible]	۵۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۵۷	[illegible]	۵۲	[illegible]
								سلخ ندارد													

جشن انقراض خاندان قاجاریه

هوالجنیس – اوضاع فلکی در این ماه دلالت نماید بر تغییر هوا و ابر و رعد و برق و باد و بارندگی و بروز ناخوشی در حیوانات و صحت بیماران مخصوصا اطفال و وصول اخبار جدیده و بصلح پیوستن بعض کشمکشها و مسرت علماء و نویسندگان و رونق بازار ملبوسات و عطریات و فوت یکی از زنان معروف و فوت و

مواضع سیارات روز غره	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نبطون
	٢٤ درجه حمل	٢٠ درجه جوزا	١٠ درجه سرطان	٢٤ درجه حوت	٦ درجه حوت	٢ درجه حمل	٢٤ درجه اسد

ذیقعده ٤٥ طهران

هلال ذیقعده شب شنبه بلندی اشکار نماید

ایام هفته	ایام عربی	ایام ماه رومی	ایام ماه فرنگی	ایام ماه ملکی	ایام ماه شمسی	مواضع قمر	مواقع تقویم	اختیارات	نصف النهار (طهران)	ساعت غروب	طلوع آفتاب	اذان صبح	نصف النهار	اذان صبح	نصف النهار	اذان صبح	نصف النهار	اذان صبح	اذان صبح	اذان صبح	اذان صبح
سه‌شنبه	اول	١٢	٣	١٣	١٣	جوزا	وفات امام محمد تقی ٢٢٠	صبح ابتداء تعلیم و شرکت و تجدید لباس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	دوم	١٣	٤	١٤	١٤	جوزا	شب جمعه وفات بکیت طلوع ثریا	امور وزرا قبل و مال التجاره فرستادن	٤٧		٤٣	٥٠	٥١	٣٢	٤٤	٥٢	٣٨	٩	٥٤	٥١	١٥
پنجشنبه	سوم	١٤	٥	١٥	١٥	سرطان	استقامت نبطون	مسافرت امور زراعت کودک بگهواره نهادن	٤٦	٥٦	٣٥	٤٨	٥٢	٣٠	٤٤	٥٥	٣٩	٧	٥١	٥٠	١٢
جمعه	چهارم	١٥	٦	١٦	١٦	سرطان	غایت وقت تصدیق تحویل عطارد بثور	امور زراعت و گهواره نهادن	٤٩	٥٤	٣٧	٤٤	٥٤	٣٢	٤٤	٥٥	٤٠	٤	٤٩	٤٩	١٠
شنبه	پنجم	١٦	٧	١٧	١٧	اسد		نقل مکان عقد نکاح افتتاح کارها	٥٠		٣٩	٤٤	٥٤	٣٥	٤٤	٥١	٤١	٤٠	٤٧	٤٨	٢
یکشنبه	ششم	١٧	٨	١٨	١٨		عیدشان دارکرم	صبح بنای ابنیه و فرزند بدایه دادن	٥٠		٣١	٤٣	٥٥	٣٢	٤٩	٤٩	٤٢	٢	٤٥	٤٢	٥
دوشنبه	هفتم	١٨	٩	١٩	١٩	اسد	شب سه شنبه زفت	عقد نکاح ورود بخانه نو و شهر و امور گذشته	٥١	٥٥	٤٣	٤٠	٥٤	٣٠	٤٧	٤٨	٤٢	٤٩	٤٢	٤٤	٢
سه‌شنبه	هشتم	١٩	١٠	٢٠	٢٠	سنبله	عکس ... در جوزا	نشاید	٥٢	٥٤	٤٤	٤٣	٥٧	١٨	٤٨	٤٢	٥٩	٤١	٤١	٤٥	٥٩
چهارشنبه	نهم	٢٠	١١	٢١	٢١	سنبله	آخر قصر زندگی	نو بریدن و پوشیدن ابتداء تعلیم	٥٣		٤٤	٤٢	٥٨	١٥	٤٨	٤٥	٤٣	٥٢	٤٠	٤٤	٥٢
پنجشنبه	دهم	٢١	١٢	٢٢	٢٢	میزان	تحویل زهره ببرج سرطان	امور گذشته بناء مساجد ١٥٣	٥٣		٤٨	٤٣	٥٩	١٣	٤٩	٤٤	٤٣	٥٥	٤٨	٤٣	٥٥
جمعه	یازدهم	٢٢	١٣	٢٣	٢٣			مولود حضرت امام رضا علیه السلام	٥٣		٤٩	٤٢	٤٢	١٠	٥٠	٤١	٤٢	٥٣	٤٧	٤٣	٥٣
شنبه	دوازدهم	٢٣	١٤	٢٤	٢٤	میزان		٢ عت ٢٠ قه از شب یکشنبه گذشته قمر داخل برج عقرب میشود	٥٥		٥١	٤٠	١	٨	٥١	٤٣	٤٣	٥٢	٤٣	٤١	٥١
یکشنبه	سیزدهم	٢٤	١٥	٢٥	٢٥	عقرب		بذر افشاندن	٥٤		٥٢	٤٢	٣	٤	٥١	٣٨	٤٥	٥٢	٤٣	٤٢	٤٩
دوشنبه	چهاردهم	٢٥	١٦	٢٦	٢٦	عقرب		حفر کاریز و چاه	٥٧		٥٣	٤٥	٤٦	٢	٤٧	٤٤	٥٠	٤٢	٤١	٤٢	٤٤
سه‌شنبه	پانزدهم	٢٦	١٧	٢٧	٢٧	قوس	طلوع شرطین	٣ عت و ١٨ قه از روز رفته قمر از برج عقرب خارج میشود	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

از دیاد جاه بعض از امراء و پیشرفت مسلمین از بعض جهات و بروز درد چشم در حدود شرق و تشویش مردم
و استمال کسالت یکی از ملوک و کشمکش بین رعایا و حکام در بعض نقاط و بسیاری بار اشجار در برخی بلاد و ناایمنی
بعض طرق و شهرت و عظمت یکی از اهل علم و فایده بردن طلاب و ارباب فضل از پادشاه و رونق دارایی

مواضع سیارات	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نپطون
روز شانزدهم	۲۴ ثور	۸ سرطان	۱۸ سرطان	۲۷ حوت	۵ قوس	۲ حمل	۲۴ اسد

ایام هفته	قمری	اردیبهشت باستانی	مه فرنگی	اردیبهشت	ثور	مواضع قمر	حوادث	بقیهٔ ذیقعده — تحویل آفتاب بجوزا ۳ ... بلیلیم گذشته	طهران: نصف النهار	ساعت غروب	طلوع آفتاب	اذان صبح	نصف النهار	اذان ظهر	نصف النهار	اذان عصر	نصف النهار	اذان مغرب	اذان عشا	اذان صبح	اذان
چهارشنبه	شانزدهم	۲۷	۱۸	۲۸	۲۸	قوس		ملاقات دوستان ابتدا بتعلیم	۸	۵۹	۴۸	۳	۴۴	۴	۵۳	۲۳	۲۷	۲۷	۲۷	۹	۹
پنجشنبه	هفدهم	۲۸	۱۹	۲۹	۲۹	قوس	احتراق عطارد	طرف قمر از صورت عقرب خارج میشود	۵۹		۵۸	۱۸	۵	۵۸	۵۳	۳۱	۴۲	۴۶	۲۵	۳۸	۳۲
جمعه	هجدهم	۲۹	۲۰	۳۰	۳۰	جدی	تحویل عطارد بجوزا	امور تجارتی و زراعتی	۷		۲	۱۴	۴	۵۴	۵۵	۲۹	۴۸	۴۴	۲۳	۳۲	۳۴
شنبه	نوزدهم	۳۰	۲۱	۱	۳۱	جدی	جوزا دو دو شمسی	نشاید	۷		۱	۱۴	۲	۵۳		۲۸	۴۹	۴۲	۲۱	۴۶	۳۲
یکشنبه	بیستم	۳۱	۲۲	۲	۱	دلو	جوزا شمسی / عید شعبان	صبح غرس اشجار بناء مساجد نیک	۱	۵۴	۲	۱۲	۸	۵۰	۵۴	۳۴	۵۰	۴۱	۱۹	۴۵	۳۰
دوشنبه	بیست و یکم	۱	۲۳	۳	۲	دلو	خرداد ماه باستانی	امور وقبل و خرید اراضی و املاک	۲	۵۴	۴	۱۰	۹	۴۲	۵۲	۲۴	۵۰	۳۹	۱۲		۲۹
سه‌شنبه	بیست و دوم	۲	۲۴	۴	۳	حوت		نشاید	۳	۵۲	۵	۹	۱۰	۴۵	۵۸	۲۲	۵۱	۳۲	۱۴	۴۵	۲۸
چهارشنبه	بیست و سوم	۳	۲۵	۵	۴	حوت		اکثر امور مهمه مناسبت	۳		۴	۷	۱۱	۴۳	۵۸	۲۱	۵۱	۴۰	۱۵	۳۴	۲۴
پنجشنبه	بیست و چهارم	۴	۲۶	۶	۵	حمل	آغاز گرما / آب سرد	نو بریدن و پوشیدن و خریدن دواب	۴		۸	۶	۱۲	۴۱	۵۹	۱۹	۵۲	۳۵	۱۴	۳۳	۲۴
جمعه	بیست و پنجم	۵	۲۷	۷	۶	حمل		امور گذشته	۴	۵۷	۹	۴	۱۳	۳۹	۹ ظهر	۱۸		۳۴	۱۲	۳۳	۲۲
شنبه	بیست و ششم	۶	۲۸	۸	۷	ثور		نیم ساعت بعد از ظهر اول شرف قمر	۵		۱۰	۸ ۲	۱۴	۳۸	۲ عصر	۱۷		۳۴	=	۳۲	۳۰
یکشنبه	بیست و هفتم	۷	۲۹	۹	۸	ثور	دیدن بالا مرغ بهار	هشت ساعت و ۷ دقیقه از شب ۲ شنبه تحت الشعاع	۴		=	۷ ۱		۳۲	۲ عصر	۱۴	۵۲	۳۲	۹	۳۲	۱۸
دوشنبه	بیست و هشتم	۸	۳۰	۱۰	۹	جوزا	طلوع بطین	امور نهانی	۴		۱۳	۲۴ ۵ ۹		۳۴	۲ عصر	۱۵	۵	۳۴	۸	۳۱	۱۲
سه‌شنبه	بیست و نهم	۹	۳۱	۱۱	۱۰	جوزا		۱۹ دقیقه ۳ از شب چهارشنبه خروج الشعاع میشود	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
								مسلخ ندارد													

هو العالم اوضاع نجومی در اینماه دلالت نماید بر تغییر و انقلاب هوا و باد و بارندگی در بعض نقاط و فساد نباتات و اشجار در بعض بلاد و رنج و زحمت مردم از اندیشه های فاسده و ظهور پاره اسرار و گرفتاری مردم مفسد و وقوع حادثه و پیشرفت مسلمین در بعض نواحی و توجه بزرگان بعلوم و صنایع و بروز ناخوشیهای

مواضع سیارات روز غره	عطارد	زهره	مشتری	مریخ	زحل	اورانوس	نپتون
	جوزا ۲۴ درجه	سرطان ۲۳ درجه	حوت ۲۹ درجه	سرطان ۲۷ درجه	قوس ۴ درجه	حمل ۳ درجه	اسد ۲۴ درجه

ذیحجه ۱۳۴۵

هلال اینماه پنجشنبه چهارم مرداد رؤیت نماید

ایام هفته	ماه عربی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مواضع قمر	متفرقات	ذیحجه ۱۳۴۵	طهران
چهارشنبه	غره	۱۰	۱	۱۲	۱۱	جدی	اول ایام معلومات — ذیقعده فرنگی — اول ربیع الثانی	تجدید لباس ابتداء تعلیم از شیر گرفتن	[illegible]
پنجشنبه	دوم	۱۱	۲	۱۳	۱۲	جدی		اعزام رسول روان کردن آب در انهار	۸ ۵۸ ۱۵ ۵۶ ۱۵ ۳۱ ۲ ۱۲ ۵۴ ۲۸ ۵ ۳۰ ۱۲
جمعه	سیم	۱۲	۳	۱۴	۱۳	دلو	لیلة الجمعه یکشنبه رؤیت نیکست	صبح امور عشقی و تجارتی و بدایه سپردن	۸ ۱۴ ۵۵ ۱۵ ۳۰ ۱۱ ۵۵ ۳۲ ۳ ۲۹ ۱۱
شنبه	چهارم	۱۳	۴	۱۵	۱۴	حوت	تحویل عطارد در سرطان	نقل مکان عقد نکاح فصد خسته	۹ ۱۲ ۵۴ ۱۴ ۲۹ ۳ ۱۰ ۴۴ ۳ ۲۹ ۱۰
یکشنبه	پنجم	۱۴	۵	۱۶	۱۵	حوت	با نکوت عرب	امور قبل فرزند بدایه سپردن	۱۸ ۵۳ ۱۴ ۲۸ ۳ ۹ ۳۵ ۳ ۲۸ ۹
دوشنبه	ششم	۱۵	۴	۱۷	۱۶	حمل	انتزاع الفصلین — تحویل مشتری بحمل	بناء ابنیه مسافرت مشارکت	۹ ۱۹ ۵۴ ۱۲ ۳۲ ۴ ۸ ۵۵ ۳۴ ۱ ۲۸ ۸
سه شنبه	هفتم	۱۶	۷	۱۸	۱۷		شهادت امام محمد باقر ۱۱۴ — تحویل مریخ باسد	نشاید	۱۰ ۵۸ ۳۰ ۵۱ ۱۸ ۲۵ ۷ ۵۶ ۳۳ عقرب ۳۲ ۷
چهارشنبه	هشتم	۱۷	۸	۱۹	۱۸	حمل	ترویه — تحویل زهره باسد	ابتدا تعلیم و رو بکشتی امور تجارتی	۱۰ ۵۹ ۳۰ ۵۰ ۱۸ ۲۴ ۴ ۴ ۵۲ ۳۲ ۲ عقرب ۵۹ ۳۲ ۶ عقرب
پنجشنبه	نهم	۱۸	۹	۲۰	۱۹	میزان	عرفه	مناظره و مباحثه و هدیه فرستادن	۱۱ ۳۱ ۴۹ ۲۳ ۵ ۳۲ ۵۸ ۳۴ ۵
جمعه	دهم	۱۹	۱۰	۲۱	۲۰	میزان	آخر ایام معلومات — قران زهره و مریخ	عید اضحی	۳۱ ۴۸ ۳۲ ۳۱ ۵۲ ۴
شنبه	یازدهم	۲۰	۱۱	۲۲	۲۱	عقرب	اول ایام تشریق	۹ ق قبل از طلوع آفتاب قمر داخل عقرب میشود	۳۲ ۴۷ ۱۸ ۳۱ ۴ ۵ ۳۱ ۵۴ ۴
یکشنبه	دوازدهم	۲۱	۱۲	۲۳	۲۲		طلوع ثریا	بذر افشاندن نیک	۱۱ ۳۳ ۴۶ ۱۹ ۳۰ ۵ ۴ ۳۰ ۵۵ ۳۴ ۳
دوشنبه	سیزدهم	۲۲	۱۳	۲۴	۲۳	عقرب	آخر ایام تشریق	۳ عت و ۳۵ ق بغروب مانده قمر از برج عقرب خارج میشود	۱۲ ۳۳ ۴۵ ۱۹ ۴ ۵۷ ۵۴ ۲۵ ۱
سه شنبه	چهاردهم	۲۳	۱۴	۲۵	۲۴	قوس	اول چیزی بازمردم	سواری معالجه صید	۵۹ ۳۴ ۴۴ ۲۰ ۵۸ ۲۰ ۵۲ ۲
چهارشنبه	پانزدهم	۲۴	۱۵	۲۴	۲۵	قوس		عصر قمر از صورت عقرب خارج میشود	[illegible]

جداول فی المیراث لعلامة العصر و فهامة الدهر

مروج شریعة خاتم النبیین افضل

الفقها و اکمل المتبحرین الحاج

شیخ هادی دامت

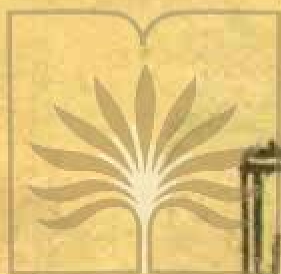
افاداته

وانا العبد الجانی الخاطی الفانی ابن علی اکبر ابو القاسم الجیلانی

قد طبعت فی دار الطباعة

طهران

بدستیاری استاد کامل ماهر فی امر الطباعة آقا میرزا حسن طهرانی حفظه الله ...۳۸



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله مالك الملك العلام والمكور للدهور والاعوام معلم آدم الاسما وموضح العطاء والآلاء
مرسل الرسول الاسعد محمد المحمود الاحمد كرم الله محله ورحمه الله واله الاحرار العلما والاطهار
الحكماء وكرم اولهم اسلاما واعلاهم علما وكلاما معلم معالم العلم ومعلم اعلام الحلم واهلك
اللهم اعدائهم وحسادهم واكرم محمدا واله وصل وسلم وورا حمد الله ومدح رسوله واله فان اعلى
ما طلب عطايا الاعمار واولى ما فني في تحصيله الكنوز والاخطار وانضي ركاب الطلب في الوصول الى رباعه
وصرف جلائل الاموال بكفه وذراعه ولم يرد عليه في كل عصر الا واحدا بعد واحد وبذا بعد ساعد و
غدا بعد ذا اعظم المطلوب واجل المساعد العلم بالاحكام الشرعية والمباحث الفقهية الفرعية فيا له من علم به
يحصل احياء مراسم الدين والاعلام بسنن سيد المرسلين فهي السعادة التي اعطيها الله عباده وعز
بها بلاده فبزوغ بدوره وشروق اذياله وصدوره كادت ان تغلب شمس المعرفة لو لم تكن باكتساب لنوره فيها
معرفة فقدره والحمد لله كل يوم في سمو ومرتبته والشكر له كل آن في علو فهو كشجرة طيبة اصلها ثابت وفرعها
في السما تؤتي اكلها كل حين باذن ربها والله قد ضرب لا افل لنوره مثلا عن المصباح والنبراس
فليس علما من جميع العلوم من المرسوم وغير المرسوم جامعا بين مراضي الخالق ومقاصد الخلائق الا
هذا العلم فهو علم الحلال والحرام وبه تعرف شرايع الاسلام ونظام الحدود والاحكام فلهذا بادر
علماء الامصار في جميع الاعصار في جمع شتاته وتبيين نكاته فصنفوا ما فيه ايضاح لقواعده وارشاد الى مقاصده
من مبسوط تجاوز النهاية في ابراز السرائر ومهذب فيه تهذيب بحر الخلاف في البصائر ومن مصباح كاف كالا مقنعة
فيه ما للمدينة العلم ومقباس شاف للامصار للمدارك مختلف الحكم وجواهر مضيئة لمن لا يحضره الفقيه من النجر

المذابر

المئاب ومعتبرة هي تذكرة وذكرى لاولي الالباب ومراسم لعالمه هي منتهى المطلب عن كل باب والمعتبر للسلوك الى
روض الجنان في يوم الحساب فمضى على ذلك دهور وادوار وقضى على ذلك قرون واعصار حتى وصلت النوبة
الينا ودارت رحى الفقاهة علينا فوافيناه وقد حلت رباعه وقصرت باعه وولى الناس عن طلبه مدبرين
فماذا بعد الحق الا الضلال المبين وكنا برهة من الايام في التلهف وجملة من الاعوام في التاسف الى ان وصل الينا
اجزاء في هذه الصناعة وجملة من هذه البضاعة فيما اشكل على الحاضر والباد واستصعب فيه طريق الرشاد
من جناب الفضل والكمال والفقاهة والافضال الذي سبق على اقرانه علامة عصره واوانه كنز المعالي ذي الكعب
العالي خلاصة الدهر واهله وغيث الزمان بعد محله علامة علم من ليس يوصفه طريق لا فلم سبحان
بارية الهادي لمن ضل في بيداء الجهل ويا حبذا من اسم يطابق المسمى ولفظ طبق المعنى ولعمرك لولا
ما سبق لابن السعيد من الاشتهار بالسعادة ولابن المكي بالشهادة لرايته وقد ثنى له الوسادة وجلس
للافادة غير متوقف في معنى هيني ولا خارجا من معنى وقد بقي منه شي وقد ادعى ان ليس في الناس مثله
فلا انكر او كذبا في بواحد ادام الله ظلاله على رؤس الانام وسلمه من جميع الشرور والالام بمحمد واله عليهم
السلام وكان من جملة تلك الاجزاء والرسائل والمباحث والمسائل جزء في الفرايض لا باسط فيها ولا قابض
نحرره بحيث كادت يعمل بما فيها حتى ان يرث الله الارض ومن عليها فكشف بعض الغموم منظره وازال بعض الهموم
مخبره واراحنا من التعب وخلصنا من النصب فحمدناه بعد ما طال عناه وشكرناه عند ما غاب ناه فقد
والله وسعنا من فضله ما لا يسعنا جهله فرايت ان اربعه واصححه واطبعه مع مواخاتي للالام وحوادث
مضافاتي الايام وانتياب نوب السود واقتراب يوم الموعود فوفقني الله
لتحصيل هذا الثواب لاهداء النفع على الطلاب
والى الله المرجع والمئاب والحمد لله
وصلواته على نبيه واله
واصحابه



يوجب الارث امران نسب وسبب فالنسب اتصال احد الشخصين الى اخر بانتهاء احدهما الى الاخر او بانتهائهما الى ثالث على وجه شرعي صدق اسم النسب عرفا
وعدم انتفائه شرعا ومراتبه ثلثة

المرتبة الثالثة الاعمام والاخوال واولادهم	المرتبة الثانية من الانساب الاخوة واولادهم والاجداد	المرتبة الاولى من النسب الابوان والاولاد
اذا لم يكن احد من المرتبة الاولى والثانية كان الارث للاعمام للميت والاخوال فان لم يكن احد من الفريقين فلاولادهم ثم لاولاد الاولاد وهكذا ويأخذ كل منهم نصيب من يتقرب به ولا يرث ابعد مع اقرب الا في ابن عم للابوين مع عم للاب فالميراث لابن العم دون العم اجماعا والذكر والانثى من الاخوال في الاعمام واولادهم متساوون و في الاعمام للاب اولادهم الذكر ضعف الانثى مع فقد اعمام الميت واخواله من الطرفين واولادهم جميعا يرث اعمام الاب او الام واخوالهما ومع فقدهم جميعا يكون الارث لاولادهم ثم لاولاد اولادهم وهكذا فان فقدوا جميعا فالميراث لاعمام الاجداد واخوالهم ثم لاولادهم وهكذا يمنع الاقرب في كل طبقة الابعد منها وان لم يكن من قرابته ويرث الزوج والزوجة في جميع الطبقات نصيبهما الاعلى ولا يرث احد منهما من ذوي الاسباب مع احد الانساب وان بعد صح	لا يرثون مع وجود احد من الطبقة الاولى لاولاد وفعل ان الجنب بارث [unclear] الاجداد في بعض الفروض مع الابوين [unclear] الاجداد ولا يرث معهم احد من الثالثة ضعف نصيب الانثى [unclear] الزوج والزوجة ويقدم الاخ [unclear] وان كان من الانثى عند الزوج وان تعددوا وكانوا للابوين واحتمالا انفرادهم على اولادهم الاخ للابوين يرث مع وعن بعض اصحابنا ان ابن الاخ للابوين يرث مع الاخ وعن بعض السدس وهو نادر وكذا الاخ للام الثلث ان تعدد واحتمالا انثى للام يرث مع الابعد اللسبب عن الاخ وان كان [unclear] لاولاد الاخوة وان تعدد وكانوا للاب يقاسم اولادهم كان الاجداد الدنيا وان كان ابا انهم حاجبين لم وان كان ولادهم الاجداد العليا يقاسمون الاخوة وان كان منهم الاخوة ويأخذ كل من اولاد الاخ نصيب حاجبين لهم ويأخذ اولاد الاخ للام السدس وان تعدد ينفرد فلاولاد الاخ او الاخت للابوين وان كان ويأخذ اولاد الاخ [unclear] والنصف حكم الاولاد انثى نصيب من تقرب [unclear] الام يقسمون الثلث اما انهم والاجداد العليا للام [unclear] من طرف الابوين التسوية في الذكر [unclear] نصيب من تقرب به يتساوى للذكر والانثى من اولاد كلالة الام وكذا اجداد العليا للام كالكلالة والاجداد الدنيا ويتفاوتان من طرف الاب كذلك	لا يرث مع الاب او الام والاولاد وان نزلوا احد من الانساب ولا من الاسباب غير الزوج والزوجة الاولاد يرثون لا قرب ان كان انثى واحد يمنع الابعد وان كان ذكرا ضعفا ولا يحجب الابوان اولاد الاولاد كما لا يحجبون اباءهم خلافا للصدوق واولاد الاولاد يأخذ كل منهم نصيب من يتقرب به فابن البنت مع بنت الابن يأخذ الثلث ولها الثلثان وقال السيد مرتضى يقتسمون المال بينهم للذكر مثل حظ الانثيين وفي الشافي ينعكس الحكم والمشهور ان اولاد البنت يقتسمون بالتفاوت كاولاد الابن وقيل بل الذكر والانثى سواء كمن يتقرب الى الميت من طرف الام ومما انفرد به الامامية ان الولد الاكبر من الذكور من اولاد الصلب يحبى من تركة ابيه في الجملة فالمشهور انه يعطى مجانا ثيابه وخاتمه ومصحفه وسيفه وقيل بل بالقيمة وقيل اعطاء ذلك على وجه الاستحباب لا الاستحقاق وظاهر الاخبار يدفعهما وفي بعض الاخبار اضافة الدرع والرحل والراحلة والكتب والسلاح وهو ظاهر الصدوق والعمل بها هو نادر



الاسباب الموجبة للارث لغير الانساب امران زوجية وولاء واقسام الولاء ثلثة ولاء العتق وولاء تضمن الجريرة وولاء الامامة

من اسباب الارث الزوجية	المرتبة الاولى من الولاء ولاء المنعم بالعتق ومن يقوم مقامه	المرتبة الثانية من مراتب الولاء ولاء ضامن الجريرة
يرث كل من الزوجين صاحبه ان كان العقد دائما اجماعا او شرط الارث في عقد الانقطاع على المشهور وللزوج النصف مع عدم الولد وان نزل وللزوجة الربع كذلك ومعه له الربع ولها الثمن فان تعددت الزوجات اقتسمن الحصة بالسوية ولو تزوج ذو الاربع بخامسة بعد طلاق احدى الاربع ثم اشتبهت المطلقة بين الاربع فالمروي ان للخامسة ربع النصيب والباقي يقسم بين الباقي بالسوية وهو المشهور وقيل يقرع وقيل يوقف حتى يصطلحوا ويرث الزوجان مع كل سبب ونسب ولا ترث الزوجة خاصة من تربة الارض وتقوم الالات والابنية ويدفع اليها من قيمتها والمشهور اختصاص ذلك بغير ذات الولد ولو تزوج المريض ولم يدخل حتى مات من مرضه بطل العقد ولا مهر ولا ميراث في المشهور	اذا العتق السائبة ظاهرا فان كان لم من الاثنا ثان اعتق اختيارا انعتق عليه معتق وورثه لم يتبرأ من ضمان جريرته ولا انتقل تبرعا عن عوض من الشهود وفي ثبوت الولاء بمجرد فالمشتري الاشهاد في اعطائه ومع شرطه وعتق العبد بالاستيلاد والكتابة وغيرها الاشهاد العدم وكلاهما ولو شرط اومع اختيار التنكيل والمثلة ومع فقد المعتق حال الموت العتق العبد نفسه ان يجوز ان امطا او الذكور دون الاناث فهل يرثه اولاد المعتق امتزج ذو او انكان رجالا او ورثة كما ومع ان كان المعتق فان فقد المعتق عصبته ثم او العصبة ممطرا اقوال فان فقد ولم يباشر عتقه كذلك ثم معتقه كذلك ثم لو ورثته كما ذكر فان احد كان الولاء لمعتق الاب ثم لو عدم من الاب عن الادنى لم يكن لبيت معتق فلمعتق جده ان لم يكن للجد الادنى على الاقرب ثم لو ورثته كذلك فان لم يكن وهكذا معتق فلمعتق الجد الاعلى ثم لو ورثته لا اقل فان لم يكن له معتق من طرف الاب صلة وينجر الولاء فلمعتق الام ثم لو ورثته كذلك وينجر الجد او من معتق الاب الى معتق على وقيل ثم ينجر منه الى معتق الاب كذا من معتق الجد الاعلى الى الادنى وهكذا من معتق الجد للام الى معتق الام وفي كلمات بعض الاصحاب مع فقد موالي الاب عصبتهم ينتقل الولاء الى عصبات موالي الاب لم يعلم وجهه بناء على ان الولاء يورث والمشهور انه يورث بل انه يورث جنس المنعم بالعتق	من كان حر الاصل ولم يكن له وارث نسبي ولا معتقا عتقا لا يوجب الولاء كان له ان يتوالى من شاء بعقد ضمان الجريرة فيضمن الضامن جريرة المضمون ويرثه دون العكس الا ان يشترط العقد بينهما اذا كانا معا لا وارث لهما من نسب ولا ولاء معتق والمشهور عدم اشتراط الاشهاد في صحة العقد المزبور وان اعتبر في ثبوته عند الحاكم ولا يتعدى ولاء ضمان الجريرة الى ورثة الضامن وفي تحقق الضمان من اثنين لواحد اشكال ويجوز من واحد لاكثر من واحد وهو من العقود اللازمة في ظاهر المشهور لا يجوز لاحدهما فسخه ولو وجد وارث نسبي او معتق بطل عقد الضمان ظاهرا فان فقد الوارث فهل يرث الضامن وينكشف عدم الانفساخ او يحتاج الى تجديد العقد والا ورث الامام ع وجهان والوجهان اتيان فيما اذا كان الوارث موجودا حال العقد ثم فقد واولى بالمنع ويرث الزوجان نصيبهما الاعلى مع الضامن والباقي له ٥٥٥٥

معتق

العقد

الموانع من الارث والحاجب لعله يزيد على عشرين وهي امور بعضها مجمع عليه وبعضها مشهور

رتبة الثالثة من الموالاة ولاء الامامة

انما يكون للميت وارث اصلا الا الامام
ولا يسبى دين الامام ع في المشهور وقيل
فينتقل الى بيت المال كما هو مسلك من
العامة وهو ضعيف شاذ وكذا لو لم يعلم
للمولى وارث وان كان مستصحب
الحيوة لكن الظاهر وجوب الاستعلام
فان يئس منه بعد الاجتهاد يحسب القاضي
دفع الى الامام ثم ان تبين بعد ذلك وارث
او اخبر منه رد اليه ثم ان كان الامام
حاضرا دفع اليه الميراث يصنع به
ما شاء وان كان غائبا قيل يجب
صرفه الى فقراء بلد الميت كما كان
يصنع امير المؤمنين ع وقيل الى
مطلق الفقراء وربما احتمل
جواز التصرف فيه لكل احد
كغيره من الانفال وقيل يجب حفظه
له ع وعلى الاقوال الثلثة فالظاهر
وجوب دفعه الى الحاكم الشرعي
ولا يجوز ان يتولى من بيده صرفه
وقد يظهر من بعضهم عدم وجوب
التسليم على القول الثالث
وعلى كل حال لا يجوز دفعه
الى السلطان الجور اختيارا والا
ضمن ولو اكره فلا ضمان ويرث
الزوج والزوجة مع الامام نصيبهما
الا على قول في الرد عليهما ما سياتي

حين موته — الامام (هامش)

١ — الكفر مانع من الارث اجماعا

بكل انواعه
يمنع من الارث سواء كان
كان او عارضا اصليا او مسلما بل الارث
المورث كافرا وان كان ضامن جريرة
المسلم من الورثة وان كان المورث كافرا
او اماما الا اذا كان المورث مسلما سوى الامام
اصليا ولا وارث مسلم سوى الامام ع والكافر
فيرثه الكافر دون الامام ع والملل
يتوارثون وان اختلفوا في المعتقد
وقيل المرتد يرثه الاصلي وان اختلفوا
والمسلمون يتوارثون ولا عكس
وقيل يرث المحق المبتدع
ولا يمنع الكافر المسلم المتقرب اذا كان
الميت كولد الولد الكافر ويرث
مسلما ولو اسلم قبل القسمة
لا مع اتحاد الوارث او بعدها
ولو كان الوارث الامام فالمروي
ارث من اسلم وقيل كالوارث
المتحد وقيل النقل الى بيت المال
بمنزلة القسمة ولو ادعى سبق الاسلام
لم يقبل عند الاشتباه مطلقا
الشرع وقيل ان كان وقت الاسلام
معلوما واختلف في تاخر الموت
عنه وتقدمه قدم قول مدعي
التاخر وفيه اشكال

٢ — الرق مانع من الارث اجماعا

الرق مانع في الوارث
والمورث فلا يرث
الرقيق نسيبا ولا سببا بل الارث
الوارث محجوب وان كان ضامن جريرة ولو لم
يكن للمعتق الا الامام اشترى الرقيق من التركة واعتق
وورث الباقي ثم لا خلاف فيه في الابوين
وفي الاولاد لا خلاف وضعف في غيرهم
من الاقارب قولان وكذا في الزوج
الزوجة بعد عتق بعض الرق في العتق والضامن
فان [illegible] بعد تحرير وارث المعتق
فلا عكس [illegible] على مذهبنا والشارح
الغاية ما يكون مع وفاء التركة والا
بقى ولو اعتق المملوك بعد القسمة
او مع الوارث الواحد لم يرث الا
ولو كان الوارث الامام فالظاهر حرمان
الخلاف السابق والمدبر وام الولد
والمكاتب الذي لم يعتق منه شيء كالقن
ولو كان مدبرا المورث وام الولد
لعتق المنعتق والمبعض يرث بالنسبة
وذو الباقي عليه كذا في الفرض
ويحجب والمبعض خلاف

٣ — القتل مانع من الارث في الجملة اجماعا

لا خلاف في ان الوارث يمنع من الارث
اذا كان قاتلا عمدا ظلما كما لا خلاف
في عدم منعه اذا كان بحق وفي
الخطا اقوال ثالثها منعه من الدية
خاصة وفي الحاق شبه العمد به او
بالخطا قولان والمشهور عدم الفرق بين
السبب والمباشر وان قتل الصبي و
المجنون مبني على كون فعلهما او
عمدهما خطا ولا يمنع بالقاتل من يتقرب
به فيرث ولد القاتل جده وان
منع ابوه والدية بحكم مال المقتول
يقضى منها ديونه ثم وصاياه
ثم يورث كغيرها وفي بعض الاخبار
لا يرثها الاخوة من الام ولذلك
منع منها المتقرب بالام كثير من
الاصحاب واقتصر بعضهم على مورد
النص وللتوقف مجال ويرثها
الزوجان ولا يرثان القصاص
فان صولح في العمد على الدية
ورثا منها نصيبهما ولو جني على
الميت اخذ الدية من الجاني على
ما قرر في محله ولا يرثها الوارث
بل يصرف في وجوه القرب للميت
وفي جواز قضاء ديونه منها ولو لم
تف التركة وكذا وصاياه لو
لم يف الثلث ولم يجز الوارث
وجهان

٤

الحمل مانع من الارث ظاهراً اجماعاً

لا يرث الحامل الا اذا انفصل حياً فان انفصل حياً حكم بارثه من حين الموت وان كان نطفة وكذا الحكم في الوصية له والمعتبر المحقق للحيواة ولو بالحركة البينة التي لا تصدر الا من الاحياء دون التقلص الطبيعي ولا يعتبر الاستهلال والروايات به محمولة على التقية والقول به شاذ ويعتبر حيواته بعد تمام الولادة فلو خرج بعضه حياً وبعضه ميتاً لم يرث ويعزل للحمل نصيب ذكرين لندرة الزائد فمع تبين الخلاف يسترد الزائد ويعطى ذو الفرض معه نصيبهما الادنى والابوان السدسان ولو ادعت ام الحمل ففي تصديقها بعزل نصيب الحمل لو لم يرض الورثة اشكال فان صدقناها فان كذبوها ففي تحليفها اشكال لعل اقربه العدم ولو اتت به لاكثر من اقصى الحمل من حين الوطي لم يرث وان خلت عن الزوج والمولى ولا اقل من اقل الحمل يرث وان كان لها زوج او مولى وطيها وجوه ثالثها التفصيل بين الخالية عنهما وغيرها ويرث دية الحمل لو اسقط ابواه وانا قاتل لاب وفي قاتل الام ما تقدم

٥

الغيبة المنقطعة مانعة في الجملة ظاهراً اجماعاً

الغائب غيبة منقطعة لا يقسم ماله بين ورثته بمجرد الانقطاع والمشهور انه ينتظر مدة لا يعيش مثله عادة اليها فاذا انقضت حكم بموته وورثه ورثته الموجودون حال الحكم وعن ابن الجنيد يورث بعد اربع سنين من كان في عسكر شهرت هزيمته وبعد عشر سنين من انقطع خبره او ايس منه وعن المرتضى والصدوق والحلبي يحبس ماله اربع سنين ويطلب في كل ارض فان لم يوجد قسم بين ورثته وعن المفيد انه يباع عقاره بعد عشر سنين اذا انقطع خبره ولو عزل ميراث الولد الغائب من ابيه وطالت المدة جاز لوارث ابيه اقتسامه مع الملائة ويضمنون ولو مات له قريب عزل نصيبه في المشهور وربما احتمل عدم العزل وهو ضعيف وحيث يعزل فان تبين حالة الحيواة او سبق موته فذاك والا كان لورثة الميت الموجودين حال الموت ويظهر من كثير ان للمعزول حكم مال الغائب وان استمر الاشتباه وهو ضعيف فلاحظ

الحواجب

الحاجب مانع من الارث اجماعاً

الحجب على قسمين حجب عن تمام الارث وحجب عن بعضه فالاول كما في كل طبقة بالنسبة الى من تأخر عنه ومن ينتسب الى الميت من الطرفين بالنسبة الى من ينفرد بنسبه من طرف الاب خاصة والثاني على قسمين اما حجب عن بعض مشاع او عن بعض معين من التركة فالاول على قسمين لان الحاجب اما ان يكون وارثاً لما يحجب عنه اولا فالاول الاولاد وان نزلوا فانهم يحجبون الابوين عما زاد عن السدس الا على سبيل الرد والزوجين عن النصيب الاعلى الى النصيب الادنى والثاني الاخوة للاب اذا كانوا ذكرين او اربع اناث او خنثى او ذكر وانثيين او خنثيين فصاعداً مع وجود الاب وانتفاء موانع الارث من الكفر والرق والقتل فانهم يحجبون الام عما زاد على السدس وان كان رداً واشترط بعضهم كونهم منفصلين لا حملا وفي بعض المغايرة للام واما الحجب عن بعض معين فالمحبو يحجب غيره عن الحبوة والزوجة ذات الولد يحجب غير ذات الولد عن تربة الارض واعيان الالات والابنية وغيرها من الورثة يحجبها مطلقاً عن ذلك على اختلاف القولين

٧
الحقوق المانعة من الارث اجماعا

اول ما يخرج من التركة الحقوق المتعلقة باعيان التركة كالزكواة والخمس والرهن والضمان المشروط دعين مخصوصه وحق الجناية والنذر المتعلق بالاعيان وكذا المحلوف عليه و المعاهد عليه ومتعلق الحباء والشفعة ومن ذلك حق الزوجة في السكنى من المسكن الذي هي ساكنة فيه حيث يستحقه في ظاهر الاصحاب وهذه القران بعد سوقه ونحو ذلك ثم يخرج منها الكفن وسائر ما يتوقف عليه التجهيز فيما عدا الزوجة وفي تقدم حق الزوجة من السكنى على ذلك نظر ثم يخرج منها الحقوق المتعلقة بذمة الميت حال الحيوة او بعدها مع سبق سببه كالدين والنذر المتعلق بالذمة والكفارات والحج وهذه مقدمة على الوصايا من الثلث بلا اشكال ...

ان لم يجز الورثة والا فمن الاصل ... بالعين والا ففي القسم الاول ان تعلقت بالثلث ... من الاصل على القول الاخر ... على الوصية بل على الديون ... الوقف المتعلق بعد الموت ... فلا يصدق عليه ما ترك الميت حتى يقال ان الوقف مانع بناء على ان الملك فيه مع عدم زمان الموت وان قلنا ان الملك دائم وانما ينتقل من الموقوف عليه الى البطن الثاني لاشتراط الواقف كل فانه يصدق انه ترك ولم ينتقل لاشتراط الواقف فلاحظ

٨
شرط الارث تحقق وجود الوارث حين موت المورث اجماعا

ولو تحقق موت المتوارثين او احدهما ... او الجهل بالسبق اجماعا ولو علم ... مانع من الارث التساقط قطعا ... السبق واشتبه الاصل فيهما وان خالف ... كان عدم الاعلم بحكم الاصل ... لتعذر ويحتمل القرعة وقد ثبت التوارث ... والمهدوم عليهم اذا جهل سبق موت احدهما ... بالاقتران اجماعا بشرط التوارث من الطرفين ... يكون لهما او لاحدهما مال وحيث يتحقق التوارث ... ينتقل ارث كل منهما من صاحبه الى ورثة الموجودين ... ولا يرث كل منهما مما ورث منه الاخر في الاول ... وقيل يرث وفي وجوب تقديم الاضعف في الارث ... او استحبابه قولان اشهرهما الثاني فان قلنا ... الوجوب ... ورث منه الاخر ...

اطلاق الفتوى في الغرقى والمهدوم عليهم يشمل صورة اشتباه السابق مع العلم بالسبق ويحتمل فيه القرعة وانتفاء الارث على الوجهين اقتصارا على المتيقن وفي جريان حكمهما فيما اذا كان بسبب غيرهما قولان اشهرهما العدم وقوفا على مورد النص والاجماع اما مع خفة الانف فلا اجماعا

٩
اللعان والزنا مانعان من الارث اجماعا

اما اللعان فهو يوجب انفساخ العقد بين الزوجين وانتفاء نسب الولد المنفي عن الاب فلا يرث احدهما الاخر ولا اقارب الاخر ولا اقاربه وترثه امه وولده والزوج او الزوجة ومن يتقرب اليه بالام وهو يرثهم وقيل لا يرثه اخواله الا ان يعترف الاب ولو لم يكن له ولد كان الثلث للام بالفرض والباقي ردا بعد نصيب الزوجة ان كان وفي رد الباقي الثلث والباقي للامام ع و عن الشيخ وابن الجنيد العمل بها مع عدم عصبة الام وعن الصدوق العمل بها حال حضوره ع خاصة والمشهور الاول ولو اكذب الاب نفسه في اللعان واعترف به ورثه الولد ولا يرثه الاب والمشهور عدم التوارث بين الولد واقارب الاب وقيل يرثهم وقال الفاضل بالتوارث ان اعترفوا ...

... ولو كان ... له ... امه ... احد ... الامام ... وارث ... واذ ... ولد الزنا ... من الطرفين ...



فلاحظ

[illegible]

اهل المرتبة الاولى من الانساب وهم بحسب اختلافهم في الارث بالقرابة وبالفرض وفي مقدار الفروض خمسة اصناف ولا يرث

الاب	الام	البنت	البنات	الذكور من الاولاد مع الاناث وبدونهن	الزوج	الزوجة
المال له بالقرابة	لها ثلث المال بالفرض والباقي بالرد الفريضة من ثلثة	لها النصف بالفرض والباقي بالرد الفريضة من اثنين	لهن الثلثان بالفرض والباقي بالرد الفريضة لهن من عدد الرؤس	لهم المال بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين الفريضة من عدد السهام للانثى سهم وللذكر سهمان	له النصف بالفرض والباقي لغيره من الورثة في جميع المراتب الا مع الامام فله الرد عليه وقيل لا يرد بل النصف له والنصف للامام	لها الربع بالفرض والباقي لغيرها من الورثة في جميع المراتب حتى مع الامام على المشهور الفريضة من اربعة

صور اجتماع اهل المرتبة الاولى [illegible] معهم [illegible] فهي سبع عشر صورة

الابوان	الاب والبنت	الاب والبنات	الاب والاولاد الذكور مع الاناث وبدونهن	الاب والزوج	الاب والزوجة
فللام الثلث مع عدم الحاجب والسدس معه والباقي من الثلثين او الخمسة اسداس للاب	للاب السدس بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي يرد ارباعا الفريضة من اربعة	للاب السدس بالفرض وللبنات الثلثان كذلك والباقي يرد اخماسا اصل الفريضة خمسة	للاب السدس بالفرض والباقي للاولاد للذكر مثل حظ الانثيين اصل الفريضة ستة	للزوج النصف بالفرض والباقي للاب بالقرابة الفريضة من اثنين	للزوجة الربع بالفرض وان تعددت والباقي للاب بالقرابة اصل الفريضة اربعة
	الام والبنت	الام والبنات	الام والاولاد الذكور مع الاناث وبدونهن	الام والزوج	الام والزوجة
الفريضة على الاول من ثلاثة وعلى الثاني من ستة	كالاب والبنت الفريضة من اربعة	كالاب والبنات اصل الفريضة خمسة	كالاب والاولاد اصل الفريضة ستة	للزوج النصف بالفرض وللام الثلث كذلك والباقي رد عليها الفريضة من ستة وتصح من اثنين	للزوجة الربع بالفرض وان تعددت وللام الثلث كذلك والباقي رد على الام اصل الفريضة اربعة وتصح من اثنا عشر
الزوج والبنت	الزوج والبنات	الزوج والاولاد الذكور مع الاناث او بدونهن	الزوجة والبنت	الزوجة والبنات	الزوجة والاولاد الذكور مع الاناث وبدونهن
للزوج الربع بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي رد عليها ٤ الفريضة من اربعة	للزوج الربع بالفرض وللبنات الثلثان كذلك والباقي رد عليهن ١٢ اصل الفريضة اثني عشر	للزوج الربع بالفرض والباقي للاولاد للذكر مثل حظ الانثيين ٤ اصل الفريضة اربعة	للزوجة الثمن بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي رد على البنت ٨ الفريضة من ثمانية	للزوجة الثمن بالفرض وللبنات الثلثان كذلك والباقي رد على البنات ٢٤ الفريضة من اربعة وعشرين	للزوجة الثمن بالفرض والباقي للاولاد للذكر مثل حظ الانثيين ٨ اصل الفريضة ثمانية

صور اجتماع بعضهم مع بعض ثلاثية وهي سبع عشرة ايضا

	الأبوان مع البنت	الأبوان مع البنات	الأبوان مع أولاد الذكور مع الإناث أو بدونهن	الأبوان مع الزوج	الأبوان مع الزوجة
	لكل واحد من الأبوين السدس بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي يرد أخماسا مع عدم الحاجب للأم من الأخوة ومعه يرد على الأب والبنت أرباعا	لكل واحد من الأبوين السدس بالفرض وللبنات الثلثان كذلك بالفرض بينهن بالسوية	لكل واحد من الأبوين السدس بالفرض والباقي للأولاد للذكر مثل حظ الأنثيين	للزوج النصف بالفرض وللأم السدس مع الحاجب والثلث لا معه والباقي للأب على التفصيل	للزوجة الربع وإن تعدد بالفرض وللأم السدس مع الحاجب والثلث لا معه والباقي للأب
	الفريضة على الأب والبنت أربعة وعشرين وللأم خمسة	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ستة	الفريضة من ستة	اصل الفريضة اثنا عشر
الأب والزوج مع البنت	الأب والزوج مع البنات	الأب والزوج مع أولاد الذكور	الأب والزوجة مع البنت	الأب والزوجة مع البنات	الأب والزوجة مع أولاد الذكور
للزوج الربع وللأب السدس وللبنت النصف والباقي يرد على البنت والأب أرباعا	للزوج الربع وللأب السدس والباقي للبنات يرد عليهن النقص	للزوج الربع وللأب السدس والباقي للأولاد الذكور للذكر مثل حظ الأنثيين	للزوجة الثمن وللأب السدس وللبنت النصف والباقي يرد على البنت والأب أرباعا	للزوجة الثمن وللأب السدس وللبنات الثلثان والباقي يرد على الأب والبنات أخماسا	للزوجة الثمن بالفرض وللأب السدس كذلك والباقي للأولاد بالقرابة للذكر مثل حظ
الفريضة من ثمانية وأربعين	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة ستة وتسعون	اصل الفريضة مائة وعشرون	اصل الفريضة أربعة وعشرون
الأم والزوج مع البنت	الأم والزوج مع البنات	الأم والزوج مع الأولاد الذكور	الأم والزوجة مع البنت	الأم والزوجة مع البنات	الأم والزوجة مع الأولاد الذكور
الأم كالأب والزوج والبنت كما فصل	الأم كالأب والزوج والبنات كما فصل	الأم كالأب والزوج والأولاد كما فصل	الأم كالأب والزوجة والبنت كما فصل	الأم كالأب والزوجة والبنات كما فصل	الأم كالأب والزوجة مع الأولاد الذكور كما فصل
ثمانية وأربعين	اصل الفريضة اثنا عشر	الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة ستة وتسعون	اصل الفريضة مائة وعشرون	اصل الفريضة أربعة وعشرون

صور اجتماع بعضهم مع بعض رباعية وهي ست صور في ذلك الجدول

الأبوان والزوج مع البنت	الأبوان والزوج مع البنات	الأبوان والزوج مع الأولاد الذكور	الأبوان والزوجة مع البنت	الأبوان والزوجة مع البنات	الأبوان والزوجة مع الأولاد الذكور
للزوج الربع ولكل واحد من الأبوين السدس والباقي للبنت يرد عليها النقص	للزوج الربع وللأبوين السدسان والباقي للبنات يرد عليهن النقص	للزوج الربع بالفرض وللأبوين السدسان كذلك والباقي للأولاد بالقرابة للذكر كذا	للزوجة الثمن وللأبوين السدسان بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي يرد على الأبوين والبنت أخماسا مع عدم الحاجب للأم والا فأرباعا	للزوجة الثمن وللأبوين السدسان والباقي للبنات يرد عليهن النقص	للزوجة الثمن وللأبوين السدسان بالفرض والباقي للأولاد للذكر مثل حظ الأنثيين
الفريضة من اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة مع الحاجب ستة وتسعون ولا معه مائة وعشرون	اصل الفريضة أربعة وعشرون	اصل الفريضة أربعة وعشرون

اعلم ان كلالة الاب وحده لا يرث مع كلالة الابوين وانما يقومون مقامهم عند عدمهم ولا يمنع كلالة الام بشيء منهما الا في الرد فان كان في الفريضة رد لم يرد على كلالة الام مع وجود كلالة الابوين اما مع وجود كلالة الاب وحده ففي الرد على الجميع بالنسبة سهامهم او اختصاص كلالة الاب قولان مشهوران لا يخ ثانيهما من قوة واعلم ان من يرث من الكلالة بالفرض وهم الاخت المنفردة والاختان فصاعدا للابوين وللاب وكلالة الام مط انما يرثون كذا اذا لم يكن احد من الاجداد من ذلك الطرف فلو اجتمع مع الاخت والاخوات جد او جدة كان ارث الجميع بالقرابة لا بالفرض للذكر ضعف الانثى وكذا لو كان مع كلالة الام جد او جدة لها ورثوا جميعا بالقرابة لا بالفرض ولو كان مع كلالة الام الاجداد للاب فلكلالة السدس او الثلث بالفرض والباقي للاجداد من قبل الاب ولو كان مع الاخت او الاختين للاب فصاعدا الاجداد للام فلهن فرضهن وللاجداد للام الثلث فان كان رد كما اذا كان الوارث اختا واحدة مع الاجداد للام فان كانت الاخت للابوين فظ الاصحاب اختصاصها بالرد ولم اعثر على من احتمل سواه وان كانت للاب خاصة فظاهر المش ذلك ايضا واحتمل في عد الرد بالنسبة وربما يحتمل ايضا اختصاص الاجداد به لانهم يرثون بالقرابة ولا رد على الوارث بالفرض مع عدم وارث بالقرابة لكن هذا التعليل يقتضي عدم الرد على الاخت للابوين ايضا فلاحظ

اهل المرتبة الثانية من الانساب ومن يرث معهم من الاسباب وهم بحسب اختلافهم في ارث الام والارث بالفرض او القرابة وفي مقدار الفرض			
الاخت للاب مفردة	الاختان فصاعدا للاب	الذكور من اخوة الاب مع الاناث او بدونهن	كلالة الام المتحد
لها النصف بالفرض والنصف بالرد ولا تعصيب	لهن الثلثان بالفرض والباقي بالرد ولا تعصيب	لهم المال بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	له السدس بالفرض والباقي بالرد ولا تعصيب
الفريضة من اثنين	اصل الفريضة ثلثه وتمامها على الرؤس	الفريضة من عدد السهام للانثى سهم وللذكر سهمان	الفريضة من ستة

كلالة الام المتعدد	الاجداد للاب	الاجداد للام	الزوج	الزوجة
لهم الثلث بالفرض والباقي بالرد يقتسمونه بالسوية ولا تعصيب	يرثون بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	يرثون بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	له النصف والباقي كما سبق	لها الربع والباقي كما سبق
اصل الفريضة ثلثه وتمامها من عدد الرؤس	الفريضة من عدد السهام	الفريضة من عدد الرؤس	الفريضة من اثنين	الفريضة من اربعة



صور اجتماع اهل المرتبة الثانية من الانساب بجميعهم من الاسباب ثنائية وهي احدى وثلثون صورة

الزوج مع الاخت للاب	الزوج مع الاخوات للاب	الزوج مع الاخوة للاب	الزوجة مع الاخت للاب	الزوجة مع الاخوات للاب	الزوجة مع الاخوة للاب
له النصف بالفرض و لها النصف كذلك	له النصف ولهن الباقي يرد عليهن النقص ولا عول	للزوج النصف بالفرض وللاخوة الباقي بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع بالفرض وللاخت النصف كذلك والباقي رد على الاخت	للزوجة الربع بالفرض وللاخوات الثلثان كذلك والباقي رد على الاخوات	للزوجة الربع بالفرض والباقي للاخوة بالقرابة للذكر مثل حظ اه
الفريضة من اثنين	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة اثنان	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اربعة
كلالة الام المتحد مع الاخت للاب	كلالة الام المتحد مع الاخوات للاب	كلالة الام المتحد مع الاخوة للاب	كلالة الام المتعدد مع الاخت للاب	كلالة الام المتعدد مع الاخوات للاب	كلالة الام المتعدد مع الاخوة للاب
للكلالة السدس بالفرض وللاخت النصف كذلك فان كان للابوين رد الباقي عليها والا ففي الرد عليها او عليهما بالنسبة قولان	للكلالة السدس بالفرض وللاخوات الثلثان كذلك والباقي للاخوات ان كن للابوين والا ففيه القولان	للكلالة السدس بالفرض والباقي للاخوة بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	للكلالة الثلث بينهم بالسوية وللاخت النصف بالفرض والباقي رد عليها ان كانت للابوين والا ففيه القولان	للكلالة الثلث بينهم بالسوية وللاخوات الثلثان	للكلالة الثلث بالفرض بينهم بالسوية وللاخوة الثلثان بالقرابة للذكر اه
اصل الفريضة ثلثة	اصل الفريضة ستة وتصح على القول الثالث من خمسة	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ستة وتصح على الثالث من [illegible]	اصل الفريضة ثلاثة	اصل الفريضة ثلاثة
الاجداد للاب مع الاجداد للام	الاجداد للاب مع الاخت للاب	الاجداد للاب مع الاخوات للاب	الاجداد للاب مع الاخوة للاب	الاجداد للاب مع كلالة الام المتحد	الاجداد للاب مع كلالة الام المتعدد
ثلث المال للاجداد للام بالسوية وثلثاه للاجداد للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا	المال لهم بالقرابة للذكر مثل حظ اه	المال لهم بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	المال لهم بالقرابة للذكر مثل حظ اه	للكلالة السدس والباقي للاجداد بالتفاوت	للكلالة الثلث بالسوية والباقي للاجداد بالتفاوت
اصل الفريضة ثلثة	الفريضة من عدد السهام	الفريضة من عدد السهام	الفريضة من عدد السهام	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ثلثة
الزوج مع جد للاب	الزوج مع كلالة الام المتحد	الزوج مع كلالة الام المتعدد	الزوجة مع جد للاب	الزوجة مع كلالة الام المتحد	الزوجة مع كلالة الام المتعدد
للزوج النصف بالفرض والباقي للاجداد بالقرابة بالتفاوت	للزوج النصف وللكلالة السدس بالفرض والباقي رد على الكلالة	للزوج النصف وللكلالة الثلث بالسوية والباقي رد على الكلالة	للزوجة الربع بالفرض والباقي للاجداد بالقرابة فان تعددوا فللذكر اه	للزوجة الربع بالفرض والباقي للاجداد بالقرابة وللكلالة السدس كذلك والباقي رد عليه	للزوجة الربع بالفرض وللكلالة الثلث بالسوية والباقي رد على الكلالة
اصل الفريضة اثنان	الفريضة من ستة	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة اثنا عشر

الاجداد للام مع الزوج	الاجداد للام مع الزوجة	الاجداد للام مع الاخت للاب	الاجداد للام مع الاخوات للاب	الاجداد للام مع الاخوة للاب	الاجداد للام مع كلالة الام المتحد	الاجداد للام مع كلالة الام المتعدد
للزوج النصف والباقي للاجداد للام بالسوية	للزوج الربع والباقي للاجداد للام بالسوية	للاجداد الثلث بالسوية وللاخت النصف فرضا والباقي رد عليها ان كانت للابوين وفي غيره خلاف بين الاصحاب وان كانت للاب وحده كان على القول الثالث واحتمل الرد بالنسبة	للاجداد الثلث بالسوية وللاخوات الثلثان كذلك	للاجداد الثلث بالسوية وللاخوة الثلثان للذكر مثل اه	المال لهم بالقرابة بالسوية	المال لهم بالقرابة بالسوية
اصل الفريضة اثنان	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ثلثة	اصل الفريضة ثلثة	الفريضة من عدد الرؤوس	الفريضة من عدد الرؤوس

صور اجتماع اهل المرتبة الثانية من الانساب ومن يرث معهم من الاسباب ثلاثة وهي احدى وخمسون صورة

الاجداد من الطرفين مع الزوج	الاجداد للابوين والكلالة المتحد مع الاخت	الاجداد للابوين والكلالة المتحد مع الاختين فصاعدا	الاجداد للابوين والكلالة المتحد مع الاخوة	الاجداد للابوين والكلالة المتعدد مع الاخت	الاجداد للابوين والكلالة المتعدد مع الاختين فصاعدا	الاجداد للابوين والكلالة المتعدد مع الاخوة
للزوج النصف وللاجداد للام الثلث بالسوية والباقي للاجداد للاب للذكر مثل حظ الانثيين	سدس المال للكلالة والباقي لقرابة الابوين الاجداد والاخت للذكر مثل حظ الانثيين	سدس المال للكلالة والباقي لقرابة الابوين الاجداد والاخوات للذكر مثل حظ الانثيين	سدس المال للكلالة والباقي للاجداد والاخوة للذكر مثل حظ الانثيين	ثلث المال للكلالة بالسوية وثلثاه للاجداد والاخت بالتفاوت	ثلث المال للكلالة بالسوية وثلثاه للاجداد والاخوات بالتفاوت	ثلث المال للكلالة بالسوية وثلثاه للاجداد والاخوة للذكر مثل حظ الانثيين
اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ثلثة	اصل الفريضة ثلثة	اصل الفريضة ثلثة
الاجداد من الطرفين مع الزوجة	الاجداد للام والكلالة المتحد مع الاخت	الاجداد للام والكلالة المتحد مع الاختين فصاعدا	الاجداد للام والكلالة المتحد مع الاخوة	الاجداد للام والكلالة المتعدد مع الاخت	الاجداد للام والكلالة المتعدد مع الاختين فصاعدا	الاجداد للام والكلالة المتعدد مع الاخوة
للزوجة الربع وللاجداد للام الثلث بالسوية والباقي للاجداد للاب بالتفاوت	ثلث المال للاجداد والكلالة بينهم بالسوية والباقي للاخت	ثلث المال لقرابة الام بالسوية والباقي للاخوات	ثلث المال لقرابة الام بالسوية والباقي للاخوة بالتفاوت	للاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخت	للاجداد والكلالة الثلث بينهم بالسوية والثلثان للاخوات	للاجداد والكلالة الثلث بينهم بالسوية والباقي للاخوة بالتفاوت
اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ثلثة	اصل الفريضة ثلثة	اصل الفريضة ثلثة	اصل الفريضة ثلثة	اصل الفريضة ثلثة
الاجداد من الطرفين مع الكلالة المتحد	الزوج والكلالة المتحد مع الاخت	الزوج والكلالة المتحد مع الاختين فصاعدا	الزوج والكلالة المتحد مع الاخوة	الزوج والكلالة المتعدد مع الاخت	الزوج والكلالة المتعدد مع الاختين فصاعدا	الزوج والكلالة المتعدد مع الاخوة
ثلث المال لقرابة الام من الاجداد والكلالة بالسوية وثلثاه للاجداد للاب بالتفاوت	للزوج النصف وللكلالة السدس والباقي للاخت يرد عليها النقص	للزوج النصف وللكلالة السدس والباقي للاخوات يرد عليهن النقص	للزوج النصف وللكلالة السدس والباقي للاخوة للذكر مثل حظ الانثيين	للزوج النصف وللكلالة الثلث بينهم بالسوية والباقي للاخت يرد عليها النقص	للزوج النصف وللكلالة الثلث بينهم بالسوية والباقي للاخوات يرد عليهن النقص	للزوج النصف وللكلالة الثلث بينهم بالسوية والباقي للاخوة بالتفاوت
	اصل الفريضة ستة	ستة	ستة	ستة	ستة	ستة
	الزوجة والكلالة المتحد مع الاخت	الزوجة والكلالة المتحد مع الاختين فصاعدا	الزوجة والكلالة المتحد مع الاخوة	الزوجة والكلالة المتعدد مع الاخت	الزوجة والكلالة المتعدد مع الاختين فصاعدا	الزوجة والكلالة المتعدد مع الاخوة
	للزوجة الربع وللكلالة السدس وللاخت النصف بالفرض فان كانت للابوين فالباقي يرد عليها خاصة والا ففي الرد عليها او عليها وعلى الكلالة قولان	للزوجة الربع وللكلالة السدس والباقي للاخوات يرد عليهن النقص	للزوجة الربع للكلالة السدس والباقي للاخوة للذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع للكلالة الثلث بينهم بالسوية والباقي للاخت يرد عليها النقص	للزوجة الربع للكلالة الثلث بينهم بالسوية والباقي للاخوات يرد عليهن النقص	للزوجة الربع وللكلالة الثلث بينهم بالسوية والباقي للاخوة بالتفاوت
اصل الفريضة ثلثة	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر

تتمة للصفحة السابقة من الاحد والخمسين صورة

الاجداد من الطرفين مع الكلالة المتعدد	الاجداد للاب والزوج مع الاخت	الاجداد للاب والزوج مع الاختين فصاعدا	الاجداد للاب والزوج مع الاخوة	الاجداد للاب والزوج مع الكلالة المتحد	الاجداد للاب والزوج مع الكلالة المتعدد
ثلث المال لقرابة الام من الاجداد والكلالة بالسوية وثلثاه للاجداد للاب بالتفاوت	للزوج النصف والباقي للاجداد والاخت للذكر مثل حظ الانثيين	للزوج النصف والباقي للاجداد والاخوات للذكر مثل حظ ا.	للزوج النصف والباقي للاجداد والاخوة للذكر مثل حظ الانثيين	للزوج النصف وللكلالة السدس والباقي للاجداد للذكر مثل حظ ا.	للزوج النصف وللكلالة الثلث بالسوية والباقي للاجداد بالتفاوت
اصل الفريضة ثلثه	اصل الفريضة اثنان	اصل الفريضة اثنان	اصل الفريضة اثنان	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ستة
الاجداد من الطرفين مع الاخت للاب	الاجداد للاب والزوجة مع الاخت	الاجداد للاب والزوجة مع الاختين فصاعدا	الاجداد للاب والزوجة مع الاخوة	الاجداد للاب والزوجة مع الكلالة المتحد	الاجداد للاب والزوجة مع الكلالة المتعدد
ثلث المال للاجداد للام بالسوية وثلثاه لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل حظ ا.	للزوجة الربع وان تعددت والباقي للاجداد والاخت للذكر مثل حظ ا.	للزوجة الربع وان تعددت والباقي للاجداد والاخوات للذكر مثل حظ ا.	للزوجة الربع وان تعددت والباقي للاجداد والاخوة للذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع وان تعددت وللكلالة السدس والباقي للاجداد للذكر مثل حظ ا.	للزوجة الربع وان تعددت وللكلالة الثلث بالسوية والباقي للاجداد بالتفاوت
اصل الفريضة ثلثه	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر
الاجداد من الطرفين مع الاختين فصاعدا	الاجداد للام والزوج مع الاخت	الاجداد للام والزوج مع الاختين فصاعدا	الاجداد للام والزوج مع الاخوة	الاجداد للام والزوج مع الكلالة المتحد	الاجداد للام والزوج مع الكلالة المتعدد
ثلث المال للاجداد للام بالسوية وثلثاه لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل حظ ا.	للزوج النصف وللاجداد الثلث بالسوية والباقي للاخت يرد عليها النقص	للزوج النصف وللاجداد الثلث بالسوية والباقي للاختين يرد عليهما النقص	للزوج النصف وللاجداد الثلث بالسوية والباقي للاخوة بالتفاوت	للزوج النصف والباقي للاجداد والكلالة يقتسمونه بينهم بالسوية	للزوج النصف والباقي للاجداد والكلالة يقتسمونه بينهم بالسوية
اصل الفريضة ثلثه	ستة	ستة	ستة	اثنان	اثنان
الاجداد من الطرفين مع الاخوة	الاجداد للام والزوجة مع الاخت	الاجداد للام والزوجة مع الاختين فصاعدا	الاجداد للام والزوجة مع الاخوة	الاجداد للام والزوجة مع الكلالة المتحد	الاجداد للام والزوجة مع الكلالة المتعدد
ثلث المال للاجداد للام بالسوية وثلثاه لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ ا.	للزوجة الربع وللاجداد الثلث بالسوية والباقي للاخت يرد عليها النقص	للزوجة الربع وللاجداد الثلث بالسوية والباقي للاختين فصاعدا يرد عليهن النقص	للزوجة الربع وان تعددت وللاجداد الثلث بالسوية والباقي للاخوة للذكر ا.	للزوجة الربع وان تعددت والباقي للاجداد والكلالة يقتسمونه بينهم بالسوية	للزوجة الربع وان تعددت والباقي للاجداد والكلالة يقتسمونه بينهم بالسوية
اصل الفريضة ثلثه	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة اربعة

صور اجتماع اهل المرتبة الثانية رباعية وهي اربعون صورة

الاجتماع من الطرفين والزوج مع الاخت	الاجتماع من الطرفين والزوج مع الاخوات	الاجتماع من الطرفين والزوج مع الاخوة	الاجتماع من الطرفين والزوج مع الكلالة المتحد	الاجتماع من الطرفين والزوج مع الكلالة المتعدد
للزوج النصف وللاجداد للام الثلث بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل حظ الانثيين اصل الفريضة ستة	للزوج النصف وللاجداد للام الثلث بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل حظ الانثيين ستة	للزوج النصف وللاجداد للام الثلث بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ الانثيين ستة	للزوج النصف وللاجداد للام مع الكلالة الثلث بالسوية والباقي للاجداد للاب للذكر مثل حظ الانثيين ستة	للزوج النصف وللاجداد للام مع الكلالة الثلث بالسوية والباقي للاجداد للاب للذكر مثل حظ الانثيين ستة
الاجتماع من الطرفين والزوجة مع الاخت	الاجتماع من الطرفين والزوجة مع الاخوات	الاجتماع من الطرفين والزوجة مع الاخوة	الاجتماع من الطرفين والزوجة مع الكلالة المتحد	الاجتماع من الطرفين والزوجة مع الكلالة المتعدد
للزوجة الربع وان تعددت وللاجداد للام الثلث بينهم بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل حظ اه الفريضة اثنا عشر	للزوجة الربع وان تعددت وللاجداد للام الثلث بينهم بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل حظ اه اثنا عشر	للزوجة الربع وان تعددت وللاجداد للام الثلث بينهم بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ اه اثنا عشر	للزوجة الربع ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بينهم بالسوية والباقي للاجداد للذكر مثل حظ الانثيين اثنا عشر	للزوجة الربع ولقرابة الام الثلث من الاجداد والكلالة بينهم بالسوية والباقي للاجداد للاب للذكر مثل حظ اه اثنا عشر
الاجتماع من الطرفين والكلالة المتحد مع الاخت	الاجداد للاب والزوج والكلالة المتحد مع الاخت	الاجداد للاب والزوجة والكلالة المتحد مع الاخت	الاجداد للام والزوج والكلالة المتحد مع الاخت	الاجداد للام والزوجة والكلالة المتحد مع الاخت
ثلث المال لقرابة الام من الاجداد والكلالة بينهم بالسوية وثلثاه لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل حظ الانثيين ثلاثة	للزوج النصف وللكلالة السدس والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل حظ اه ستة	للزوجة الربع وللكلالة المتحد السدس والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر اه اثنا عشر	للزوج النصف ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاب للاخت يرد عليهما النقص ستة	للزوجة الربع ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخت للاب يرد عليهما النقص اثنا عشر
الاجتماع من الطرفين والكلالة المتحد مع الاخوات	الاجداد للاب والزوج والكلالة المتحد مع الاخوات	الاجداد للاب والزوجة والكلالة المتحد مع الاخوات	الاجداد للام والزوج والكلالة المتحد مع الاخوات	الاجداد للام والزوجة والكلالة المتحد مع الاخوات
ثلث المال لقرابة الام من الاجداد والكلالة بينهم بالسوية وثلثاه لقرابة الاب من الاجداد والاخوات بالتفاوت ثلاثة	للزوج النصف وللكلالة السدس والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل حظ اه ستة	للزوجة الربع وللكلالة السدس والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل اه اثنا عشر	للزوج النصف ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوات للاب يرد عليهن النقص ستة	للزوجة الربع وان تعددت ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوات يرد عليهن النقص اثنا عشر

تتمة للصفحة السابقة من اربعين صورة

الاجداد للطرفين والكلالة المتحد مع الاخوة	الاجداد للاب والزوج والكلالة المتحد مع الاخوة	الاجداد للاب والزوجة والكلالة المتحد مع الاخوة	الاجداد للام والزوج والكلالة المتحد مع الاخوة	الاجداد للام والزوجة والكلالة المتحد مع الاخوة
ثلث المال لقرابة الام من الاجداد والكلالة بالسوية وثلثاه لقرابة الاب بالتفاوت	للزوج النصف وللكلالة السدس والباقي لقرابة الاب للذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع وللكلالة السدس والباقي لقرابة الاب للذكر مثل حظ الانثيين	للزوج النصف ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوة للذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع ولقرابة الام الثلث بالسوية والباقي للاخوة للاب للذكر مثل اه
الفريضة ثلاثة	ستة	اثنا عشر	ستة	اثنا عشر
الاجداد للطرفين والكلالة المتعدد مع الاخت	الاجداد للاب والزوج والكلالة المتعدد مع الاخت	الاجداد للاب والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخت	الاجداد للام والزوج والكلالة المتعدد مع الاخت	الاجداد للام والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخت
ثلث المال لقرابة الام من الاجداد والكلالة بالسوية وثلثاه لقرابة الاب بالتفاوت	للزوج النصف وللكلالة الثلث بالسوية والباقي لقرابة الاب بالتفاوت	للزوجة الربع وللكلالة الثلث بالسوية والباقي لقرابة الاب بالتفاوت	للزوج النصف ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخت يرد عليها النقص	للزوجة الربع ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخت يرد عليها النقص
الفريضة ثلاثة	ستة	اثنا عشر	ستة	اثنا عشر
الاجداد للطرفين والكلالة المتعدد مع الاخوات	الاجداد للاب والزوج والكلالة المتعدد مع الاخوات	الاجداد للاب والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخوات	الاجداد للام والزوج والكلالة المتعدد مع الاخوات	الاجداد للام والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخوات
ثلث المال لقرابة الام من الاجداد والكلالة بالسوية وثلثاه لقرابة الاب بالتفاوت	للزوج النصف وللكلالة الثلث بالسوية والباقي لقرابة الاب بالتفاوت	للزوجة الربع وللكلالة الثلث بالسوية والباقي لقرابة الاب بالتفاوت	للزوج النصف ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوات يرد عليهن النقص	للزوجة الربع ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوات يرد عليهن النقص
الفريضة ثلاثة	ستة	اثنا عشر	ستة	اثنا عشر
الاجداد للطرفين والكلالة المتعدد مع الاخوة	الاجداد للاب والزوج والكلالة المتعدد مع الاخوة	الاجداد للاب والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخوة	الاجداد للام والزوج والكلالة المتعدد مع الاخوة	الاجداد للام والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخوة
ثلث المال لقرابة الام من الاجداد والكلالة بالسوية وثلثاه لقرابة الاب بالتفاوت	للزوج النصف وللكلالة الثلث بالسوية والباقي لقرابة الاب بالتفاوت	للزوجة الربع وللكلالة الثلث بالسوية والباقي لقرابة الاب بالتفاوت	للزوج النصف ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوة	للزوجة الربع ولقرابة الام من الاجداد والكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوة
الفريضة ثلاثة	ستة	اثنا عشر	ستة	اثنا عشر

صور اجتماع اهل المرتبة الثانية ومن يرث معهم من الاسباب خماسية وهي اثنا عشرة صورة هكذا

الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتحد مع الاخت	الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتعدد مع الاخت	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتحد مع الاخت	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخت
نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقتسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخت للاب للذكر	نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقتسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل حظ اه	ربع المال للزوجة وان تعددت وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقتسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل حظ اه	ربع المال للزوجة بالفرض وان تعددت وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقتسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل اه
الفريضة ستة	ستة	اثنا عشر	اثنا عشر
الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتحد مع الاخوات	الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتعدد مع الاخوات	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتحد مع الاخوات	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخوات
نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقتسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل حظ اه	نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقتسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر اه	ربع المال للزوجة وان تعددت وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقتسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل حظ اه	ربع المال للزوجة بالفرض وان تعددت وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقتسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل اه
الفريضة ستة	ستة	اثنا عشر	اثنا عشر
الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتحد مع الاخوة	الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتعدد مع الاخوة	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتحد مع الاخوة	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخوة
نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقتسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ اه	نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقتسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ اه	ربع المال للزوجة وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقتسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع بالفرض وثلث المال لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقتسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ الانثيين
الفريضة ستة	الفريضة ستة	الفريضة اثنا عشر	الفريضة اثنا عشر

وان تعددت

اهل المرتبة الثالثة ويتم بحسب اختلافهم في مقدار الارث ستة اصناف من يرث معهم من الاسباب الزوج والزوجة والمنكسرة الاثلاث

الاعمام للاب	الاخوال للاب	الأعمام للام	الأخوال للام
المال لهم بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين الفريضة من عدد السهام	لهم المال بالقرابة يقتسمونه بالسوية على الاشهر وقيل بالتفاوت الفريضة على الاشهر عدد الرؤس وعلى القول الثاني من عدد السهام	المال لهم بالقرابة يقتسمون بالسوية في ظاهر الاصحاب الفريضة من عدد الرؤس	المال لهم بالقرابة يقتسمون بالسوية اجماعا الفريضة من عدد الرؤس
العم المنفرد او العمة للام	الخال المنفرد او الخالة للام	الزوج	الزوجة
له المال بالقرابة	له المال بالقرابة	له النصف والباقي للمعتق ومن بحكمه ثم ضامن الجريرة والا رد عليه على المشهور	لها الربع والباقي للمعتق ومن بحكمه ثم ضامن الجريرة ثم الامام او نائبه على المشهور

صور اجتماع اهل المرتبة الثالثة من الانساب من يرث معهم من الاسباب ثنائية وهي خمس وعشرون صورة

الاعمام للاب مع الاخوال للاب	الاعمام للاب مع العم او العمة للام	الاعمام للاب مع الاعمام للام	الاعمام للاب مع الخال او الخالة للام	الاعمام للاب مع الاخوال للام
ثلثا المال للاعمام للذكر مثل حظ الانثيين وثلثه للاخوال للاب يقتسمونه بالسوية على الاشهر اصل الفريضة ثلاثة	سدس المال للعم او العمة للام والباقي للاعمام للذكر مثل حظ الانثيين للاب ستة	ثلثا المال للاعمام للاب للذكر مثل حظ الانثيين وثلثه للاعمام للام يقتسمونه بالسوية في ظاهر الاصحاب ثلاثة	ثلثا المال للاعمام بالتفاوت وثلثه للخال او الخالة للام على الاشهر وقيل له السدس والباقي للاعمام على الاشهر ثلاثة وعلى الثاني ستة	ثلثا المال للاعمام للذكر مثل حظ الانثيين وثلثه للاخوال يقتسمونه بالسوية ثلاثة
الاخوال للاب مع العم او العمة للام	الزوج مع الاعمام للاب	الزوج مع العم او العمة للام	الزوجة مع العم او العمة للام	الاخوال للاب مع العم او العمة للام او الخال او الخالة للام
ثلث المال للاخوال بالسوية وثلثاه للعم او العمة للام كله بالقرابة ثلاثة	نصف المال للزوج بالفرض والنصف للاعمام للاب بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين اثنان	للزوج النصف بالفرض والباقي للعم او العمة بالقرابة اثنان	للزوجة الربع بالفرض وللعم او العمة للام الباقي بالقرابة اربعة	ثلثا المال للعم او العمة للام وثلثه للخال او الخالة للام ثلاثة
الاخوال للاب مع الاعمام للام	الزوج مع الاخوال للاب	الزوج مع الاعمام للام	الزوجة مع الاعمام للام	العم او العمة للام مع الاخوال للام
ثلث المال للاخوال للاب بالسوية على الاشهر وثلثاه للاعمام للام بالسوية اصل الفريضة ثلاثة	للزوج النصف بالفرض والنصف للاخوال بالقرابة يقتسمونه بالسوية على الاشهر وقيل بالتفاوت اثنان	للزوج النصف بالفرض والنصف للاعمام للام بالقرابة يقتسمونه بالسوية اثنان	للزوجة الربع وان تعدّدت والباقي للاعمام للام يقتسمونه بالسوية اربعة	ثلثا المال للعم او العمة للام وثلثه للاخوال للام بالسوية ثلاثة

تتمة صفحة قبل

الاخوال للاب مع الخال او الخالة للام	الزوجة مع الاعمام للاب	الزوج مع الخال او الخالة للام	الزوجة مع الخال والخالة للام	الاعمام للام مع الخال والخالة للام
سدس المال للخال او الخالة للام والباقي للاخوال للاب بالسوية على المشهور الفريضة ستة	للزوجة الربع بالفرض والباقي للاعمام للاب للذكر مثل حظ الانثيين اربعة	للزوج النصف بالفرض والباقي للخال او الخالة للام اثنان	للزوجة الربع بالفرض وان تعددت والباقي للخال او الخالة للام بالقرابة اربعة	ثلثا المال للاعمام بالسوية وثلثه للخال او الخالة للام ثلاثة
الاخوال للاب مع الاخوال للام	الزوجة مع الاخوال للاب	الزوج مع الاخوال للام	الزوجة مع الاخوال للام	الاعمام للام مع الاخوال للام
ثلثا المال للاخوال للاب بالسوية على المشهور وثلثه للاخوال للام بالسوية اجماعا الفريضة ثلاثة	للزوجة الربع بالفرض وان تعددت والباقي للاخوال للاب يقتسمونه بالسوية اربعة	للزوج النصف بالفرض والباقي للاخوال بالقرابة يقتسمونه بالسوية اثنان	للزوجة الربع وان تعددت والباقي للاخوال للام بالقرابة بالسوية اربعة	ثلثا المال للاعمام يقتسمونه بالسوية في ظاهر الفتاوى وثلثه للاخوال للام يقتسمونه بالسوية اجماعا ثلاثة
صور اجتماع اهل المرتبة الثالثة من الانساب ومن يرث معهم من الاسباب ثلاثة وهي ثمان وثلثون صورة				
الاعمام للاب والاخوال للاب مع الزوج	الاعمام للاب والزوج مع العم والعمة للام	الاعمام للاب والزوج مع الاعمام للام	الاعمام للاب والزوج مع الخال او الخالة للام	الاعمام للاب والزوج مع الاخوال للام
للزوج النصف وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين الفريضة ستة	للزوج النصف وللعم او العمة للام سدس الاصل في ظاهر الاصحاب والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا وان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين ستة	للزوج النصف بالفرض وللاعمام للام ثلث الاصل في ظاهر الاصحاب بالسوية والباقي للاعمام للاب وان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين ستة	للزوج النصف وللخال والخالة الثلث والباقي للاعمام وان كان واحدا ومع التعدد والاختلاف فللذكر مثل حظ الانثيين ستة	للزوج النصف وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا ستة
الاعمام للاب والاخوال للاب مع الزوجة	الاعمام للاب والزوجة مع العم او العمة للام	الاعمام للاب والزوجة مع الاعمام للام	الاعمام للاب والزوجة مع الخال او الخالة للام	الاعمام للاب والزوجة مع الاخوال للام
للزوجة الربع وان تعددت وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا الفريضة اثنا عشر	للزوجة الربع وللعم او العمة للام سدس الاصل في ظاهر الاصحاب والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا الفريضة اثنا عشر	للزوجة الربع وللاعمام للام الثلث في ظاهر الاصحاب والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا الفريضة اثنا عشر	للزوجة الربع وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام للذكر مثل حظ الانثيين ان تعددوا واختلفوا الفريضة اثنا عشر	للزوجة الربع وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا الفريضة اثنا عشر

تتمة لصفحة السابقة

الأعمام للأب والأخوال للأب مع الأعمام للأم	الأخوال للأب والزوج مع العم او العمة للأم	الأخوال للأب والزوج مع الأعمام للأم	الأخوال للأب والزوج مع الخال او الخالة للأم	الأخوال للأب والزوج مع الأخوال للأم
للأخوال الثلث بالسوية والباقي للأعمام ثلثه للأعمام للأم بالسوية وثلثاه للأعمام للأب ان كان واحداً فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين	للزوج النصف وللأخوال الثلث بالسوية والباقي للعم او العمة ستة	للزوج النصف وللأخوال الثلث بالسوية والباقي للأعمام بالسوية ستة	للزوج النصف وللخال والخالة للأم السدس من الأصل او من الباقي او من الثلث على اختلاف الأقوال والباقي للأخوال للأب بالسوية على الأول ٦ على الثاني ١٢ على الثالث ١٨	للزوج النصف وللأخوال للأم ثلث الأصل او ثلث الباقي او ثلث الثلث على خلاف الأقوال بالسوية والباقي للأخوال للأب بالسوية على الأول والثاني ٦ على الثالث ١٨
	الأخوال للأب والزوجة مع العم والعمة للأم	الأخوال للأب والزوجة مع الأعمام للأم	الأخوال للأب والزوجة مع الخال او الخالة للأم	الأخوال للأب والزوجة مع الأخوال للأم
تسعة	للزوجة الربع وان تعددت وللأخوال الثلث بالسوية والباقي للعم او العمة اثنا عشر	للزوجة الربع وان تعددت وللأخوال الثلث بالسوية والباقي للأعمام كذلك اثنا عشر	للزوجة الربع وللخال والخالة سدس الأصل وسدس الباقي او سدس الثلث على اختلاف الأقوال والباقي للأخوال للأب بالسوية على الأول ١٢ على الثاني ١٨ على الثالث ٣٦	للزوجة الربع وان تعددت وللأخوال للأم ثلث الأصل في قول وثلث الباقي في قول وثلث الثلث في قول بالسوية على كل حال والباقي للأخوال للأب بالسوية على الأول ١٢ على الثاني [illegible] على الثالث [illegible]
الأعمام للأب والأخوال للأب مع الأخوال للأم	الأعمام للأب والأعمام للأم مع الخال والخالة للأم	الأعمام للأب والأعمام للأم مع الأخوال للأم	الأعمام للأب والعم او العمة للأم مع الخال والخالة للأم	الأعمام للأب والعم والعمة للأم مع الأخوال للأم
للأخوال الثلث ثلثه للأخوال للأم وثلثاه للأخوال للأب بالسوية والباقي للأعمام للأب وان كان واحداً فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل آه تسعة	للخال او الخالة الثلث والباقي للأعمام ثلثه للأعمام للأم بالسوية وثلثاه للأعمام للأب ان كان واحداً ومع التعدد والاختلاف للذكر مثل آه تسعة	للأخوال الثلث بالسوية والباقي للأعمام ثلثه للأعمام للأم بالسوية وثلثاه للأعمام للأب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل آه تسعة	للخال او الخالة الثلث وللعم او العمة سدس الباقي والباقي للأعمام للأب ان كان واحداً ومع التعدد والاختلاف للذكر مثل حظ الانثيين تسعة	للأخوال الثلث بالسوية وللعم او العمة سدس الباقي والباقي للأعمام للأب ان كان واحداً ومع التعدد والاختلاف للذكر مثل حظ الانثيين تسعة

تتمة لصفحة السابقة

الاعمام للاب والاخوال للاب مع العم او العمة للام	الزوج والاعمام للام مع الخال او الخالة للام	الزوج والاعمام للام مع الاخوال للام	الزوج والعم او العمة للام مع الخال او الخالة للام	الزوج والعم او العمة للام مع الاخوال للام
للاخوال الثلث بالسوية وللعم او العمة سدس الباقي والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا وان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ اه	للزوج النصف وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام بالسوية	للزوج النصف للاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام بالسوية	للزوج النصف للخال او الخالة للام الثلث والباقي للعم او العمة	للزوج النصف للاخوال الثلث بالسوية والباقي للعم او العمة
تسعة	ستة	ستة	ستة	ستة
الاعمام للاب والاخوال للاب مع الخال او الخالة	الاخوال للاب والاعمام للام مع الخال او الخالة للام	الاخوال للاب والاعمام للام مع الاخوال للام	الاخوال للاب والعم او العمة للام مع الخال او الخالة للام	الاخوال للاب والعم او العمة للام مع الاخوال للام
للاخوال الثلث بينهم سدسه للخال او الخالة للام والباقي للاخوال للاب بالسوية والثلثان للاعمام وان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل اه	ثلث المال للاخوال سدسه للخال او الخالة للام والباقي للاخوال للاب بالسوية والثلثان للاعمام للام بالسوية	ثلث المال للاخوال للاب ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب بالسوية والباقي للاعمام للام بالسوية	للاخوال الثلث للام سدسه للخال والخالة الام والباقي للاخوال للاب والثلثان للعم او العمة	للاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب والباقي للعم او العمة
	ثمانية عشر	تسعة	ثمانية عشر	تسعة
	الزوجة والاعمام للام مع الخال او الخالة للام	الزوجة والاعمام للام مع الاخوال للام	الزوجة والعم او العمة للام مع الخال او الخالة للام	الزوجة والعم او العمة للام مع الاخوال للام
	للزوجة الربع وان تعددت وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام بالسوية	للزوجة الربع وان تعددت وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام للام بالسوية	للزوجة الربع وان تعددت وللخال او الخالة الثلث والباقي للعم او العمة	للزوجة الربع وان تعددت وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للعم او العمة
ثمانية عشر	اثنا عشر	اثنا عشر	اثنا عشر	اثنا عشر

صور اجتماع اهل المرتبة الثالثة من الانساب من يجتمع معهم من الاسباب باعيانه وهى ثمان وعشرون صورة

الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج مع العم او العمة للاب	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج مع الاعمام للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج مع الخال او الخالة للام	الاعمام للاب والاخوال للام والزوج مع الاخوال للام	الاعمام للاب والاخوال للام والزوجة مع العم او العمة للام
للزوج النصف وللاخوال الثلث بينهم بالسوية والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذ ا.	للزوج النصف وللاخوال الثلث والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بينهم بالسوية وثلثاه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر ام	للزوج النصف وللاخوال الثلث سدس الثلث للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بينهم بالسوية والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان اختلفوا	للزوج النصف وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بينهم بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان اختلفوا	للزوجة الربع وان تعددن وللاخوال الثلث بينهم بالسوية والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة للام وخمسة اسداسه للاعمام للاب ان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر ا.
	ثمانية عشر	ثمانية عشر	ثمانية عشر	اثنان وسبعون
	الاعمام للاب والاخوال للام والزوجة مع الاعمام للام	الاعمام للاب والاخوال للام والزوجة مع الخال او الخالة	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة مع الاخوال للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والعم او العمة للام مع الخال
ستة وثلثون	للزوجة الربع وللاخوال الثلث بينهم بالسوية والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت	للزوجة الربع وللاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية والباقي للاعمام للاب بالتفاوت	للزوجة الربع وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان اختلفوا	ثلث المال للاخوال سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية وثلثاه للاعمام سدسه للعم او العمة والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل.
الاعمام للاب والاخوال للاب والعم او العمة للام مع الاخوال للام	ستة وثلثون	ستة وثلثون	ستة وثلثون	ثمانية عشر
للاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا وللاعمام الثلثان سدسهما للعم او العمة للام والباقي للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين	الاعمام للاب والاخوال للاب والاعمام للام مع الخال او الخالة للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والاعمام للام مع الاخوال للام	الاعمام والاخوال للاب والزوج العم او العمة للام مع الخال او الخالة للام	الاعمام للاب والزوج العم والعمة للام مع الاخوال للام
	للاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بينهم بالسوية ان تعددوا والثلثان للاعمام ثلثهما للاعمام للام بينهم بالسوية والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان اختلفوا	للاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال كذلك ان تعددوا وللاعمام الثلثان ثلثهما للاعمام للام بالسوية والباقي للاعمام للاب ان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين	للزوج النصف وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة وخمسة اسداسه للاعمام للاب ان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر	للزوج النصف وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة والباقي للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ ا
ستة	ثمانية عشر	ستة	ستة وثلثون	ستة وثلثون

تتمة للصفحة السابقة

الاعمام للاب والزوج والاعمام للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والزوج والاعمام للام مع الاخوال للام	الاعمام للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الاخوال للام	الاعمام للاب والزوجة والاعمام للام مع الخال او الخالة للام
للزوج النصف وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت ان اختلفوا وتعددوا	للزوج النصف وللاخوال للام الثلث بالسوية والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا	للزوجة الربع وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة للام والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر	للزوجة الربع وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة والبقية للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل	للزوجة الربع وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب ان كان واحدا ومع التعدد والاختلاف للذكر مثل حظ الانثيين
ثمانية عشر	ثمانية عشر	اثنان وسبعون	اثنان وسبعون	ستة وثلثون
الاعمام للاب والزوجة والاعمام للام مع الاخوال للام	الاخوال للاب والزوج والعم او العمة للام مع الخال والخالة للام	الاخوال للاب والزوج والعم او العمة للام مع الاخوال للام	الاخوال للاب والزوج والاعمام للام مع الخال والخالة للام	الاخوال للاب والزوج والاعمام للام مع الاخوال للام
للزوجة الربع وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا	للزوج النصف وللاخوال الثلث سدسه للخال والخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للعم او العمة	للزوج النصف وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للعم او العمة للام	للزوج النصف وللاخوال الثلث سدسه للخال والخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام للام بالسوية	للزوج النصف وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام للام بالسوية
	ثمانية عشر	ثمانية عشر	ثمانية عشر	ثمانية عشر
	الاخوال للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الخال والخالة للام	الاخوال للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الاخوال للام	الاخوال للاب والزوجة والاعمام المتعددون للام مع الخال او الخالة للام	الاخوال للاب والزوجة والاعمام المتعددون للام مع الاخوال للام
	للزوجة الربع وللاخوال الثلث سدسه للخال والخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا واختلفوا	للزوجة الربع وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للعم او العمة	للزوجة الربع وللاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام بالتسوية	للزوجة الربع وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام بالسوية
اثنان وسبعون	ستة وثلثون	ستة وثلثون	ستة وثلثون	ستة وثلثون

صور اجتماع اهل المرتبة الثالثة من الانساب ومن يجتمع معهم من الاسباب خماسية وهي ثمان

الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج والاعمام المتعددون للام او الخال او الخالة للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج والاعمام المتعددون للام مع الاخوال للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج او العم للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج والعم او العمة للام مع الاخوال للام
للزوج النصف وللاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل اه	للزوج النصف وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا	للزوج النصف وللاخوال الثلث سدسه للخال والخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة والباقي للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر اه	للزوج النصف وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة وخمسة اسداسه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل اه
ثمانية عشر	ثمانية عشر	ستة وثلثون	ستة وثلثون
الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة والاعمام المتعددون للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة والاعمام المتعددون للام مع الاخوال للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الخال والخالة	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الاخوال للام
للزوجة الربع وللاخوال الثلث سدسه للخال والخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا	للزوجة الربع وللاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة والباقي للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر اه	للزوجة الربع وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة وخمسة اسداسه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل اه
اصل الفريضة ستة وثلثون	اصل الفريضة ستة وثلثون	اصل الفريضة اثنان وسبعون	اصل الفريضة اثنان وسبعون

جناب مستطاب فخر المدققين وعمدة المحققين تاج الادباء وراس الاذكياء سلالة الانجاب وزين الطلاب آقا شيخ محمد صادق خلف ارجمند خلد اشيان جنت مكان مرحوم مبرور حاج ميرزا احمد با فرخان شهيد و برادر افضل الطلاب ابو القاسم الجيلاني مدظله در صدد این ثواب جزیل بودند که حسب الارشاد با تمام دقت در تصحیح کوشیده بطبع رسانیدند که کافه ناس از او منتفع شوند والحمد للمعبود که آن قدر دقتی که در تصحیح لازم بود بعمل آمد از ناظرین این نسخه التماس دعا والاغماض از خطا از وجد وهو

دامت افاداته در مطبعه آقا حاج شیخ بطی فروخته میشود والسلام | محرم الحرام ١٣٠٨

الاسباب الموجبة للارث بغير الانساب امران زوجية وولاء واقسام الولاء ثلثة ولاء العتق وولاء تضمن الجريرة وولاء الامامة

من اسباب الارث الزوجية	المرتبة الاولى من الولاء ولاء المنعم بالعتق ومن يقوم مقامه	المرتبة الثانية من مراتب الولاء ولاء ضمان الجريرة
يرث كل من الزوجين صاحبه ان كان العقد دائما اجماعا او شرط الارث في عقد الانقطاع على المشهور والزوج النصف مع عدم الولد وان نزل وللزوجة الربع كذلك ومعه له الربع ولها الثمن فان تعددت الزوجات اقتسمن الحصة بالسوية ولو تزوج ذو الاربع بخامسة بعد طلاق احداهن الاربع ثم اشتبهت المطلقة بين الاربع فالمروي ان للخامسة ربع النصيب والباقي يقسم بين الباقيات بالسوية وهو المشهور وقيل يقرع وقيل يوقف حتى يصطلحن ويرث الزوجان مع كل سبب ونسب ولا ترث الزوجة خاصة من تربة الارض وتقوم الالات والابنية وتدفع اليها من قيمتها والمشهور اختصاص ذلك بغير ذات الولد ولو تزوج المريض ولم يدخل حتى مات من مرضه بطل العقد ولا مهر ولا ميراث في المشهور	اذا انعم المنعم بالعتق انعتق يخلف المنعم وارثا ان كان لم اختيارا انعتق ولا تبرع من الاناث فان اعتقه تبرعا من غير ضمان جريرة ولا الولاء بعد معتق وورثه ان لم يتبرع في المشهور وفي ثبوت الولاء بعتق الغير عنه بغير عوض والاشهاد في العتق مطلقا ومع شرطه وعتق الغير عنه في التبرع والكتابة مطلقا ومع شرطه وكذا لو شرط لا الاستيلاد والتدبير نظر والاشهر العدم والموت العتق او مع اختيار التسبيب ان يجوز نا ومع فقد المعتق الذكور دون الاناث العبد بنفسه والولاء للعتق مطلقا او الذكور دون الاناث فهل يرثه اولاد المعتق او ان كان رجلا او الاقارب مطلقا او العصبة كلام ان كان المعتق ذكورا او اقوال فان فقدوا فلمعتق العتق ثم ورثته او العصبة مطلقا وهكذا ولو لم يكن باشرت عتقه كذلك ان الولاء ثم معتق الاب ثم لورثته كما ذكر فان احد كان الولاء للعتق فمعتق جده ان لم يكن ابوه حر الاصل لم يكن الاب معتق فلمعتق للجد الادنى على ما ذكر ثم لورثته كذلك فان لم يكن لورثته وهكذا معتق فلمعتق الجد الاعلى ثم لورثته الاب اصلا فالولاء فان لم يكن له معتق من طرف الاب يجر الولاء فلمعتق الام ثم لورثته كذلك معتق الجد على ما ذكر ثم يجر من معتق الاب وكذا من معتق الجد الاعلى الى الادنى وهكذا من معتق الجد للام الى معتق الام وفي كلمات بعض الاصحاب فقد موالي الاب وعصبتهم ينتقل الولاء الى مولى عصبات موالي الاب ولم يعلم وجهه الا بناء على ان الولاء يورث والمشهور انه لا يورث بل انه يورث به المنعم بالعتق	من كان حر الاصل ولم يكن له وارث نسبي و معتقا عتقا لا يوجب الولاء كان له ان يتولى من شاء فيعقد ضمان الجريرة فيضمن الضامن جريرة المضمون ويرثه دون العكس الا ان يشترط العقد بينهما اذا كانا معا لا وارث لهما من نسب ولا معتق والمشهور عدم اشتراط الاشهاد في صحة العقد المزبور وان اعتبر في ثبوته عند الحاكم و لا يتعدى ولاء ضمان الجريرة الى ورثة الضامن وفي تحقق الضمان من اثنين لواحد اشكال ويجوز من واحد لاكثر من احد وهو من العقود اللازمة في الظاهر المشهور لا يجوز لاحدهما فسخه ولو وجد وارث نسبي او معتق بطل عقد الضمان ظاهرا فان فقد الوارث فهل يرث الضامن و ينكشف عدم الانفساخ او يحتاج الى تجديد العقد والا ورث الامام وجهان والوجهان يأتيان فيما اذا كان الوارث موجودا حال العقد ثم فقد واولى بالمنع ويرث الزوجان نصيبهما الاعلى مع الضامن والباقي له ٥٥٥٥

معتقة

الصحيح

الموانع من الارث والحاجب له لعلها يزيد على عشرين وهي امور بعضها مجمع عليه وبعضها مشهور

المرتبة الثالثة من الولاء ولاء الامامة	١ الكفر مانع من الارث اجماعا	٢ الرق مانع من الارث اجماعا	٣ القتل مانع من الارث في الجملة اجماعا
اذا لم يكن للميت وارث اصلا الا نسبي ولا سببي ورثه الامام ع في المشهور وقيل ينتقل الى بيت المال كما هو مذهب من العامة وهو ضعيف شاذ وكذا الوهم بالعلم للولد وارث وان كان مستصحب الحيوة لكن الظ وجوب الاستعلام فان يئس منه بعد الاجتهاد بحسب العادة دفع الى الامام فان تبين بعد ذلك وارث اولى منه دفع اليه ثم ان كان الامام حاضرا دفع اليه الميراث يصنع به ما شاء وان كان غائبا قيل يجب صرفه الى فقراء بلد الميت كما كان يصنع امير المؤمنين ع وقيل الى مطلق الفقراء وربما احتمل جواز التصرف فيه لكل احد كغيره من الانفال وقيل يجب حفظه له ع وعلى الاقوال الثلثة فالظ وجوب دفعه الى الحاكم الشرعي ولا يجوز ان يتولى من بيده صرفه وقد يظهر من بعضهم عدم وجوب التسليم على القول الثالث وعلى كل حال لا يجوز دفعه الى السلطان الجور اختيارا ولو دفع ضمن ولو اكره فلا ضمان ويرث الزوجان مع الامام نصيبهما الاعلى في الرد عليهما ما سيأتي	لا يرث الكافر المسلم ويمنع من الارث الكافر كان او عارضا سواء كان كان الموروث كافرا او مسلما بل لا يرث الموروث وان كان ضامن جريرته المسلم من الورثة وان كان الموروث كافرا او اماما الا اذا كان الموروث مسلما فالارث للامام اصليا ولا وارث مسلم سوى الامام ع فيرث الكافر دون الامام ع والكفار يتوارثون وان اختلفوا في الملل وقيل المرتد يرث الاصلي ولو كان والمسلمون يتوارثون وان اختلفوا والمسلمون المحق المبتدع ولا عكس وقيل يرث المسلم المتقرب الى ولا يمنع الكافر المسلم اذا كان المحجوب كالولد الكافر وورث الميت ولو اسلم قبل القسمة مسلما ولو اسلم بعدها او بعدها لا مع اتحاد الوارث فالمروي ولو كان الوارث الامام فالوارث ارث من اسلم وقيل كالوارث المتحد وقيل النقل الى بيت المال ثم لزم القسمة ولو ادعى مسلم لم يقبل منه الا ببينة تشترط في الشرع وقيل ان كان وقت الاسلام معلوما واختلف في تاريخ الموت عنه ونقل عن قائم قول مدعي التأخر وفيه اشكال	الرق مانع في الارث والموروث فلا يرث الرق مناسبا ولا مسابا بل الارث للوارث الحر وان كان ضامن جريرة ولو لم يكن الا المملوك الامام اشترى الرق من التركة واعتق وورث الباقي ولا خلاف في ذلك الا في وفي الاولاد خلاف ضعيف في غير من الابوين قولان وكذا في الزوج الزوجة ويسعى بعض الرق في الفك او بالحصة ولا يسعى في العتق وضامن فان نقض لم يسعه بعض وارث العتق فلا يمكن قضيه على مذهبنا او الثاني الفك على ما يكون مع وفاء التركة والا يفك ولو اعتق المملوك بعد القسمة او مع الوارث الواحد لم يرث ولا دية ولو كان الوارث الامام فالظاهر ارثه الخلاف السابق والمدبر مع الولد والمكاتب الذي لم يعتق منه كالقن و لو كان مطلقا الموروث وام الولد لعتق النجم والمبعض يورث بالنسبة دون الباقي عليه كذا في الفرض ويحجب والشيخ خلافه ولو بعض	لا خلاف في ان الوارث يمنع من الارث اذا كان قاتلا عمدا ظلما كما لا خلاف في عدم منعه اذا كان بحق وفي الخطا اقوال ثالثها منعه من الدية خاصة وفي الحاق شبه العمد به او بالخطا قولان والمش عدم الفرق بين السبب والمباشر وان قتل الصبي و المجنون مبني على كون قتلهما او عمدا ولا يمنع بالقاتل من يتقرب به فيرث ولد القاتل جده وان منع ابوه والدية بحكم مال المقتول يقضي منها ديونه ثم وصاياه ثم يورث كغيرها وفي بعض الاخبار لا يرثها الاخوة من الام ولذلك منع منها المتقرب بالام كثير من الاصحاب واقتصر بعضهم على مورد النص وللتوقف مجال ويرثها الزوجان ولا يرثان القصاص فان صولح في العمد على الدية ورثا منها نصيبهما ولو جني على الميت اخذ الدية من الجاني على ما قرر في محله ولا يرثها الوارث بل يصرف في وجوه القرب للميت وفي نحو قضاء ديونه منها ولو لم تف التركة وكذا وصاياه لو لم تتجاوز الثلث ولم يجز الوارث وجهان

سهمين موته

الامام

وعندنا انما لا يرث الامام ع

وعند البعض يورث

فان مع سبب ... الا لاخ ...

[illegible]

٣ الحمل مانع من الارث ظاهراً اجماعاً

لا يرث الحامل الا اذا انفصل حياً فان انفصل حياً حكم بارثه من حين الموت وان كان نطفة وكذا الحكم في الوصية له والمعتبر المحقق للحياة ولو بالحركة البينة التي لا تصدر الا من الاحياء دون التقلص الطبيعي ولا يعتبر الاستهلال والروايات به محمولة على التقية والقول به شاذ ويعتبر حياته بعد تمام الولادة فلو خرج بعضه حياً وبعضه ميتاً لم يرث ويعزل للحمل نصيب ذكرين لندور الزائد فان تبين الخلاف استدرك ويعطى الوراث معه نصيبها الادنى والابوان السدسان ولو ادعت الام الحمل ففي تصديقها بعزله نصيب الحمل لو لم يرض الورثة اشكال فان صدقناها فان كذبوها ففي تحليفها اشكال لعل اقربه العدم ولو اتت به لاكثر من اقصى الحمل من حين الوطي لم يرث وان خلت عن الزوج والمولى ولاقل من اقل الحمل يرث وان كان لها زوج او مولى وطئها وجوه ثالثها التفصيل بين الخالية عنهما وغيرها ويرث دية الحمل لو اسقط ابواه وافادت للاب وفي فادت الام ما تقدم

الغيبة المنقطعة مانعة في الجملة عن ظاهر ... علما

الغائب غيبة منقطعة لا يقسم ماله بين ورثته بمجرد الانقطاع والمشهور انه ينتظر به مدة لا يعيش مثله عادة اليها فاذا انقضت حكم بموته وورثه ورثته الموجودون حال الحكم وعن ابن الجنيد يورث بعد اربع سنين من كان في عسكر شهرت هزيمته وبعد عشر سنين من انقطع خبره او يئس منه وعن المرتضى والصدوق والحلبي يحبس ماله اربع سنين ويطلب في كل ارض فان لم يوجد قسم بين ورثته وعن المفيد انه يباع عقاره بعد عشر سنين اذا انقطع خبره ولو عزل ميراث الولد الغائب من ابيه وطالت المدة جاز لوارث ابيه اقتسامه مع الملائة ويضمنون ولو مات له قريب عزل نصيبه في المشهور وربما احتمل عدم العزل وهو ضعيف وحيث يعزل فان تبين حالة الحياة او سبق موت فذاك والا كان لورثة الميت الموجودين حال الموت ويظهر من كثير ان المعزول حكمه حال الغائب وان استمر الاشتباه وهو ضعيف فلاحظ

الحق ا حجب الحاجب مانع من الارث اجماعاً

الحجب على قسمين حجب عن تمام الارث وحجب عن بعضه فالاول كما في كل طبقة بالنسبة الى من تأخر عنه ومن ينتسب الى الميت من الطرفين بالنسبة الى من ينفرد بالنسبة من طرف الاب خاصة والثاني على قسمين اما حجب عن بعض مشاع او عن بعض معين من التركة فالاول على قسمين لان الحاجب اما ان يكون وارثاً لما يحجب عنه اولا فالاول الاولاد وان نزلوا فانهم يحجبون الابوين عما زاد عن السدس الا على سبيل الرد والزوجين عن الزائد عن النصيب الادنى والثاني الاخوة للاب اذا كانوا ذكرين او اربع اناث او خنثى او ذكر وانثيين او خنثيين فصاعداً مع وجود الاب وانتفاء موانع الارث من الكفر والرق والقتل فانهم يحجبون الام عما زاد على السدس وان كان رداً واشترط بعضهم كونهم منفصلين لا حملاً وفي بعض المغايرة للام واما الحجب عن بعض معين فالمحبو يحجب غيره عن الحبوة والزوجة ذات الولد يحجب غير ذات الولد عن تركة الارض واعيان الالات والابنية وغيرها من الورثة يحجبها مطلقا عن ذلك على اختلاف القولين

٧ الحقوق المانعة من الارث اجماعا

اول ما يخرج من التركة الحقوق المتعلقة باعيان المتركة كالزكوة والخمس والرهن والضمان المشروط بعين مخصوصة وحق الجناية والنذر المتعلق بالاعيان وكذا المحلوف عليه والمعاهد عليه ومتعلق الحبا والشفعة ومن ذلك حق الزوجة في السكنى من المسكن الذى هى ساكنة فيه حيث يستحقه في ظاهر الاصحاب وهكذا القرآن بعد سوقه ونحو ذلك ثم يخرج منها الكفن وسائر ما يتوقف عليه التجهيز فيما عدا الزوجة وفى نفقة حق الزوجة من السكنى على ذلك نظر ثم يخرج منها الحقوق المتعلقة بذمة الميت حال الحيوة او بعدها مع سبق سببه كالدين والنذر المتعلق بالذمة والكفارات والحج وهكذا

ذلك ونحو ذلك ثم يخرج الوصايا من الثلث ان لم يجز الورثة والا فمن الاصل ثم يخرج من الغنم الاول ان تعلقت بالعين والا فمن القسم الثالث فيخرج مطلقا من الثلث او بالتعيين والا مقدمة على البواقي على الثلث ومن الاصل ثم يخرج بعد جميع ما ذكر وعلى الاقوى ولو ايضا من جملة الميراث بل على الديون مطلقا والديون انها معلقة على الوصية بل على الديون مطلقا ويمكن ان يستثنى في الوقف المستقل بعد الموت عن

الوارث فلا يصدق عليه ما ترك الميت بقاء على ان الوقف مانع بناء على ان الملك فيه مغنى الى زمان الموت وان قلنا ان الملك دائم دائما ينتقل من الموقوف عليه الى البطن الثانى لاشتراط الواقف كذلك فانه يصدق انه ترك ولم ينتقل لاشتراط الواقف فلاحظ

٨ شرط الارث حياة الوارث حين موت المورث اجماعا

فرع او تبين زمن موت المورث او اتحدا او علم او الجهل بالسبق اجماعا او علم بهم ثم الارث اجماعا في ظاهر ما علم العلم الامكان مانع من السابق فيهما وان علم الفرع وفى المخ السبق واشتبه الاسفل فيهما فلعل الوارث وقد تثبت كان عدم احكام الغرق وقد ثبت موت احدهما الاخر ولا يتعدد ويحمل احكام سبق موت الطرفين وان والمهدوم عليهم اذا جهل التوارث من الطرفين والمهدوم عليهم اجماعا بشرط النوارث بخلاف الاول او ان اجماعا احدهما مال وجب النوارث الوجهين لهما او لاحدهما من صاحبه الى ورثة الميت ثم يكون لكل منهما من الموروث منه الاخرى الاول ينتقل ارث كل منهما على الموروث منه الاخر ثم الاضعف ولا يرث كل منهما وجوب تقديم الثانى فان قلنا وفى يرث وفى اشهرهما تقدم ابتداء كل منهما و قيل يرث قولان مع الاخر او استحبابه لعلم الوجهين مما ورث منه يعتبر بعد ذلك

اطلاق الفتوى في الغرقى والمهدوم عليهم يشمل صورة اشتباه السابق مع العلم بالسبق ويحتمل فيه القرعة وانتفاء الارث على الوجهين اقتصارا على المتيقن في جريان حكمهما بما اذا كان بسبب غيرهما فقولان اشهرهما العدم وقوفا على مورد النص والاجماع اما مع حتف الانف فلا اجماعا

٩ اللعان والزنا مانعان من الارث اجماعا

اما اللعان فهو يوجب انفساخ العقد بين الزوجين وانتفاء نسب الولد المنفى عن عن الاب فلا يرث احدهما الاخر ولا اقاربه الاخر ولا اقاربه ويرثه امه وولده والزوج او الزوجة ومن يتقرب اليه بالام وهو بينهم وقيل لا يرثه اخواله الا ان يعترف الاب و لو لم يكن له ولد كان الثلث للام بالفرض والباقى ردا بعد نصيب الزوجة ان كان و فى رواية لها الثلث والباقى للامام ع و عن الشيخ وابن الجنيد العمل بها مع عدم عصبة الام وعن الصدوق العمل بها حال حضوره ع خاصة والمشهور الاول و لو اكذب الاب نفسه فى اللعان واعترف به ورثه الولد ولا يرثه الاب والمشهور عدم التوارث بين الولد واقارب الاب وقيل يرثهم وقال الفاضل بالتوارث ان اعترفوا به

ويثبت اى اخوته لابيه ومع اخوته لامه امن نصاب الارث ما الابوين والاقرب ولو كان التوارث اما لولد الزنا ولد الانثى ما لاهما اصلا لا الزوجين وكذا الحكم اجماع الانساب ويرث الفقير امه فقالوا بينهم الامام بعد نصيب الزوجين ان لم يكن احد ابويه والفاضل من الوارث وفى رواية انه ترثه امه وللولد الا فهو والوارث ولو كان احد الابوين هو شاذه ماحل انتسب الوارث من طرفيهم

[illegible]

اهل المرتبة الاولى من الانساب هم بحسب اختلافهم في الارث بالقرابة و بالفرض و في مقدار الفروض خمسة اصناف و لا يرث

الاب	الام	البنت	البنات	الذكور من الاولاد مع الاناث وبدونهن	الزوج	الزوجة
المال له بالقرابة	لها ثلث المال بالفرض والباقي بالرد الفريضة من ثلثة	لها النصف بالفرض والباقي بالرد الفريضة من اثنين	لهن الثلثان بالفرض والباقي بالرد الفريضة لهما ايضا من عدد الرؤس	لهم المال بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين الفريضة من عدد سهام الذكور والاناث للانثى سهم وللذكر سهمان	له النصف بالفرض والباقي لغيره من الورثة في جميع المراتب الا مع الامام فالكل له الرد عليه وقيل لا يرد بل النصف للامام ع	لها الربع بالفرض والباقي لغيرها من الورثة في جميع المراتب حتى مع الامام ع على المشهور الفريضة من اربعة

صور اجتماع اهل المرتبة الاولى من الانساب بعضهم مع بعض و مع الاسباب و هي سبع عشر صورة

الابوان	الاب والبنت	الاب والبنات	الاب والاولاد الذكور مع الاناث وبدونهن	الاب والزوج	الاب والزوجة
فللام الثلث مع عدم الحاجب والسدس معه والباقي من الثلثين او الخمسة اسداس للاب	للاب السدس بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي يرد ارباعا الفريضة من اربعة	للاب السدس بالفرض وللبنات الثلثان كذلك والباقي يرد اخماسا اصل الفريضة خمسة	للاب السدس بالفرض والباقي للاولاد للذكر مثل حظ الانثيين اصل الفريضة ستة	للزوج النصف بالفرض والباقي للاب بالقرابة الفريضة من اثنين	للزوجة الربع بالفرض وان تعددت والباقي للاب بالقرابة اصل الفريضة اربعة
	الام والبنت	الام والبنات	الام والاولاد الذكور مع الاناث وبدونهن	الام والزوج	الام والزوجة
الفريضة على الاول من ثلاثة وعلى الثاني من ستة	كالاب والبنت الفريضة من اربعة	كالاب والبنات اصل الفريضة خمسة	كالاب والاولاد اصل الفريضة ستة	للزوج النصف بالفرض وللام الثلث كذلك والباقي رد عليها الفريضة من ستة وتصح من اثنين	للزوجة الربع بالفرض وان تعددت وللام الثلث كذلك والباقي رد على الام اصل الفريضة اربعة وتصح من اثنا عشر
الزوج والبنت	الزوج والبنات	الزوج والاولاد الذكور مع الاناث او بدونهن	الزوجة والبنت	الزوجة والبنات	الزوجة والاولاد الذكور مع الاناث وبدونهن
للزوج الربع بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي رد عليها ٤ الفريضة من اربعة	للزوج الربع بالفرض وللبنات الثلثان كذلك والباقي رد عليهن ١٢ اصل الفريضة اثنى عشر	للزوج الربع بالفرض والباقي للاولاد للذكر مثل حظ الانثيين ٤ اصل الفريضة اربعة	للزوجة الثمن بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي رد على البنت ٨ الفريضة من ثمانية	للزوجة الثمن بالفرض وللبنات الثلثان كذلك والباقي رد على البنات ٢٤ الفريضة من اربعة وعشرين	للزوجة الثمن بالفرض والباقي للاولاد للذكر مثل حظ الانثيين ٨ اصل الفريضة ثمانية

حيث يذكر البنت فالمراد الواحدة والبنات فالمراد اثنتان فما زاد

حيث يذكر الاولاد الذكور فالمراد الجنس الشامل للواحد والمتعدد والمراد وجودهم لا بشرط كونهم مع الاناث او بدونهن منه دام ظله



صور اجتماع بعضهم مع بعض ثلاثية وهي سبع عشرة ايضا

الأبوان مع البنت	الأبوان مع البنات	الأبوان مع اولاد الذكور مع الاناث او بدونهن	الأبوان مع الزوج	الأبوان مع الزوجة
لكل واحد من الأبوين السدس بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي يرد اخماسا مع عدم الحاجب للام من الاخوة ومعه يرد على الاب والبنت ارباعا	لكل واحد من الأبوين السدس بالفرض وللبنات الثلثان كذلك بالفرض بينهن بالسوية	لكل واحد من الأبوين السدس بالفرض والباقي للاولاد للذكر مثل حظ الانثيين	للزوج النصف بالفرض وللام السدس مع الحاجب والثلث لا معه والباقي للاب على التفصيل	للزوجة الربع بالفرض وللام السدس مع الحاجب والثلث لا معه والباقي للاب
الفريضة [illegible] عشرين وللام خمسة	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ستة	الفريضة من ستة	اصل الفريضة اثنا عشر

الاب والزوج مع البنت	الاب والزوج مع البنات	الاب والزوج مع الاولاد الذكور	الاب والزوجة مع البنت	الاب والزوجة مع البنات	الاب والزوجة مع الاولاد الذكور
للزوج الربع وللاب السدس وللبنت النصف والباقي يرد على البنت والاب ارباعا	للزوج الربع وللاب السدس والباقي للبنات يرد عليهن النقص	للزوج الربع وللاب السدس والباقي للاولاد الذكور للذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الثمن وللاب السدس وللبنت النصف والباقي يرد على البنت والاب ارباعا	للزوجة الثمن وللاب السدس وللبنات الثلثان والباقي يرد على الاب والبنات اخماسا	للزوجة الثمن بالفرض وللاب السدس كذلك والباقي للاولاد بالقرابة للذكر مثل حظ
الفريضة من ثمانية واربعين	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة ستة وتسعون	اصل الفريضة مائة وعشرون	اصل الفريضة اربعة وعشرون

الام والزوج مع البنت	الام والزوج مع البنات	الام والزوج مع الاولاد الذكور	الام والزوجة مع البنت	الام والزوجة مع البنات	الام والزوجة مع الاولاد الذكور
الام كالاب والزوج والبنت كما فصل	الام كالاب والزوج والبنات كما فصل	الام كالاب والزوج والاولاد كما فصل	الام كالاب والزوجة والبنت كما فصل	الام كالاب والزوجة والبنات كما فصل	الام كالاب والزوجة والبنات مع الاولاد الذكور كما فصل
ثمانية واربعون	اصل الفريضة اثنا عشر	الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة ستة وتسعون	اصل الفريضة مائة وعشرون	اصل الفريضة اربعة وعشرون

صور اجتماع بعضهم مع بعض رباعية وهي ست صور في ذلك الجدول

الابوان والزوج مع البنت	الابوان والزوج مع البنات	الابوان والزوج مع الاولاد الذكور	الابوان والزوجة مع البنت	الابوان والزوجة مع البنات	الابوان والزوجة مع الاولاد الذكور
للزوج الربع ولكل واحد من الابوين السدس والباقي للبنت يرد عليها النقص	للزوج الربع وللابوين السدسان والباقي للبنات يرد عليهن النقص	للزوج الربع بالفرض وللابوين السدسان كذلك والباقي للاولاد بالقرابة للذكر [illegible]	للزوجة الثمن وللابوين السدسان بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي يرد على الابوين والبنت اخماسا مع عدم الحاجب للام والا فارباعا	للزوجة الثمن وللابوين السدسان والباقي للبنات يرد عليهن النقص	للزوجة الثمن وللابوين السدسان بالفرض والباقي للاولاد للذكر مثل حظ الانثيين
الفريضة من اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة مع الحاجب ستة وتسعون ولا معه مائة وعشرون	اصل الفريضة اربعة وعشرون	اصل الفريضة اربعة وعشرون

اعلم ان كلالة الاب وحده لا يرث مع كلالة الابوين وانما يقومون مقامهم عند عدمهم ولا يمنع كلالة الام بشئ منهما الا في الرد فان كان في الفريضة رد لم يرد على كلالة الام مع وجود كلالة الابوين اما مع وجود كلالة الاب وحده ففي الرد على الجميع بنسبة سهامهم واختصاص كلالة الاب قولان مشهوران لا يخ ثانيهما من قوة واعلم ان من يرث من الكلالة بالفرض وهم الاخت المنفردة والاختان فصاعدا للابوين وللاب وكلالة الام مط انما يرثون كك اذا لم يكن احد من الاجداد من ذلك الطرف فلو اجتمع مع الاخت والاخوات جد او جدة كان ارث الجميع بالقرابة لا بالفرض للذكر ضعف الانثى وكذا لو كان مع كلالة الام جد وجدة لها ورثوا جميعا بالقرابة لا بالفرض ولو كان مع كلالة الام الاجداد للاب فللكلالة السدس او الثلث بالفرض والباقي للاجداد من قبل الاب ولو كان مع الاخت او الاختين للاب فصاعدا الاجداد للام فلهن فرضهن وللاجداد للام الثلث فان كان رد كما اذا كان الوارث اختا واحدة مع الاجداد للام فان كانت الاخت للابوين فظ الاصحاب اختصاصها بالرد ولم اعثر على من احتمل سواه وان كانت للاب خاصة فظاهر المشهور ذلك ايضا واحتمل في عدالرد بالنسبة وربما يحتمل ايضا اختصاص الاجداد به لانهم يرثون بالقرابة ولا رد على الوارث بالفرض مع عدم وارث بالقرابة لكن هذا التعليل يقتضي عدم الرد على الاخت للابوين ايضا فلاحظ

اصناف

اهل المرتبة الثانية من الانساب ومن يرث معهم من الاسباب وهم بحسب اختلافهم في ارث ما والارث بالفرض والقرابة او بالفرض والتعصيب في مقدار الفرض			
الاخت للاب منفردة	الاختان فصاعدا للاب	الذكور او الاخوة الاخ مع الاناث او بدونهن	كلالة الام المتحد
لها النصف بالفرض والنصف بالرد ولا تعصيب	لهن الثلثان بالفرض والباقي بالرد ولا تعصيب	لهم المال بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	له السدس بالفرض والباقي بالرد ولا تعصيب
الفريضة من اثنين	اصل الفريضة ثلثة وتمامها على الرؤس	الفريضة من عدد السهام للانثى سهم للذكر سهمان	الفريضة من ستة

كلالة الام المتعدد	الاجداد للاب	الاجداد للام	الزوج	الزوجة
لهم الثلث بالفرض والباقي بالرد يقتسمونه بالسوية ولا تعصيب	يرثون بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	يرثون بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	له النصف والباقي كما سبق	لها الربع والباقي كما سبق
اصل الفريضة ثلثة وتمامها من عدد الرؤس	الفريضة من عدد السهام	الفريضة من عدد الرؤس	الفريضة من اثنين	الفريضة من اربعة



صور اجتماع اهل المرتبة الثانية من الانساب و يجتمع معهم من الانساب ثنائية و هي احدى و ثلثون صورة

الزوج مع الاخت للاب	الزوج مع الاخوات للاب	الزوج مع الاخوة للاب	الزوجة مع الاخت للاب	الزوجة مع الاخوات للاب	الزوجة مع الاخوة للاب
له النصف بالفرض و لها النصف كذلك	له النصف ولهن الباقي يرد عليهن لا نقص و لا عول	للزوج النصف بالفرض وللاخوة الباقي بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع بالفرض وللاخت النصف كذلك والباقي رد على الاخت	للزوجة الربع بالفرض وللاخوات الثلثان كذلك والباقي رد على الاخوات	للزوجة الربع بالفرض والباقي للاخوة بالقرابة للذكر مثل حظ اه
الفريضة من اثنين	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة اثنان	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة اثنا عشر	اصل الفريضة اربعة
كلالة الام المتحد مع الاخت للاب	كلالة الام المتحد مع الاخوات للاب	كلالة الام المتحد مع الاخوة للاب	كلالة الام المتعدد مع الاخت للاب	كلالة الام المتعدد مع الاخوات للاب	كلالة الام المتعدد مع الاخوة للاب
للكلالة السدس بالفرض وللاخت النصف كذلك فان كان للابوين رد الباقي عليها والا ففي الرد عليها او عليهما بالنسبة قولان	للكلالة السدس بالفرض و للاخوات الثلثان كذلك و الباقي للاخوات ان كن للابوين والا ففيه القولان اصل الفريضة ستة وتصح على القول الثاني من خمسة	للكلالة السدس بالفرض والباقي للاخوة بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	للكلالة الثلث بينهم بالسوية وللاخت النصف بالفرض والباقي رد عليها ان كانت للابوين والا ففيه القولان	للكلالة الثلث بينهم بالسوية وللاخوات الثلثان	للكلالة الثلث بالفرض بينهم بالسوية وللاخوة الثلثان بالقرابة للذكر اه
		اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ستة وتصح على الثاني من خمسة	اصل الفريضة ثلاثة	اصل الفريضة ثلاثة
الاجداد للاب مع الاجداد للام المتحد	الاجداد للاب مع الاجداد للام المتعدد	الاجداد للاب مع الاخت للاب	الاجداد للاب مع الاخوات للاب	الاجداد للاب مع كلالة الام المتحد	الاجداد للاب مع كلالة الام المتعدد
ثلث المال للاجداد للام بالسوية وثلثاه للاجداد للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا	المال لهم بالقرابة للذكر مثل حظ اه	المال لهم بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	المال لهم بالقرابة للذكر مثل حظ اه	للكلالة السدس و الباقي للاجداد بالتفاوت	للكلالة الثلث بالسوية والباقي للاجداد بالتفاوت
اصل الفريضة ثلثة	الفريضة من عدد السهام	الفريضة من عدد السهام	الفريضة من عدد السهام	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ثلثة
الزوج مع الاجداد للاب	الزوج مع كلالة الام المتحد	الزوج مع كلالة الام المتعدد	الزوجة مع جد للاب	الزوجة مع كلالة الام المتحد	الزوجة مع كلالة الام المتعدد
للزوج النصف بالفرض والباقي للاجداد بالقرابة بالتفاوت	للزوج النصف وللكلالة السدس بالفرض والباقي رد على الكلالة	للزوج النصف وللكلالة الثلث بالسوية والباقي رد على الكلالة	للزوجة الربع بالفرض والباقي للاجداد بالقرابة فان تعددوا فللذكر اه	للزوجة الربع بالفرض والباقي للاجداد بالقرابة وللكلالة السدس كذلك والباقي رد عليه	للزوجة الربع بالفرض وللكلالة الثلث بالسوية والباقي رد على الكلالة
اصل الفريضة اثنان	الفريضة من ستة	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة اثنا عشر

اصل الفريضة ثمانية عشر على القول الثاني ومن [illegible]

الاجداد للام مع الزوج	الاجداد للام مع الزوجة	الاجداد للام مع الاخت للاب	الاجداد للام مع الاخوات للاب	الاجداد للام مع الاخوة للاب	الاجداد للاب مع كلالة الام المتحد	الاجداد للاب مع كلالة الام المتحد
للزوج النصف والباقي للاجداد للام بالسوية	للزوجة الربع والباقي للاجداد للام بالسوية	للاجداد الثلث بالسوية وللاخت النصف بالفرض والباقي رد عليها ان كانت للابوين في ظ الاصحاب وان كانت للاب وحده كذلك على الاظهر واحتمل الرد بالنسبة	للاجداد الثلث بالسوية وللاخوات الثلثان كذلك	للاجداد الثلث بالسوية وللاخوة الثلثان للذكر مثل اه	المال لهم بالقرابة بالسوية	المال لهم بالقرابة بالسوية
اصل الفريضة اثنان	اصل الفريضة اربعة	اصل الفريضة ستة	اصل الفريضة ثلثة	اصل الفريضة ثلثة	الفريضة من عدد الرؤس	الفريضة من عدد الرؤس

صور اجتماع اهل المرتبة الثانية ومن يرث معهم من الاسباب خماسية وهي اثنا عشرة صورة هكذا

الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتحد مع الاخت	الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتعدد مع الاخت	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتحد مع الاخت	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخت
نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد فيقسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخت للاب للذكر	نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل حظ آه	ربع المال للزوجة وان تعددت وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل حظ آه	ربع المال للزوجة بالفرض وان تعددت وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد فيقسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخت للذكر مثل آه
الفريضة ستة	ستة	اثنا عشر	اثنا عشر
الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتحد مع الاخوات	الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتعدد مع الاخوات	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتحد مع الاخوات	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخوات
نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل حظ آه	نصف المال للزوج بالفرض و ثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذ آه	ربع المال للزوجة وان تعددت وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل حظ آه	ربع المال للزوجة بالفرض وان تعددت وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوات للذكر مثل آه
الفريضة ستة	ستة	اثنا عشر	اثنا عشر
الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتحد مع الاخوة	الاجداد من الطرفين والزوج والكلالة المتعدد مع الاخوة	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتحد مع الاخوة	الاجداد من الطرفين والزوجة والكلالة المتعدد مع الاخوة
نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ آه	نصف المال للزوج بالفرض وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقسمونه بالسوية والباقي وهو السدس لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ آه	ربع المال للزوجة وثلثه لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتحد يقسمونه بالسوية والثالث لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع بالفرض وثلث المال لقرابة الام من الاجداد والكلالة المتعدد يقسمونه بالسوية والباقي لقرابة الاب من الاجداد والاخوة للذكر مثل حظ الانثيين
الفريضة ستة	الفريضة ستة	الفريضة اثنا عشر	الفريضة اثنا عشر

اصل المرتبة الثالثة ويتم بحسب اختلافهم في مقدار الارث ستة اصناف ويرث معهم من الاسباب الزوج والزوجة والمذكر [illegible]

الاعمام للاب	الاخوال للاب	الأعمام للام	الأخوال للام
المال لهم بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين الفريضة من عدد السهام	لهم المال بالقرابة يقتسمونه بالسوية على المشهور وقيل بالتفاوت الفريضة على المشهور عدد الرؤس وعلى القول الآخر عدد السهام	المال لهم بالقرابة يقتسمون بالسوية في ظاهر الاصحاب الفريضة من عدد الرؤس	المال لهم بالقرابة يقتسمون بالسوية اجماعا الفريضة من عدد الرؤس
العم المنفرد او العمة للام	الخال المنفرد او الخالة للام	الزوج	الزوجة
له المال بالقرابة	له المال بالقرابة	له النصف والباقي للمعتق ومن بحكمه ثم ضامن الجريرة والاقرب رده عليه على المشهور	لها الربع والباقي للمعتق ومن بحكمه ثم ضامن الجريرة ثم الامام او نائبه على المشهور

صور اجتماع اهل المرتبة الثالثة من الانساب ومن يرث معهم من الاسباب ثنائية وهي خمس وعشرون صورة

الاعمام للاب مع الاخوال للاب	الاعمام للاب مع العم او العمة للام	الاعمام للاب مع الاعمام للام	الاعمام للاب مع الخال او الخالة للام	الاعمام للاب مع الاخوال للام
ثلثا المال للاعمام للذكر مثل حظ الانثيين اجماعا وثلثه للاخوال للاب يقتسمونه بالسوية على المشهور اصل الفريضة ثلاثة	سدس المال للعم او العمة للام والباقي للاعمام للذكر مثل حظ الانثيين للاب ستة	ثلثا المال للاعمام للاب للذكر مثل حظ الانثيين وثلثه للاعمام للام يقتسمونه بالسوية في ظاهر الاصحاب ثلاثة	ثلثا المال للاعمام بالتفاوت وثلثه للخال او الخالة للام على المشهور وقيل له السدس والباقي للاعمام على الاول ثلاثة وعلى الثاني ستة	ثلثا المال للاعمام للذكر مثل حظ الانثيين وثلثه للاخوال يقتسمون بالسوية ثلاثة
الاخوال للاب مع العم او العمة للام	الزوج مع الاعمام للاب	الزوج مع العم او العمة للام	الزوجة مع العم او العمة للام	العم او العمة للام مع الخال او الخالة للام
ثلث المال للاخوال بالسوية وثلثاه للعم او العمة للام كله بالقرابة ثلاثة	نصف المال للزوج بالفرض والنصف للاعمام للاب بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين اثنان	للزوج النصف بالفرض والباقي للعم او العمة بالقرابة اثنان	للزوجة الربع بالفرض وللعم او العمة للام الباقي بالقرابة اربعة	ثلثا المال للعم او العمة للام وثلثه للخال او الخالة للام ثلاثة
الاخوال للاب مع الاعمام للام	الزوج مع الاخوال للاب	الزوج مع الاعمام للام	الزوجة مع الاعمام للام	العم او العمة للام مع الاخوال للام
ثلث المال للاخوال للاب بالسوية على المشهور وثلثاه للاعمام للام بالسوية اصل الفريضة ثلاثة	للزوج النصف بالفرض والنصف للاخوال بالقرابة يقتسمونه بالسوية على المشهور وقيل بالتفاوت اثنان	للزوج النصف بالفرض والنصف للاعمام للام بالقرابة يقتسمونه بالسوية اثنان	للزوجة الربع وان تعددت والباقي للاعمام للام يقتسمونه بالسوية اربعة	ثلثا المال للعم او العمة للام وثلثه للاخوال للام بالسوية ثلاثة

تتمة صفحة قبل

الاخوال للاب مع الخال او الخالة للام	الزوجة مع الاعمام للاب	الزوج مع الخال او الخالة للام	الزوجة مع الخال والخالة للام	الاعمام للام مع الخال والخالة للام
سدس المال للخال او الخالة للام والباقي للاخوال للاب بالسوية على المشهور الفريضة ستة	للزوجة الربع بالفرض والباقي للاعمام للاب للذكر مثل اه اربعة	للزوج النصف بالفرض والباقي للخال او الخالة للام اثنان	للزوجة الربع بالفرض وان تعددت والباقي للخال او الخالة للام بالقرابة اربعة	ثلثا المال للاعمام بالسوية وثلثه للخال او الخالة للام ثلاثة
الاخوال للاب مع الاخوال للام	الزوجة مع الاخوال للاب	الزوج مع الاخوال للام	الزوجة مع الاخوال للام	الاعمام للام مع الاخوال للام
ثلثا المال للاخوال للاب بالسوية على المشهور وثلثه للاخوال للام بالسوية اجماعا الفريضة ثلاثة	للزوجة الربع بالفرض وان تعددت والباقي للاخوال للاب يقتسمونه بالسوية اربعة	للزوج النصف بالفرض والباقي للاخوال بالقرابة يقتسمونه بالسوية اثنان	للزوجة الربع وان تعددت والباقي للاخوال للام بالقرابة بالسوية اربعة	ثلثا المال للاعمام يقتسمونه بالسوية في ظاهر الفتاوى وثلثه للاخوال للام يقتسمونه بالسوية اجماعا ثلاثة
صور اجتماع اهل المرتبة الثالثة من الانساب ومن يرث معهم من الاسباب ثلاثية وهي ثمان وثلثون صورة				
الاعمام للاب والاخوال للاب مع الزوج	الاعمام للاب والزوج مع العم والعمة للام	الاعمام للاب والزوج مع الاعمام للام	الاعمام للاب والزوج مع الخال او الخالة للام	الاعمام للاب والزوج مع الاخوال للام
للزوج النصف وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين الفريضة ستة	للزوج النصف وللعم او العمة للام سدس الاصل في ظاهر الاصحاب والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا وان تعددوا واختلفوا فللذكر اه ستة	للزوج النصف بالفرض وللاعمام للام ثلث الاصل في ظاهر الاصحاب بالسوية والباقي للاعمام للاب وان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر اه ستة	للزوج النصف وللخال والخالة الثلث والباقي للاعمام وان كان واحدا ومع التعدد والاختلاف فللذكر مثل اه ستة	للزوج النصف وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا ستة
الاعمام للاب والاخوال للاب مع الزوجة	الاعمام للاب والزوجة مع العم والعمة للام	الاعمام للاب والزوجة مع الاعمام للام	الاعمام للاب والزوجة مع الخال او الخالة للام	الاعمام للاب والزوجة مع الاخوال للام
للزوجة الربع وان تعددت وللاخوال الثلث بالسوية وللاعمام الباقي بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا الفريضة اثنا عشر	للزوجة الربع وللعم او العمة للام سدس الاصل في ظاهر الاصحاب والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا الفريضة اثنا عشر	للزوجة الربع وللاعمام للام الثلث في ظاهر الاصحاب والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا الفريضة اثنا عشر	للزوجة الربع وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام للذكر مثل حظ اه ان تعددوا واختلفوا الفريضة اثنا عشر	للزوجة الربع وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا اثنا عشر



تتمة الصفحة السابقة

الاعمام للاب والاخوال للاب مع الاعمام للام	الاخوال للاب والزوج مع العم او العمة للام	الاخوال للاب والزوج مع الاعمام للام	الاخوال للاب والزوج مع الخال او الخالة للام	الاخوال للاب والزوج مع الاخوال للام
للاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب ان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين	للزوج النصف وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للعم او العمة ستة	للزوج النصف وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام بالسوية ستة	للزوج النصف وللخال والخالة للام السدس من الاصل او من الباقي او من الثلث على اختلاف الاقوال والباقي للاخوال للاب بالسوية على الاول ٦ على الثاني ١٢ على الثالث ١٨	للزوج النصف وللاخوال للام ثلث الاصل او ثلث الباقي او ثلث الثلث على خلاف الاقوال بالسوية والباقي للاخوال للاب بالسوية على الاول والثاني ٦ على الثالث ١٨
	الاخوال للاب والزوجة مع العم والعمة للام	الاخوال للاب والزوجة مع الاعمام للام	الاخوال للاب والزوجة مع الخال او الخالة للام	الاخوال للاب والزوجة مع الاخوال للام
تسعة الاعمام للاب والاخوال للاب مع الاخوال للام	للزوجة الربع وان تعددت وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للعم او العمة اثنا عشر	للزوجة الربع وان تعددت وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام كذلك اثنا عشر	للزوجة الربع وللخال او الخالة سدس الاصل وسدس الباقي او سدس الثلث على اختلاف الاقوال والباقي للاخوال للاب بالسوية على الاول ١٢ على الثاني ١٨ على الثالث ٣٦	للزوجة الربع وان تعددت وللاخوال للام ثلث الاصل في قول وثلث الباقي في قول وثلث الثلث في قول بالسوية على كل حال والباقي للاخوال للاب بالسوية على الاول على الثاني ١٢ على الثالث ٦
للاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام وثلثاه للاخوال للاب بالسوية والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل آه	الاعمام للاب والاعمام للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والاعمام للام مع الاخوال للام	الاعمام للاب والعم او العمة للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والعم والعمة للام مع الاخوال للام
	للخال والخالة الثلث والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب ان كان واحدا ومع التعدد والاختلاف للذكر مثل آه	للاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل آه	للخال او الخالة الثلث وللعم او العمة سدس الباقي والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا ومع التعدد والاختلاف للذكر مثل حظ الانثيين	للاخوال الثلث بالسوية وللعم او العمة سدس الباقي والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا ومع التعدد والاختلاف للذكر مثل حظ الانثيين
تسعة	تسعة	تسعة	تسعة	تسعة



تتمة لصفحة السابقة

الاعمام للاب والاخوال للاب مع العم او العمة للام	الزوج والاعمام للام مع الخال او الخالة للام	الزوج والاعمام للام مع الاخوال للام	الزوج والعم او العمة للام مع الخال او الخالة للام	الزوج والعم او العمة للام مع الاخوال للام
للاخوال الثلث بالسوية ثم للعم او العمة سدس الباقي والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا وان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين تسعه	للزوج النصف وللخال والخالة الثلث والباقي للاعمام بالسوية سته	للزوج النصف للاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام بالسوية سته	للزوج النصف للخال او الخالة للام الثلث والباقي للعم او العمة سته	للزوج النصف وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للعم او العمة سته
الاعمام للاب والاخوال للاب مع الخال او الخالة للام	الاخوال للاب والاعمام للام مع الخال او الخالة للام	الاخوال للاب والاعمام للام مع الاخوال للام	الاخوال للاب والعم او العمة للام مع الخال او الخالة للام	الاخوال للاب والعم او العمة للام مع الاخوال للام
للاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام والباقي للاخوال للاب بالسوية والثلثان للاعمام وان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين ثمانية عشر	ثلث المال للاخوال سدسه للخال والخالة للام والباقي للاخوال للاب بالسوية والثلثان للاعمام للام بالسوية ثمانية عشر	ثلث المال للاخوال للاب ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب بالسوية والباقي للاعمام للام بالسوية تسعه	للاخوال الثلث ثلث الام سدسه للخال والخالة الام والباقي للاخوال للاب والثلثان للعم او العمة ثمانية عشر	للاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب والباقي للعم او العمة تسعه
	الزوجة والاعمام للام مع الخال والخالة للام	الزوجة والاعمام للام مع الاخوال للام	الزوجة والعم او العمة للام مع الخال او الخالة للام	الزوجة والعم او العمة للام مع الاخوال للام
	للزوجة الربع وان تعددت وللخال والخالة الثلث والباقي للاعمام بالسوية اثنا عشر	للزوجة الربع وان تعددت وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام للام بالسوية اثنا عشر	للزوجة الربع وان تعددت وللخال او الخالة الثلث والباقي للعم او العمة اثنا عشر	للزوجة الربع وان تعددت وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للعم او العمة اثنا عشر

صور اجتماع اهل المرتبة الثالثة من الانساب و من يجتمع معهم من الاسباب باعيانه وهي ثمان وعشرون صورة

الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج مع العم او العمة للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج مع الاعمام للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج مع الاخوال للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة مع العم والعمة للام
للزوج النصف وللاخوال الثلث بينهم بالسوية والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة والباقي للاعمام للاب فان كان واحدا فله وان تعددوا واختلفوا فللذكر ...	للزوج النصف وللاخوال الثلث والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بينهم بالسوية وثلثاه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر ...	للزوج النصف وللاخوال الثلث سدس الثلث للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بينهم بالسوية والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان اختلفوا	للزوج النصف وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بينهم بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كلا والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان اختلفوا	للزوجة الربع وان تعددت وللاخوال الثلث بينهم بالسوية والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة للام وخمسة اسداسه للاعمام للاب ان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر ...
ستة وثلثون	ثمانية عشر	ثمانية عشر	ثمانية عشر	اثنان وسبعون
الاعمام للاب والاخوال للاب والعم او العمة للام مع الاخوال للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة مع الاعمام للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة مع الخال والخالة	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة مع الاخوال للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والعم او العمة للام مع الخال
للاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كلا ان تعددوا وللاعمام الثلثان سدسهما للعم او العمة للام والباقي للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع وللاخوال الثلث بينهم بالسوية والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت	للزوجة الربع وللاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية والباقي للاعمام للاب بالتفاوت	للزوجة الربع وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كلا والباقي للاعمام للاب بالتفاوت ان اختلفوا	ثلث المال للاخوال سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية وثلثاه للاعمام سدسه للعم او العمة والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل ...
تسعة	ستة وثلثون	ستة وثلثون	ستة وثلثون	ثمانية عشر
	الاعمام للاب والاخوال للاب والاعمام للام والخال او الخالة للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والاعمام للام مع الاخوال للام	الاعمام وللاب والزوج والعم او العمة للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والزوج والعم والعمة للام مع الاخوال للام
	للاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بينهم بالسوية ان تعددوا والثلثان للاعمام ثلثهما للاعمام للام بينهم بالسوية والباقي للاعمام للاب للذكر مثل حظ الانثيين ان اختلفوا	للاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال كلا ان تعددوا وللاعمام الثلثان ثلثهما للاعمام للام بالسوية والباقي للاعمام للاب ان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين	للزوج النصف وللخال والخالة الثلث والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة وخمسة اسداسه للاعمام للاب ان كان واحدا فله وان تعددوا واختلفوا فللذكر ...	للزوج النصف وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة والباقي للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ ...
	ثمانية عشر	تسعة	ستة وثلثون	ستة وثلثون

تتمة الصفحة السابقة

الاعمام للاب والزوج والاعمام للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والزوج والاعمام للام مع الاخوال للام	الاعمام للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الاخوال للام	الاعمام للاب والزوجة والاعمام للام مع الخال والخالة للام
للزوج النصف وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت ان اختلفوا وتعددوا	للزوج النصف للاخوال للام الثلث بالسوية والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا	للزوجة الربع وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة للام والباقي للاعمام للاب ان كان واحدا فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل	للزوجة الربع وللخال الثلث بالسوية والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة والبقية للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل	للزوجة الربع وللخال او الخالة الثلث والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب وان كان واحدا ومع التعدد والاختلاف للذكر مثل حظ الانثيين
ثمانية عشر	ثمانية عشر	اثنان وسبعون	اثنان وسبعون	ستة وثلثون
الاعمام للاب والزوجة والاعمام للام مع الاخوال للام	الاخوال للاب والزوج والعم او العمة للام مع الخال والخالة	الاخوال للاب والزوج والعم او العمة للام مع الاخوال للام	الاخوال للاب والزوج والاعمام للام مع الخال والخالة للام	الاخوال للاب والزوج والاعمام للام مع الاخوال للام
للزوجة الربع وللاخوال الثلث بالسوية والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا	للزوج النصف وللاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للعم او العمة	للزوج النصف وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للعم او العمة للام	للزوج النصف وللاخوال الثلث سدسه للخال و الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام للام بالسوية	للزوج النصف وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام للام بالسوية
	ثمانية عشر	ثمانية عشر	ثمانية عشر	ثمانية عشر
	الاخوال للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الخال والخالة للام	الاخوال للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الاخوال للام	الاخوال للاب والزوجة والاعمام المتعددون للام مع الخال او الخالة	الاخوال للاب والزوجة والاعمام المتعددون للام مع الاخوال للام
	للزوجة الربع وللاخوال الثلث سدسه للخال والخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا واختلفوا	للزوجة الربع وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا و الباقي للعم او العمة	للزوجة الربع وللاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام بالسوية	للزوجة الربع و الاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا و والباقي للاعمام بالسوية
اثنان وسبعون	ستة وثلثون	ستة وثلثون	ستة وثلثون	ستة وثلثون

صور اجتماع اهل المرتبة الثالثة من الانساب ومن يجتمع معهم من الاسباب خماسية وهي ثمان

الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج والاعمام المتعددون للام مع الخال او الخالة للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج والاعمام المتعددون للام مع الاخوال للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج والعم او العمة للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوج والعم او العمة للام مع الاخوال للام
للزوج النصف وللاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل اه	للزوج النصف وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا	للزوج النصف وللاخوال الثلث سدسه للخال والخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة والباقي للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر اه	للزوج النصف وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة وخمسة اسداسه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل اه
ثمانية عشر	ثمانية عشر	ستة وثلثون	ستة وثلثون
الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة والاعمام المتعددون للام مع الخال والخالة للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة والاعمام المتعددون للام مع الاخوال للام	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الخال والخالة	الاعمام للاب والاخوال للاب والزوجة والعم او العمة للام مع الاخوال للام
للزوجة الربع وللاخوال الثلث سدسه للخال والخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل حظ الانثيين	للزوجة الربع وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام ثلثه للاعمام للام بالسوية وثلثاه للاعمام للاب بالتفاوت ان تعددوا واختلفوا	للزوجة الربع وللاخوال الثلث سدسه للخال او الخالة للام وخمسة اسداسه للاخوال للاب بالسوية ان تعددوا والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة والباقي للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر اه	للزوجة الربع وللاخوال الثلث ثلثه للاخوال للام بالسوية وثلثاه للاخوال للاب كذلك ان تعددوا والباقي للاعمام سدسه للعم او العمة وخمسة اسداسه للاعمام للاب فان تعددوا واختلفوا فللذكر مثل اه
اصل الفريضة ستة وثلثون	اصل الفريضة ستة وثلثون	اصل الفريضة اثنان وسبعون	اصل الفريضة اثنان وسبعون

جناب مستطاب فخر المدققين وعمدة المحققين تاج الادبا و راس الاذكياء سلالة الانجاب و
زين الطلاب آقا شیخ محمد صادق خلف ارجمند خلد آشیان جنت مکان مرحوم مبرور حاج میرزا احمد
... و ابن اقل الطلاب ابو القاسم الجیلانی مدتی در صدد این ثواب جزیل بودیم که حسب الله
ارشاد با تمام دقت در تصحیح کوشیده بطبع رسانید که کافه ناس از او
منتفع شوند والحمد للمعبود که آن قدر دقتی که در تصحیح لازم
بود بعمل آمد از ناظرین ابن الشیخ التماس عفو
واغماض از خطا از وجد و الیهم

در مطبعه آقا علی شیرازی — محرم الحرام ۱۳۰۸ — دامت فاتحه ... والسلم

خاطر بعض از مجاورین آنها و ظهور پاره مناقشات در بین ایشان و مرتفع شدن آن و تمایل عامه بامور فلاحی و حفر قنوات و اجراء میاه و غرس اشجار و فراخی ارزاق و نیکوئی میوه در اکثر نواحی و احتمال بروز بعضی امراض که اسباب وحشت مردم شود ولی زود بصحت مبدل گردد و اشتهار بعض زمامداران

مواضع سیارات دوازده‌هم	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نپتون
	عقرب ۱۳ درجه	سنبله ۱۱ درجه	میزان ۲۲ درجه	حوت ۲۶ درجه	قوس ۵ درجه	حمل ۱ درجه	اسد ۲۸ درجه

بقیه ربیع الثانی — تحویل آفتاب بعقرب روز دوشنبه ۲۷ ساعت ۳ و ۴۷ دقیقه بعد

ایام هفته	ماه قمری	مهر باستانی	آکتبر فرنگی	مهر زردشتی	میزان شمسی	مواضع قمر	توقیعات	بقیه ربیع الثانی	طهران نصف النهار	طهران غروب شمس	طهران طلوع آفتاب	طهران اذان صبح	مشهد نصف النهار	مشهد اذان صبح	اصفهان نصف النهار	اصفهان اذان صبح	شیراز نصف النهار	شیراز اذان صبح	عتبات عالیات اذان صبح	تبریز اذان صبح	کرمانشاه اذان صبح
پنجشنبه	پانزدهم	۲۰	۱۳	۲۶	۲۰	ثور	چهره چهارم	آخر هبوط شمس ظهر ۵ شنبه	۵ و ۲۸	۱۱ عصر ۴۷	۲۳ ۴۲ بعد	۱۱ عصر ۱۰	۵ و ۲۵	۱۱ عصر ۱۲	۵ و ۴۰	۱۱ عصر ۱۴	۵ و ۴۳	۱۱ عصر ۱۰	۱۱ عصر ۱۰	۱۰ عصر ۵۷	۱۱ عصر ۲۱
جمعه	شانزدهم	۲۱	۱۴	۲۷	۲۱	جوزا		تعلیم موسیقی سفر خستگی شرکت التجاره	۳۷	۴۶	۴۵	۱۲	۴۴	۱۴	۳۹	۱۵	۴۲	۱۲	۱۲	۵۸	۲۳
شنبه	هفدهم	۲۲	۱۵	۲۸	۲۲	جوزا		فرزند بدایه سپردن از شیر گرفتن	۴۶		۴۲	۱۴	۴۳	۱۸	۳۸	۱۸	۴۲	۱۴	۱۴	۵۹	۲۲
یکشنبه	هجدهم	۲۳	۱۶	۲۹	۲۳	سرطان		اعزام رسول روان کردن آب	۳۵		۵۰	۱۴	۴۲	۳۰	۳۲	۳۰	۴۱	۱۵	۱۴	۱۱ عصر	۳۰
دوشنبه	نوزدهم	۲۴	۱۷	۳۰	۲۴	سرطان		بذر افشاندن زیارت بزرگان	۳۴	۴۶	۵۲	۱۸	۳۱	۳۳	۳۲	۲۲	۲۹	۱۷	۱۸	۱۱ عصر ۱	۴۳
سه‌شنبه	بیستم	۲۵	۱۸	۱	۲۵	اسد	ابان زردشتی	ورود بشهر و خانه نو خرید اشیاء	۳۳	۴۵	۵۴	۲۱	۳۰	۲۵	۳۵	۲۴	۲۹	۱۸	۲۰	۲	۳۶
چهارشنبه	بیست و یکم	۲۶	۱۹	۲	۲۶			امور قبل بنیاد کارهای ملکی	۳۲	۴۵	۵۶	۲۴	۳۰	۳۲	۳۵	۲۴	۲۸	۱۹	۲۳	۲۳	۳۹
پنجشنبه	بیست و دوم	۲۷	۲۰	۳	۲۷	اسد	طلوع عوا	صبح امور روز قبل	۳۱		۵۸	۲۶	۲۹	۲۹	۴۳	۲۲	۳۸	۲۰	۲۵	۴۳	۴۱
جمعه	بیست و سوم	۲۸	۲۱	۴	۲۸	سنبله	احتراق مریخ	نشاید	۳۰		۱ عصر	۲۹	۲۸	۳۱	۴۱	۲۸	۳۷	۲۱	۲۷	۵	۴۳
شنبه	بیست و چهارم	۲۹	۲۲	۵	۲۹	سنبله		خرید باغ و بستان تخم افشاندن	۲۹		۲ عصر ۳	۳۱	۲۷	۳۳	۳۱	۳۰	۳۶	۲۳	۲۱	۶	۴۶
یکشنبه	بیست و پنجم	۳۰	۲۳	۶	۳۰	میزان		تجارت ابتداء تعلیم تجدید لباس	۲۸	۴۵	۵	۳۳	۲۶	۳۵	۳۰	۳۲	۳۵	۲۵	۳۱	۷	۴۹
دوشنبه	بیست و ششم	۱	۲۴	۷	۳۱		ابان باستانی	یکساعت بغروب تحت الشعاع	۲۷	۴۴	۷	۳۵	۲۵	۳۸	۲۹	۳۴	۳۴	۲۷	۳۴	۸	۵۱
سه‌شنبه	بیست و هفتم	۲	۲۵	۸	۱	میزان	عقرب شمسی	۲ ق ۵ بغروب قمر در عقرب میشود	۲۶		۹	۳۷	۲۴	۳۰	۲۹	۳۶	۳۳	۲۹	۳۵	۹	۵۳
چهارشنبه	بیست و هشتم	۳	۲۶	۹	۲	عقرب	تحویل مریخ بعقرب	ع ۴ و ۹ ق از شب پنجشنبه خروج الشعاع میشود	۵ و ۲۵	۱۱ و ۴۴	عصر ۱۱	۱۱ و ۴۹	۵ و ۲۳	۱۱ عصر ۳۹	۵ و ۳۷	۱۱ عصر ۳۸	۵ و ۳۲	۱۱ عصر ۳۰	۱۱ عصر ۳۷	۱۱ عصر ۱۰	۱۱ عصر ۵۶

سلخ ندارد

هو العلیم – اوضاع ستارگان در این ماه دلالت نماید بر انقلاب هوا و باد و بارندگی و سیل هوا بسردی و اشتغال مردم بکندن چاه‌ها و کاریزها و غرس اشجار و رونق بازار تجار و تنقیه و احتمال زد و خورد ما بین یکی از ملل عربی با همسایه خود و احتمال بروز حادثه در نواحی شمال غرب و شیوع مرض

مواضع سیارات روز غره	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نبطون
	عقرب ۲۵ درجه	سنبله ۱۹ درجه	عقرب ۱ درجه	حوت ۲۵ درجه	قوس ۰ درجه	حمل ۱۵ درجه	اسد ۲۹ درجه

جمادی الاولی ۱۳۴۶ — هلال اینماه شب پنجشنبه بزحمت دیده شود — طهران

ایام هفته	[illegible]	ماه شمسی	ماه فرنگی	ماه [illegible]	[illegible]	مواضع قمر	تقویم	[event]	طهران												
پنجشنبه	[illegible]	۴	۲۷	۱۰	۳	عقرب		بذر افشاندن ملاقات بزرگان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جمعه	[illegible]	۵	۲۸	۱۱	۴	قوس		۴۷ بعد از اذان صبح قمر از عقرب خارج میشود	۲۳		۱۵	۴۳	۲۰	۴۵	۲۴	۴۹	۴۱	۴۳	۳۹	۱۲	[illegible]
شنبه	[illegible]	۶	۲۹	۱۲	۵			نشاید	۲۱		۱۷	۴۵	۱۹	۴۷	۲۵	۴۰	۴۱	۳۵	۴۱	۱۳	۱
یکشنبه	[illegible]	۷	۳۰	۱۳	۴	قوس		قبل از ظهر قمر از صورت عقرب خارج شود	۲۰		۱۹	۴۷	۱۸	۴۹	۲۴	۴۴	۲۹	۳۴	۴۴	۱۴	۳
دوشنبه	[illegible]	۸	۳۱	۱۴	۲	جدی	رجعت عطارد	تجدید لباس زراعت	۱۹		۲۲	۴۹	۱۶	۵۲	۲۴	۴۵	۲۹	۳۲	۴۵	۱۵	۵
سه شنبه	[illegible]	۹	۱	۱۵	۸	جدی	نوامبر فرنگی	امور گذشته بنا ابنیه	۱۸		۲۴	۵۰	۱۵	۵۴	۲۲	۴۷	۲۸	۳۸	۴۷	۱۶	۷
چهارشنبه	[illegible]	۱۰	۲	۱۶	۹	دلو	طلوع سماک	ورود بشهر و خانه نو غرس اشجار	۱۷		۲۶	۵۱	۱۴	۵۶	۲۱	۴۹	۲۷	۴۰	۴۹	۱۷	۸
پنجشنبه	[illegible]	۱۱	۳	۱۲	۱۰	دلو		امور قبل خرید املاک	۱۶	۴۴	۲۷	۵۳	۱۴	۵۸	۲۰	۵۰	۳۶	۴۲	۵۱	۱۸	۱۰
جمعه	[illegible]	۱۲	۴	۱۸	۱۱	حوت	[illegible]	عقد نکاح سواری معالجه صید	۱۵		۲۹	۵۴	۱۲	ع ۱	۲۰	۵۱	۳۵	۴۴	۵۲	۱۹	۱۲
شنبه	[illegible]	۱۴	۵	۱۹	۱۲	حوت	۱۸ [illegible]	نشاید	۱۴		۳۱	۵۶	۱۱	ع ۲	۱۹	۵۲	۲۵	۴۵	۵۴	۲۰	۱۳
یکشنبه	[illegible]	۱۴	۶	۲۰	۱۴	حمل	۵۹ [illegible]	نوبریدن و پوشیدن فصد	۱۳		۳۴	۵۸	۱۰	۴	۱۸	۵۴	۲۴	۴۶	۵۴	۲۱	۱۵
دوشنبه	[illegible]	۱۵	۷	۲۱	۱۴	حمل	عید [illegible] روس	خشته خرید دواب	۱۲		۳۵	ع ۲	۹	۶	۱۲	۵۶	۲۴	۴۷	۵۶	۲۲	۱۷
سه شنبه	[illegible]	۱۶	۸	۲۲	۱۵	ثور	شرف قمر [illegible]	وفات حضرت فاطمه سلام الله علیها	=		۳۲	ع ۱	۸	۷	۱۶	۵۸	۲۳	۴۸	۵۸	۲۴	۱۹
چهارشنبه	[illegible]	۱۷	۹	۲۳	۱۴	ثور	تحویل زهره بمیزان	نشاید	=		۳۹	۴	۷	۹	۱۵	ع ۱	۲۳	۴۹	ع ۱	۲۴	۲۰
پنجشنبه	[illegible]	۱۸	۱۰	۲۴	۱۲	جوزا	احتراق عطارد	عبور عطارد در قرص آفتاب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

مکر و جور و ستم در برخی ممالک و بیماریهای دموی و درد چشم در جوانان و نازل شدن بارانهای قوی در بعض حدود و رونق بازارها و ایمنی طرق و شوارع و ارزانی بعض نرخها و ترقی بعض از سپاهیان و انقلاب احوال یکی از معارف و احتمال فوت یکی از خواتین و مغلوب شدن دسته از اعراب و هم و غم بعض مل

مواضع سیارات روز شانزدهم	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نپتون
	عقرب ۱۵ درجه	میزان ۲ درجه	عقرب ۱۱ درجه	حوت ۲۴ درجه	قوس ۸ درجه	حوت ۳۰ درجه	اسد ۲۹ درجه

ایام	[illegible]	ایام ماه	ایام ماه	ایام ماه	[illegible]	مواضع قمر	[illegible]	بقیه جمادی الاولی — تحویل آفتاب بقوس ۳ ساعت ۴ ق از روز ۴م شنبه ۲۸ گذشته	طهران												
جمعه	[illegible]	۱۹	۱۱	۲۵	۱۸	جوزا		تجدید لباس ابتدا کتابت و سوقی	عه۵ ۹	عه۱۱ ۴۴	عه۱ ۴۴	عه۱۲ ۴	عه۵ ۵	عه۱۲ ۱۲	عه۵ ۱۲	عه۱۲ ۲	عه۵ ۲۰	عه۱۱ ۵۲	عه۱۲ ۴	عه۱۱ ۲۲	عه۱۲ ۲۴
شنبه	[illegible]	۲۰	۱۲	۲۶	۱۹	سرطان		نشاید	۸		۴۵	۲	۴	۱۵	۱۴	۴	۲۰	۵۴	۵	۳۲	۲۴
یکشنبه	[illegible]	۲۱	۱۳	۲۷	۲۰		قران عطارد و مریخ	صبح امور زراعت از شیر گرفتن نیک	۲		۴۴	۹	۳	۱۴	۱۲	۵	۱۹	۵۵	۷	۳۲	۲۸
دوشنبه	[illegible]	۲۲	۱۴	۲۸	۲۱	سرطان	اول ایام عطر	بذر افشاندن زیارت احباب	۴		۴۸	۱۱	۲	۱۸	۱۱	۷	۱۸	۵۶	۸	۲۸	۲۹
سه‌شنبه	[illegible]	۲۳	۱۵	۲۹	۲۲	اسد		صبح نقل مکان غرس اشجار نیک	۵		۵۰	۱۳	۱	۲۰	۱۱	۸	۱۸	۵۲	۱۰	۲۹	۳۱
چهارشنبه	[illegible]	۲۴	۱۶	۳۰	۲۳	اسد	شب پنجشنبه زفاف نیک طلوع عفر	عصر عقد نکاح امور روز قبل	۴	۴۴	۵۱	۱۴	عه۵۹	۲۳	۱۰	۹	۱۲	۵۸	۱۱	۲۹	۳۳
پنجشنبه	[illegible]	۲۵	۱۷	۱	۲۴	سنبله	آذر روز جشن	مسافرت امور دو روز گذشته	۴	۴۵	۵۳	۱۵	۵۸	۲۹	۹	۱۰	۱۷	۵۹	۱۲	۳۰	۳۵
جمعه	[illegible]	۲۶	۱۸	۲	۲۵	سنبله		بنای ابنیه امور زراعت و باغبانی	۳	۴۵	۵۵	۱۶	۵۶	۲۸	۸	۱۱	۱۶	عه۱	۱۳	۳۱	۳۷
شنبه	[illegible]	۲۷	۱۹	۳	۲۶	میزان		نشاید	۳		۵۶	۱۸	۵۵	۳۰	۷	۱۲	۱۵	۲	۱۵		۳۸
یکشنبه	[illegible]	۲۸	۲۰	۴	۲۷		استقامت مریخ استقامت عطارد	فصد و حجامت و ابتداء تعلیم نیک	عه۵	۴۵	۵۸	۲۰	۵۴	۳۱	۷	۱۴	۱۴	۳	۱۷	۳۱	۴۰
دوشنبه	[illegible]	۲۹	۲۱	۵	۲۸	میزان		۵ عت ۵۳ ده از شب سه‌شنبه گذشته قمر در عقرب	عه۵	۴۴	عه۵۹	۲۲	۵۴	۳۲	۴	۱۵	۱۳	۴	۱۸	۳۲	۴۲
سه‌شنبه	[illegible]	۳۰	۲۲	۶	۲۹	عقرب		بذر افشاندن ملاقات بزرگان	عه۵		عه۱	۲۳	۵۲	۳۳	۴	۱۴	۱۳	۵	۱۹	۳۴	۴۵
چهارشنبه	[illegible]	۱	۲۳	۷	۹	عقرب	قوس شمسی آذر باستانی	۴ عت ۱۷ ده از روز تحت الشعاع	عه۵۹		۲	۲۵	۵۲	۳۵	۵	۱۲	[illegible]	[illegible]	۳۰	۳۴	۴۶
پنجشنبه	[illegible]	۲	۲۴	۸	۳	قوس		۱۰ ده قبل از ظهر قمر از برج عقرب خارج	۵۸	۴۴	۴	۲۲	۵۱	۳۲	۵	۱۸	[illegible]	۷	۲۱		۴۲
جمعه	[illegible]	۳	۲۵	۹	۳	قوس		یکساعت ۲۵ ده بغروب خروج الشعاع	عه۵ ۲۷	عه۱۱ ۲۰	عه۱۲ ۱	عه۵ ۲۹	عه۱۱ ۱۵	عه۵ ۲۸	عه۱۲ ۱۹	عه۱۲ ۱۱	عه۵ ۸	عه۱۲ ۸	عه۴ ۲۲	عه۱۱ ۲۴	عه۱۲ ۲۸

هو العلیم — اوضاع کواکب در این ماه دلالت دارد بر سردی هوا و باد و بارندگی و امنیت و آسایش عمومی و استفاده بعض از تجار و کسبه و تمایل عامه بعلم موسیقی و آموختن آن و رونق بازار جواهر و عطریات و اسباب زینت و نیک نفسی پادشاه و صحت و سلامت عامه و ازدیاد سعادات و خیرات در این

مواضع دراری سبعه غره ماه	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نبطون
	عقرب ۱۳ درجه	میزان ۱۶ درجه	عقرب ۲۲ درجه	حوت ۲۴ درجه	قوس ۹ درجه	حوت ۳۰ درجه	اسد ۲۹ درجه

جمادی الثانیه ۱۳۴۴ — هلال این ماه شب شنبه معتدل نماید — **طهران**

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مواضع قمر	تقویمات	اختیارات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شنبه	[illegible]	۳	۲۶	۱۰	۳	قوس		عصر قمر از صورت عقرب خارج میشود	۴ع ۵۷	۱۱ع ۴۷	۲ع ۷	۱۲ع ۳۲	۶ع ۵۱	۱۲ع ۳۹	۶ع ۴	۱۲ع ۲۰	۵ع ۹	۱۱ع ۹	۱۲ع ۲۲	۱۱ع ۲۵	۱۲ع ۴۹
یکشنبه	[illegible]	۵	۲۷	=	۵	جدی		تجدید لباس مسافرت زراعت	۵۴	۴۷	۸	۳۳	۵۰	۴۰	۳۴	۲۱	۱۰	۱۰	۲۳	۳۴	۵۰
دوشنبه	[illegible]	۶	۲۸	۱۲	۶	جدی	وفات حضرت فاطمه بتولی	شرکت و بنا	۵۴	۴۸	۹	۳۴	۵۰	۴۱		۲۳	۹	=	۲۴	۳۷	۵۱
سه‌شنبه	[illegible]	۷	۲۹	۱۳	۷	دلو	طلوع زبانا	نقل مکان فصد حجامت و بنا	۵۵		۱۰	۳۵	۴۹	۴۲	۴	۲۴		۱۲	۲۵	۳۸	۵۲
چهارشنبه	[illegible]	۸	۳۰	۱۴	۸			مانند قبل	۵۴	۴۸	=	۳۴	۴۸	۴۳	۲	۲۴	۹	۱۲	۲۶	۳۹	۵۳
پنجشنبه	[illegible]	۹	۱	۱۵	۹	دلو	دسامبر فرنگی	صبح ورود بخانه و شهر و عرس انجا	۵۴	۴۹	۱۲	۳۸	۴۸	۴۴	۲	۲۵	۸	۱۳	۲۷		۵۴
جمعه	[illegible]	۱۰	۲	۱۶	۱۰	حوت	رجعت نبطون	نشاید	۵۳		۱۴	۴۷	۴۵	۵	-	۲۴		۱۴	۲۸	۳۹	۵۴
شنبه	[illegible]	=	۳	۱۷	=	حوت	احتراق زحل	مثل روز گذشته	۵۳	[illegible]	۱۵	۴۱	۴۷	۴۶	[illegible]	۲۷	۸	۱۴	۲۸	۴۰	۵۸
یکشنبه	[illegible]	۱۲	۴	۱۸	۱۲	حمل		امور تجارت ملاقات بزرگان	۵۲	۵۰	۱۴	۴۲	۴۷	۴۷			۷	۱۵	۲۹		۵۹
دوشنبه	[illegible]	۱۳	۵	۱۹	۱۳	حمل		۵ عباد ۳ قد از شب سه شنبه شرف قمر است	۵۲	۵۱	۱۷	۴۲	۴۵	۴۸		۲۷	۷	۱۵	۳۰	۴۰	۱۲ع ۴۰
سه‌شنبه	[illegible]	۱۴	۶	۲۰	۱۴	ثور	شب چهارشنبه ز خوف ثبک	عقد نکاح نقل مکان تعلیم موسیقی	۵۱	۵۱	۱۸	۴۴		۴۹		۲۸	۶	۱۶	۳۱	۴۱	۱۲ع ۴۱
چهارشنبه	[illegible]	۱۵	۷	۲۱	۱۵	ثور	امتزاج النصلین	امروز گذشته عرس اشجار فرزند بدرسه	۵۱	۵۱	۱۸		۵۵	۵۰				۱۴			۳
پنجشنبه	[illegible]	۱۶	۸	۲۲	۱۶	جوزا	تحویل مریخ بقوس	خسوف کلی مرئی شب جمعه	۵۰	۵۲	۱۹	۴۴	۵۰	۵۱		۲۸	۶	۱۷	۴۳		۴
جمعه	[illegible]	۱۷	۹	۲۳	۱۷	جوزا	تحویل زهره بعقرب استقامت اورانوس تحویل عطارد بقوس	غرس اشجار فرزند از شیر گرفتن		۵۲	۲۰	۴۴			۵۹		۵	۱۷	۴۳		۴
شنبه	[illegible]	۱۸	۱۰	۲۴	۱۸	سرطان	قران عطارد و مریخ	نشاید	۵ع ۵۰	۱۱ع ۵۲	۱۲ع ۲۱	۱۲ع ۴۴	۱۲ع ۵۱	۱۲ع ۵۰	۵ع ۵۹	۱۲ع ۲۹	۵ع ۵	۱۱ع ۱۶	۱۲ع ۳۴	۱۱ع ۴۴	۱۲ع ۵

در حسن حال فقدان سرور یا وقوع تغییرات و سردی هوا و برف و فساد بعضی اشجار و بروز
بارهٔ بیماریها و آفت چارپایان و تزلزل بزرگی و بدی هوا و سستی بعضی بازار
بواسطهٔ بی‌رغبتی در تجارت خارجی والله تعالی اعلم بحقایق الامور والاشیا

مواضع سیارات	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نپتون
در روز شانزدهم	۳ جوزا	۳ ثور	۲ جوزا	۲۴ حوت	۱۱ قوس	۲۹ حوت	۲۹ اسد

ایام هفته						قمر	تقویم	بقیهٔ احکام الثانیه — تحویل اثناعشری ۷ ع ۱۳ تماراز شب جمعه ۱۲ گذشته	طهران
[illegible]	[illegible]	۱۱	۱۱	[illegible]	۱۵	[illegible]		تجدید لباس ملاقات بزرگان ازدواج عیادت	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۳	۱۲	۲۴	۲۰	[illegible]	طلوع اکلیل	عقد نکاح نقل مکان فصد و ختنه	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۱۱	۱۳	۲۷	۲۱	[illegible]		غرس اشجار امور گذشته	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۲	۱۴	۲۸	۲۲	[illegible]		مسافرت ابتداء تعلیم	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۳	۱۵	۲۹	۲۳	[illegible]		مولود حضرت فاطمه علیها السلام	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۴	۱۶	[illegible]	۲۴	[illegible]		عمارت زراعت	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۵	۱۷	—	۲۵	[illegible]	قران عطارد و زهره دنباله و ذو ذنب	جلوس شاهنشاهی پهلوی ۱۳۰۴	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۴	۱۸	۳	۲۶	[illegible]		تجارت ملاقات بزرگان	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۷	۱۹	۳	۲۷	[illegible]		۳ و ۴۳ بعد از آفتاب قمر در عقرب	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۸	۲۰	۳	۲۸	[illegible]		نشاید	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۲۹	۲۱	۵	۲۹	[illegible]		۴ و ۳ از شب قمر از عقرب خارج	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۶	۲۲	۳	۳۰	[illegible]	شب یلدا	برطرفی معالجه صید	[illegible]
[illegible]	[illegible]	—	۲۳	۲	—	[illegible]	ای بوسته غیر مدید [illegible]	۵۳ دقیقه از آفتاب تحت الشعاع	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۳	۲۴	۵	۳۶	[illegible]	دیگان در	شب یکشنبه قمر از صورت عقرب خارج	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۶	۲۵	۵	۳۶	[illegible]	تحویل قمر طلوع قلب	۲ و ۱۹ از روز خروج الشعاع میشود	[illegible]

بحکم احکام نجوم اوضاع کواکب در این ماه دلالت دارد بر سردی هوا و هبوب ریاح بارده و برف و باران بسیار و کثرت غیوم و [illegible] و حسوبات و تغییر احوال مردم و ظهور بعض اسرار و توجه بزرگان بعلوم و صنایع و اختلاف و نفاق بین بعض دول و [illegible] ؛

مواضع سیارات روز غره	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نپتون
	قوس ۲۶ درجه	عقرب ۲ درجه	قوس ۱۳ درجه	حوت ۲۲ درجه	قوس ۱۲ درجه	حوت ۳ درجه	اسد ۲۹ درجه

رجب ۱۳۴۶ — طهران

هلال اینماه شب دوشنبه [illegible]

ایام هفته	قمریه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مواضع قمر	وقایع	اختیارات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
دوشنبه	غره	۴	۲۶	۱۰	۴	[illegible]	مولود امام محمد باقر و [illegible]	نو بریدن و پوشیدن مسافرت [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سه‌شنبه	دوم	۵	۲۷	۱۱	۵	ثور	مولود امام علی النقی	نقل مکان حجامت عروس [illegible]		[illegible]	۲۵	۴۲	۴۲			۳۲		۳۱	۳۲	۴۲	۱۲
چهارشنبه	سیم	۶	۲۸	۱۲	۶		وفات امام علی النقی [illegible]	امور روز قبل		۱	۳۴	۳۸	۴۲	۵۵		۳۲	۴	۳۱	۳۷	۴۴	۱۱
پنجشنبه	چهارم	۷	۲۹	۱۳	۷	جوزا	لیلة الرغائب	مانند دو روز گذشته		۱	۳۴	۳۷	۴۲	۵۵	۵۸	۳۲	۴	۳۱	۳۴	۴۳	۱۱
جمعه	پنجم	۸	۳۰	۱۴	۸			عقد و نکاح و دیگر امور مهمه		۳	۳۴	۴۶				۳۲			۳۵	۴۳	۱۰
شنبه	ششم	۹	۳۱	۱۵	۹	سرطان	[illegible]	نشاید	۴۸	۳	۳۳	۴۶	۴۳	۵۴	۵۸		۵	۳۱	۳۵	۴۳	۹
یکشنبه	هفتم	۱۰	۱	۱۶	۱۰		۱۹۲۸ [illegible] ژانویه فرنگی	تجدید لباس ختنه کودک خوبست		۳	۳۳	۴۵		۵۳		۳۱	۵	۳۰	۳۴	۴۳	۸
دوشنبه	هشتم	۱۱	۲	۱۷	۱۱	اسد	[illegible]	[illegible] از روز گذشته اول شرف قمر است		۴	۳۳	۴۴			۵۹		۵	۲۹	۳۴		۷
سه‌شنبه	نهم	۱۲	۳	۱۸	۱۲			عقد نکاح و سایر امور مهمه	۴۹	۵	۳۱	۴۳	۴۲	۵۳	۵۹	۳۱					۶
چهارشنبه	دهم	۱۳	۴	۱۹	۱۳	[illegible]	مولود امام محمد تقی [illegible]	ابتدای تعلیم کتابت و حمل مال التجاره			۳۰			۵۲		۳۰	۵	۱۹	۳۳		۵
پنجشنبه	یازدهم	۱۴	۵	۲۰	۱۴			مانند روز گذشته	۴۹	۴	۳۰	۴۳					۴	۱۸	۳۳		۴
جمعه	دوازدهم	۱۵	۶	۲۱	۱۵	میزان	[illegible]	زراعت و از شیر باز گرفتن	۵۰	۴	۱۹	۴۳	۴۵	۵۲		۳۰	۴	۱۸		۴۳	۵
شنبه	سیزدهم	۱۶	۷	۲۲	۱۶		اول ایام البیض طلوع [illegible]	مولود حضرت امیر ع	۵۰		۱۸	۴۳		۵		۲۱				۴۰	۱
یکشنبه	چهاردهم	۱۷	۸	۲۳	۱۷	عقرب	[illegible] عطارد	نشاید	۵۱		۱۷			[illegible]		[illegible]			۱۷	۳۲	[illegible]
دوشنبه	پانزدهم	۱۸	۹	۲۴	۱۸		آخر ایام البیض استفتاح	نقل مکان عقد و نکاح عروس [illegible]	۵۲	۷	۱۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]



